

جهاد در قرآن

بسم الله الرحمن الرحیم

جنگ و جهاد در قرآن

نویسنده:

واحد تحقیقات پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

ناشر چاپی:

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
جنگ و جهاد در قرآن ----- ۱۰
مشخصات کتاب ----- ۱۰
مقدمه ----- ۱۰
فصل اوّل کلّیات ----- ۱۱
اشاره ----- ۱۱
معنای لغوی و اصطلاحی جهاد ----- ۱۱
اقسام جهاد ----- ۱۲
اشاره ----- ۱۲
جهاد اکبر و جهاد اصغر ----- ۱۲
چرا جهاد اکبر؟ ----- ۱۲
هشدار ----- ۱۳
اقسام جهاد اصغر ----- ۱۳
فضیلت جهاد فرهنگی ----- ۱۴
اقسام جهاد نظامی ----- ۱۵
تبیین جهاد ابتدایی ----- ۱۶
تشریع جهاد نظامی ----- ۲۰
اشاره ----- ۲۰
وضعیت مسلمانان در مکه (دوران جهاد فرهنگی و تحمّل) ----- ۲۰
مدینه قبل از بدر ----- ۲۱
فلسفه و اهداف جهاد ----- ۲۳
اشاره ----- ۲۳
۱- دفاع از کیان اسلام و مسلمانان ----- ۲۳

۲- مقابله با ظلم و فساد ---- ۲۳
۳- حفظ پایگاه‌های خداپرستی و توحید ---- ۲۴
۴- دفاع از مظلومان و مستضعفان (مؤمن و غیرمؤمن) ---- ۲۴
جهاد و آزادی عقیده ---- ۲۵
پیشینه جهاد و قتال در حرکت انبیا ---- ۲۷
اهمیّت و فضیلت جهاد اصغر ---- ۲۸
فصل دوم دشمن شناسی ---- ۳۰
اشاره ---- ۳۰
دشمن درونی ---- ۳۰
الف- نفس امّاره: ---- ۳۰
ب- شیطان (ابلیس): ---- ۳۰
دشمن بیرونی ---- ۳۱
اشاره ---- ۳۱
الف- دشمن داخلی: ---- ۳۱
ب- دشمن خارجی: ---- ۳۴
تبیین و توضیح ---- ۳۸
اشاره ---- ۳۸
۱- دشمنی مشرکان: ---- ۳۸
۲- اهل کتاب ---- ۳۹
فصل سوم دشمن ستیزی ---- ۴۱
اشاره ---- ۴۱
ستیز تا کجا؟ ---- ۴۳
جهاد تا حاکمیت کامل اسلام و محو کامل شرک ---- ۴۴
فصل چهارم ویژگی‌های مجاهدان ---- ۴۸

اشاره ----- ۴۸
ویژگی‌های عمومی ----- ۴۸
ویژگی‌های فرماندهان ----- ۵۱
اشاره ----- ۵۱
ویژگی‌های فرمانده از نگاه حضرت علی (ع) ----- ۵۳
ویژگی‌های فرمانبران ----- ۵۳
فصل پنجم عوامل پیروزی و شکست ----- ۵۷
عوامل پیروزی ----- ۵۷
اشاره ----- ۵۷
الف- عوامل مادی ----- ۵۷
ب- عوامل معنوی ----- ۵۷
امدادهای غیبی در جنگ ----- ۶۱
اشاره ----- ۶۱
فلسفه امدادهای غیبی ----- ۶۳
قانونمندی امدادهای غیبی ----- ۶۳
عوامل شکست ----- ۶۵
اشاره ----- ۶۵
۱- عدم بینش صحیح ----- ۶۵
۲- تفرقه ----- ۶۵
۳- نافرمانی ----- ۶۶
۴- عجب و غرور ----- ۶۶
فصل ششم مقام و منزلت مجاهد و شهید ----- ۶۷
اشاره ----- ۶۷
مقام مجاهدان ----- ۶۷

پاداش مجاهدان ----- ۶۹
منزلت جانباز وشهید ----- ۷۰
مقام شهدا ----- ۷۰
پاداش شهدا ----- ۷۲
فصل هفتمنقش زنان در جهاد و دفاع ----- ۷۳
اشاره ----- ۷۳
الف- شرکت مستقیم ----- ۷۳
اشاره ----- ۷۳
۱- رزم شجاعانه: ----- ۷۴
۲- پرستاری از مجروحان: ----- ۷۴
ب- شرکت غیر مستقیم ----- ۷۴
اشاره ----- ۷۵
۱- رزمنده پروری و تشویق شوهران و فرزندان به شرکت در جهاد ----- ۷۵
۲- ایجاد آرامش روانی برای رزمندگان نسبت به اداره زندگی و تربیت فرزندان ----- ۷۶
۳- استقبال از شهادت جوانان ----- ۷۶
۴- پرستاری و امدادگری ----- ۷۷
۵- کمک‌های مالی و تدارکاتی ----- ۷۷
۶- فعالیت‌های تبلیغاتی ----- ۷۷
فصل هشتم وظایف مردم در پشت جبهه ----- ۷۸
اشاره ----- ۷۸
الف- پشتیبانی معنوی و فرهنگی از رزمندگان ----- ۷۸
۱- تجلیل و تأیید رزمندگان و ایثارگران ----- ۷۸
۲- تجلیل از شهدا، جانبازان و مجروحان ----- ۷۸
۳- رسیدگی به خانواده‌های رزمندگان ----- ۷۹

ب- مقابله با توطئه‌های دشمن و ستون پنجم ----- ۷۹
اشاره ----- ۷۹
۱- پرهیز از تفرقه ----- ۸۰
۲- حفظ امنیت داخلی ----- ۸۰
۳- مقابله با جنگ روانی دشمن ----- ۸۱
ج- پشتیبانی مالی و تدارکاتی از جبهه ----- ۸۱
فهرست منابع ----- ۸۳
درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ----- ۸۴

جنگ و جهاد در قرآن

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : جنگ و جهاد در قرآن/ واحد آموزش- ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

مشخصات نشر : [تهران]: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۰.

مشخصات ظاهری : ۹۰ ص.

فروست : از قرآن بیاموزیم؛ شماره ۱.

یادداشت : چاپ مکرر: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۰.(بدون فروست).

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : جنگ -- جنبه‌های قرآنی

موضوع : جهاد در قرآن

شناسه افزوده : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

شناسه افزوده : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. ستاد مرکزی. واحد آموزش

رده بندی کنگره : BP۱۰۴ /ج۸۸ج۸۸ ۱۳۶۰ الف

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی : ۱۵۴۳۹۶۲

مقدمه

دین اسلام برای نجات بشریت از منجلاب جهل، شرك، خرافه، گمراهی و رساندن او به مقام خلافت و انسان کامل آمده است. در طول هزار و چهارصد سال که از بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می گذرد، مسلمانان متعهّد توانسته‌اند این هدف متعالی را در هر زمان کم و بیش جامه تحقق بپوشانند. آنان با تلاش و جهاد همه جانبه خویش، ابتدا به شکست دشمن درون، همت گمارده، سپس برای نابود ساختن دشمنان بیرونی به جهاد فرهنگی و نظامی روی آورده‌اند. در عصر حاضر حفاظت از اسلام و انتشار و ترویج آیین توحیدی و حیاتبخش آن به عهده ما گذاشته شده است. حال برای اینکه در انجام این وظیفه سنگین موفق باشیم باید بر گستره آگاهی و اطلاعات خود در زمینه دشمن شناسی بیفزاییم و دشمنان اسلام و انسانیت را در چهره‌های گوناگونشان بشناسیم و پس از آن به تقویت روحیه دشمن ستیزی همت گماریم و در هر دو میدان جهاد اصغر و اکبر با بینش کامل و عزمی راسخ قدم نهیم و پنجه در پنجه دشمنان انداخته، به حول و قوه الهی آنها را منکوب نماییم و خارهای سر راه پیشرفت اسلام را بزداییم. دوره‌های بسیج فرصت مناسبی برای رشد یافتن و تعالی است چه از لحاظ فکری و چه از نظر گرایش؛ و برای تحقق این مهم متن حاضر تدوین شده است. در این کتاب مباحثی همچون مفهوم جهاد،

جهاد در قرآن، ص: ۱۴

اهمیت و اهداف آن، دشمن شناسی، دشمن ستیزی، ویژگی‌های مجاهدان، عوامل پیروزی و شکست و ... مورد بحث قرار گرفته است. امید است در تقویت بنیه اعتقادی، بینش صحیح دینی و گرایش مذهبی متعلّمان مفید و مؤثر واقع شود.

مرکز تحقیقات اسلامی

معاونت متون آموزشی و کمک آموزشی جهاد در قرآن، ص: ۱۵

فصل اوّل كلّيات

اشاره

در این فصل، مسائل کلی جهاد نظیر اقسام جهاد، اهمیت جهاد، فلسفه و اهـداف جهاد را مورد بررسـی قرار خواهیم داد؛ امّا پیش از ورود به این مباحث لازم است معنای لغوی و اصطلاحی جهاد مورد بررسی قرار گیرد.

معنای لغوی و اصطلاحی جهاد

واژه «جهاد» از ریشه «جَهْد یا جُهْد» به معنای مشقّت و زحمت و همچنین به معنای توان و طاقت است و «جهاد» و «مجاهده» یعنی به کار بستن توان در دفع دشمن. «۱» البته این کوشش به صورت‌های مختلف انجام می گیرد، زیرا حمله و هجوم دشمن به شیوه‌های مختلف است و اما لفظ «قتال» فقط به معنای مقابله نظامی و درگیری با دشمن است.

جهاد علاوه بر معنای لغوی، اصطلاحی شایع در فرهنگ اسلامی است و در تعریف آن چنین گفته‌اند:

«الْجِهادُ شَرْعاً بَذْلُ النَّفْسِ وَ الْمالِ وَالْوُسْعِ فی اعْلاءِ کَلِمَةِ الْاسْلامِ وَ اقامَةِ شَعائِرِ الْایمانِ» «۲»

معنای شرعی و اصطلاحی جهاد عبارت است از نثار جان و مال و توان در راه اعتلای اسلام و بر پا داشتن شعارهای ایمان.

---

(۱)- مفردات، راغب اصفهانی، ص ۱۰۱؛ البته این واژه به معنای کوشش و زحمت زیاد برای تحقق بخشیدن‌هدف هم آمده است. مثلًا «وَ انْ جاهَداکَ لِتُشْرِکَ بی ..» یعنی اگر سعی و کوشش کردند تا تو بر من شرک بورزی ...». (عنکبوت (۲۹)، آیه ۸).

(۲)- جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۳.

جهاد در قرآن، ص: ۱۶

رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیان تعریف اصطلاحی جهاد می‌فرماید:

هر چیزی که هم تلاش باشـد و هم در مقـابله با دشـمن باشـد، جهاد است. بعضـی ممکن است یک کاری انجام دهنـد، زحمت هم بکشند، بگویند ما داریم جهاد می کنیم، نه، جهاد یک شقّش این است که در مقابله با دشمن باشد. «۱»

بنابراین در معنای اصطلاحی جهاد دو عامل مهم لحاظ شده است:

اول این که اقـدامی باشـد همراه با تلاش، کوشـش و تحمل سـختی. دوم اینکه اقـدامی باشـد برای مقابله با دشـمن و دفع هجوم‌های گوناگون او.

به نظر می‌رسد در اصـطلاح جهاد، قید سومی هم لحاظ شده که عبارت است از قید «فی سبیل اللّه»؛ یعنی اینکه این تلاش و کوشش برای مقابله با دشـمن، به قصـد و نیت امتثال امر، کسب رضای خـدا و شـکست دشـمن خدا باشد و اگر در این مقابله، کسب رضای خدا لحاظ نشده باشد، اطلاق واژه جهاد بر آن صـحیح نیست ولی در معنای قتال که مقابله نظامی با دشمن است، قید «فی سبیل الله» نیامده است. از این رو در قرآن وقتی سخن از جهاد و مجاهده آمده یا به صورت مطلق است:

«لکِنِ الرَّسُولُ وَ الَّذینَ امَنُوا مَعَهُ جاهَدُوا بِامْوالِهِمْ وَ انْفُسِهِمْ ...» «۲»

ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند، با اموال و جانهایشان جهاد کردند.

و یا اگر قید «فی سبیل الله» آمده، قید توضـیحی است اما قتال ممکن است مقابله نظامی با دشـمن جهت کسب رضای خدا باشد و یا با جبهه حق و در راه شیطان و طاغوت:

«الَّذینَ امَنُوا یُقاتِلُونَ فی سَبیلِ اللَّهِ وَالَّذینَ کَفَرُوا یُقاتِلُونَ فی سَبیلِ الطَّاغُوتِ» «۳»
مؤمنان در راه خدا و کافران در راه طاغوت جنگ و مبارزه می کنند.

---

(۱)- سخنرانی معظم له تحت عنوان «عبرتهای عاشورا».

(۲)- توبه (۹)، آیه ۸۸.

(۳)- نساء (۴)، آیه ۷۶.

جهاد در قرآن، ص: ۱۷

بنابراین معنای اصطلاحی جهاد عبارت است از: به کار گرفتن سعی و توان برای مقابله با دشمن، به نیّت کسب رضای خدا و امتثال امر او.

اقسام جهاد

اشاره

تقسیم بندی جهاد به چند اعتبار صورت می گیرد، گاهی تقسیم بندی به اعتبار «دشمن» است و گاهی به اعتبار «نوع هجوم» و گاهی به اعتبار «ارزش و اهمیت» که این تقسیم بندی‌ها خود به شرح زیر است:

جهاد اکبر و جهاد اصغر

دشمن انسان یا درونی است و یا بیرونی، دشمن درونی عبارت است از شیطان که وجودش نامرئی بوده و در نفس انسان وسوسه می کند و با یاری گرفتن از قوای نفسانی بر قوای رحمانی و عقلانی می‌تازد و با شکست دادن آنها، انسان را به بردگی و بندگی می گیرد. جهاد با شیطان و قوای نفسانی را «جهاد نفس» یا «جهاد اکبر» نامیده‌اند.
در مقابل، دشمن بیرونی است؛ یعنی شیطان‌های انسان نمایی که سد کننده راه خدایند و تجاوزگر به حقوق انسانها؛ جهاد در مقابل اینان را «جهاد اصغر» گویند.

چرا جهاد اکبر؟

اصطلاح «جهاد اکبر» را برای «جهاد با نفس» شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله به کاربردند.
ایشان خطاب به گروهی از رزمندگان که فاتحانه از میدان مبارزه با دشمن خارجی باز می گشتند، فرمود:
«مَرْحَبًا بِقَوْمٍ قَضَوُا الْجِهادَ الْاصْغَرَ وَ بَقِیَ عَلَیْهِمُ الْجِهادُ الْاکْبَرُ»
آفرین به قومی که جهاد کوچک‌تر را انجام دادند و جهاد بزرگ‌تر هنوز بر عهده آنان باقی است.
رزمندگان پرسیدند: ای رسول خدا؛ جهاد اکبر چیست؟
جهاد در قرآن، ص: ۱۸
پیامبر فرمود: جِهادُ النَّفْسِ «۱» (مبارزه با نفس شیطانی).
یک مجاهد قبل از اینکه وارد میدان جهاد اصغر شود، باید به جهاد اکبر بپردازد.
جهاد اصغر یک جهاد موقتی است و تا زمانی که دشمن خارجی سرکوب نشده، ادامه دارد و با منکوب شدن دشمن خارجی تمام

می‌شود، ولی جهاد اکبر یک جهاد دائمی و لحظه به لحظه است و در این میـدان، دشـمن لحظه‌ای غافل نشـده انسان را به حال خود نمی گذارد.

انسـان با ایمان آوردن و انجام اعمال صالـح وارد میـدان مبارزه با بزرگترین دشـمن خود، یعنی شـیطان و نفس امّاره شـده است و تا زمانی که در این میدان باشد و بر ایمان خویش پای فشرده و بدان پایبند بماند مجاهد بوده و مرگش شهادت است.

«منهال قصاب» به امام صادق علیه السلام عرض کرد: «ادْعُ اللَّهَ انْ یَرْزُقَنِی الشَّهادَهَ»؛ از خدا بخواه که شهادت روزیم کند.

امام فرمود:

«انَّ الْمُؤْمِنَ شَهیدٌ» وَ قَرَأَ «وَالَّذینَ امَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ اوُلئِکَ هُمُ الصِّدّیقوُنَ وَالشُّهَداءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ» «۲»

به راستی که مؤمن شهید است. و بعد این آیه را تلاوت فرمود: «کسانی که به خدا و رسولانش ایمان آوردند، در نزد پروردگارشان صدیقان و شهیدان می‌باشند.» «۳»

هشدار

مجاهـدانی که شاهـد عرصه نبرد بوده و توفیق شـهادت را نصـیب خود کردند، اینان جهاد اکبر و جهاد اصـغر خویش را با فوز عظیم شهادت به پایان بردنـد و کارنامه خویش را به مهر درخشان شـهادت ختم کردنـد، امّا مجاهـدانی که سـرافراز از میـدان جهاد اصـغر بیرون آمدند باید بدانند که بر کارنامه خویش سطرهایی از افتخار و عظمت نگاشته‌اند اما

---

(۱)- وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۲۲.

(۲)- حدید (۵۷)، آیه ۱۹.

(۳)- المیزان، ج ۱۹، ص ۱۶۹.

جهاد در قرآن، ص: ۱۹

بایـد این افتخار را پاس بدارنـد و از گزنـد دسـتبرد دشـمن غـدّار و حیله‌گرِ در کمین نشسـته، حفظ کنند و بدانند اگر لحظه‌ای غافل شوند، سرمایه گرانبهایشان به تاراج رفته و چه بسا خدای ناخواسته با مهر مردودی و شقاوت پرونده اعمالشان ختم گردد.

علامه طباطبایی (ره) در تفسیر آیه ۷۴ سوره نساء: «آن کس که در راه خـدا قتال کنـد پس کشته شود یـا پیروز گردد، به زودی پاداش عظیمی نصیبش خواهیم کرد» می‌نویسد:

آیه فوق بیان می‌کند که دو عاقبت نیکو و پسندیده در انتظار مجاهد مسلمان است، شهادت یا پیروزی بر دشمن؛ و از آن رو که فرار در قـاموس مسـلمان مجاهـد نیست، شقّ سوم یعنی فرار را ذکر نکرده است. در بین این دو عاقبت نیکو، اول شـهادت را نام برد؛ زیرا مجاهـد مسـلمان به مجرد شـهادت به وعـده نیکوی الهی می‌رسـد و هیـچ چیز نمی‌تواند بین او و لقای پروردگار و نعمت‌های چشم روشن‌کنِ بهشت برزخی و پس از آن بهشت جاوید مانع گردد و برای او پس از شهادت دیگر خوف و خطری نیست؛ ولکن مجاهد پیروز گرچه ثواب جهـاد و فتـح در نـامه عملش ثبت شـده و اسـتحقاق پـاداش یـافته است ولی این اسـتحقاق همیشه در خطر حبط و نـابودی اسـت. ممکـن است بـا مرتکب شـدن بعضـی گناهـان بزرگ این اسـتحقاق را از دست بدهـد. پس او تـا آخر عمر بایـد این استحقاق را مراعات کرده و حفظ کند تا بعد از مرگش به پاداش برسد. «۱»

اقسام جهاد اصغر

از آنجا که هجوم دشمن به شیوه‌های مختلف صورت می‌گیرد، به طور طبیعی شیوه‌های جهاد اصغر نیز مختلف است از جمله:

- جهادفرهنگی برای رفع و محو سلطه فرهنگی دشمن یا مقابله با هجوم فرهنگی دشمن.

- جهاد نظامی و درگیری و رویارویی در صحنه جنگ با دشمن.

- جهاد مالی و تأمین هزینه مبارزه با دشمن و ....

---

(۱)- المیزان، ج ۴، ص ۴۱۹.

جهاد در قرآن، ص: ۲۰

فضیلت جهاد فرهنگی

زیربنا و شالوده شخصیت فرد و جامعه، مسائل فرهنگی و اعتقادی است. اعتقادات و فرهنگ صحیح به مثابه درختی است که اخلاق و اعمال پاک به بارمی‌آورد و زمینه شکوفایی فرد و جامعه را فراهم می‌سازد، و اعتقادات و فرهنگ غیراصولی، مانند درخت خبیثی است که میوه ناپاکش اخلاق و رفتار پلید و حیوانی است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

«الَمْ تَرَ کَیْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا کَلِمَةً طَیِّبَةً کَشَجَرَةٍ طَیِّبَةٍ اصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِی السَّماءِ تُؤْتِی اکُلَها کُلَّ حینٍ بِاذْنِ رَبِّها وَ یَضْرِبُ اللَّهُ الْامْثالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ یَتَذَکَّرُونَ وَ مَثَلُ کَلِمَةٍ خَبیثَةٍ کَشَجَرَةٍ خَبیثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْارْضِ مالَها مِنْ قَرارٍ» «۱»

مگر ندیدی که خدا چگونه مثالی زد که کلمه طیبه به مانند درخت پاکیزه‌ای است که ریشه‌اش در زمین ثابت و شاخه آن در آسمان است. همیشه به اذن پروردگارش میوه خود را می‌دهد و خدا این مَثَل‌ها را برای مردم می‌زند شاید متذکر شوند؛ و کلمه خبیث به مانند درخت ناپاکی است که از زمین کنده شده و قرار و ثباتی ندارد.

به بیان علّامه طباطبایی منظور از «کلمه طیّبه» اعتقادات ناب و صحیحی است که اصل و اساس آنها توحید می‌باشد. عقاید حقی که ریشه در نهاد و فطرت بشر دارد و ثابت و تغییر ناپذیر می‌باشد و شاخه‌های آن معارف فرعی و اخلاق پسندیده و اعمال صالح است که پیوسته از آن اصل ظاهر می‌شود و منظور از کلمه خبیثه، شرک به خداست که بی‌ریشه بوده و اصل و حقیقتی ندارد. میوه این درخت بی‌ریشه جز حنظل اخلاق زشت و اعمال ناپسند نمی‌باشد. «۲»

جهاد فرهنگی یعنی سعی و تلاش برای تبیین، تفهیم و ترویج عقاید صحیح و ابطال

---

(۱)- ابراهیم (۱۴)، آیات ۲۴- ۲۶.

(۲)- المیزان، ج ۱۲، ص ۵۰- ۵۲.

جهاد در قرآن، ص: ۲۱

عقاید باطل در جامعه. در جامعه جاهلی که اساس آن جهل و خرافه است، عقاید ناصحیح و جاهلانه، اخلاق زشت و اعمال قبیح بارآورده و افراد را فساد احاطه کرده است. چنین جامعه‌ای تا زمینه‌های فلاح و رستگاری را در خود ایجاد نکند، به رشد و سعادت نمی‌رسد؛ و ایجاد زمینه‌های صلاح به این امر وابسته است که مصلحان با روشنگری و مجاهدت علمی و فرهنگی زیربنای جاهلانه و خرافی اعتقادی را از بین برده و آب حیات توحید و فرهنگ صحیح را به جامعه برسانند. در این صورت عنایت خداوند نیز شامل شده نگون‌بختی و سیه روزی رخت بر می‌بندد و سعادت و خوشبختی چهره می‌نماید.

«انَّ اللَّهَ لا یُغَیِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتَّی یُغَیِّرُوا ما بِانْفُسِهِمْ» «۱»

خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند.

بنابراین جهاد فرهنگی مقدّم بر جهاد نظامی است. لذا باید ابتدا با فرهنگ جاهلی مبارزه کرد و با ارائه فرهنگ ناب الهی و اسلامی،

آن را به قهقرا فرستاد و نیز علیه کسانی که آگاهانه بر فرهنگ جاهلی پای می‌فشرند و نمی گذارند آب حیاتبخش فرهنگ ناب الهی جانهای تشنه را سیراب کند، جنگید و آنان را از میان برداشت البته جهاد فرهنگی یک جهاد مستمر است و حفظ و ماندگاری احکام الهی به آن بستگی دارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آغاز رسالتش قبل از اینکه به او و پیروانش اجازه دفاع و جهاد نظامی داده شود، مأمور به جهاد فرهنگی شد؛ قرآن به عنوان کتاب جهاد فرهنگی بر قلب مبارک ایشان نازل شد تا با تبیین و تبلیغ آن فرهنگ حاکم را منهدم سازد:

«وَ جاهِدْهُمْ بِهِ جِهاداً کَبیراً» «۲»

و به وسیله قرآن با آنان مبارزه کن، مبارزه بزرگی!

---

(۱)- رعد (۱۳)، آیه ۱۱.

(۲)- فرقان (۲۵)، آیه ۵۲.

جهاد در قرآن، ص: ۲۲

یعنی با تلاوت آیات قرآن و بیان حقایق قرآن حجت را بر آنان تمام کن و پایه‌های متزلزل اعتقاد پوشالی آنان را ویران نما و بر آن ویرانه، بنیان اعتقاد توحیدی را استوار و محکم بنا کن. این آیه از آیات مکی است و منظور از دستور جهاد در آن قتال نیست؛ مخصوصاً که وسیله آن را قرآن شمرده است.

فضیلت این جهاد از جهاد نظامی نیز بیشتر و والاتر است؛ چون مجاهدان فرهنگی هستند که مجاهدان نظامی را می‌پرورانند. این مجاهدان، فقیهان و دانشمندان الهی‌اند که با تبیین و تبلیغ عقاید، اخلاق و احکام توحیدی سایر مجاهدان را تربیت می کنند؛ از این روست که ارزش مجاهدان این صحنه بسی والاتر و بالاتر از مجاهدان دیگر صحنه‌ها و از جمله مجاهدان نظامی است که خود برتر از دیگر مجاهدان هستند.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام صادق علیه السلام نقل شده که:

«اذا کانَ یَوْمَ الْقِیامَهِٔ جَمَعَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ النَّاسَ فی صَعیدٍ واحِدٍ وَ وُضِعَتِ الْمَوازینُ فَتوُزَنُ دِماءُ الشُّهَداءِ مَعَ مِدادِ الْعُلَماءِ فَیُرَجَّحُ مِدادُ الْعُلَماءِ عَلی دِماءِ الشُّهَداءِ» «۱»

در روز قیامت، خداوند عزّوجلّ همه مردم را در یک جا جمع می کند، میزان‌ها نصب می گردد و خون شهیدان با مداد علما سنجیده می‌شود، پس مداد عالمان بر خون شهیدان برتری می‌یابد.

اقسام جهاد نظامی

جهاد نظامی خود به دو قسم است:

الف- جهاد دفاعی: جهاد دفاعی عبارت است از دفاع مسلمانان از جان، مال، ناموس، سرزمین و کیان اسلامی در برابر هجوم دشمنان. دفاع یکی از مسائل بدیهی است که مورد قبول فطرت، عقل، غریزه و شرع می‌باشد و هیچ موجود زنده‌ای در دفاع از هستی و آنچه به او تعلق دارد، تردیدی به خود روا نمی‌دارد.

مسلمانان- چه به صورت فردی و چه گروهی- همانند دیگران حق دارند که از کیان

---

(۱)- بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۴.

جهاد در قرآن، ص: ۲۳

اسلام، حکومت اسلامی و موجودیت خویش در هر شرایطی دفاع کنند و اعتراض به چنین حقی از سوی هرکس که مطرح شود، بسیار ابلهانه و نابخردانه است، اما اینکه چگونه باید دفاع کنیم، مسأله‌ای است که قرآن و فقه اسلامی به آن پرداخته و جزئیات آن را به روشنی بیان داشته است.

ب- جهاد ابتدایی: اگر مسلمانان نه برای دفع هجوم ظاهری دشمن، بلکه برای از بین بردن حاکمیت جهل، شرک و خرافه و گستردن دامنه توحید و رساندن آب حیات دین به جوامع مرده انسانی، متوسل به شمشیر شوند، این جهاد ابتدایی است. همان طور که توضیح خواهیم داد، روح جهاد ابتدایی همان جهاد دفاعی است و در این مبارزه جهادگران از حیات انسانی و حاکمیت توحید دفاع می کنند.

در قرآن مجید آیاتی وجود دارد که بر جهاد ابتدایی صراحت دارد؛ از آن جمله می‌توان به آیه زیر اشاره کرد:

«یا ایُّهَا الَّذینَ آمَنُوا قاتِلوُا الَّذینَ یَلوُنَکُمْ مِنَ الْکُفَّارِ وَ لْیَجِدوُا فیکُمْ غِلْظَةً ...» «۱»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با کافرانی که به شما نزدیک‌ترند، پیکار کنید! (و دشمن دورتر، شما را از دشمنان نزدیک غافل نکند!) آنها باید در شما شدّت و خشونت (و قدرت) احساس کنند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

«امِرْتُ انْ اقاتِلَ النَّاسَ حَتّی یَقُولُوا لا الهَ الَّا اللَّهُ فَمَنْ قالَ لا الهَ الَّا اللَّهُفَقَدْ عُصِمَ مِنْ مالِهِ وَ نَفْسِهِ» «۲»

من مأمورم که با مردم (مشرکان) بجنگم تا «لا اله الا الله» بگویند، پس کسی که آن را بر زبان جاری سازد، مال و جانش در امان است.

فقهای اهل تشیّع و تسنّن نیز اصل تشریع جهاد ابتدایی را پذیرفته‌اند و در ذیل آن

---

(۱)- توبه (۹)، آیه ۱۲۳.

(۲)- جهاد، آیه الله حسین نوری، ص ۳۱۷، به نقل از صحیح مسلم، ج ۱، ص ۳۸.

جهاد در قرآن، ص: ۲۴

مباحثی نظیر استثنای برخی از زمان‌ها و مکان‌ها در جهاد، تعیین حداقل مقدار واجب آن، لزوم دعوت به اسلام پیش از جهاد، مشروط بودن آن به اذن امام معصوم یا امام عادل و لزوم انتخاب کفار نزدیک‌تر برای جهاد را ذکر کرده‌اند. «۱»

طرح این مباحث تأکیدی بر وجود حکم جهاد ابتدایی در اسلام است؛ زیرا در جهاد دفاعی، استثنا مفهومی ندارد و تعیین زمان و مکانِ آن، در حقیقت به عملکرد دشمن بستگی دارد. از سوی دیگر، اذن امام معصوم علیه السلام نیز در جهاد دفاعی شرط نیست. مفسّران نیز در کتب تفسیری خویش، ذیل آیات جهاد، به چگونگی تشریع جهاد ابتدایی و اهداف آن پرداخته‌اند.

تبیین جهاد ابتدایی

بیشتر مستشرقین، اسلام را دین زور و شمشیر معرّفی نموده و حکم جهاد ابتدایی و جنگ‌های متعدد پیامبر صلی الله علیه و آله را دلیل بر ادعای خویش قلمداد کرده‌اند. برای روشن شدن بطلان این مدّعا باید هم مفهوم جهاد ابتدایی معلوم شود و هم در مورد جنگ‌های پیامبر صلی الله علیه و آله تحقیق و بررسی به عمل آید. در مورد دوم به گواهی تاریخ، همه جنگ‌های پیامبر صلی الله علیه و آله دفاعی بوده است و اصولاً پیامبر صلی الله علیه و آله در تمام دوران حکومت خود در مدینه فرصت و امکانات لازم برای جهاد ابتدایی را به دست نیاورد.

البته مفهوم جهاد ابتدایی این نیست که مسلمانان ابتدا به ساکن شمشیر در دست گرفته و با سپاه به اطراف حمله کرده و مردم را به

اسلام آوردن و یا جنگ مخیر کرده و در صورت استنکاف آنان از قبول اسلام با شمشیر گردن‌هایشان را بزنند. این روش کسانی است که حرف حساب و معقول نداشته برای قبولاندن حرف باطل خود چاره‌ای جز توسل به زور ندارند؛ اما اسلام تعالیمی را ارائه کرده که مطابق با فطرت، میل قلبی، باطنی و طبیعی بشر است.

پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان آگاه وظیفه دارند این تعالیم را با بیانی کافی و روشن برای بشر

---

(۱)- ر. ک. جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۱۱- ۱۰ و ۴۹ و ۵۱ و ۸۱؛ شرح لمعه، ج ۱، ص ۲۵۷- ۲۵۸، قطع رحلی؛ المغنی، ج ۱۰، ص ۳۶۷- ۳۸۵؛ المبسوط، سرخسی، ج ۱۰، ص ۳۰.

جهاد در قرآن، ص: ۲۵

تبیین کننـد و طبیعی است که انسان‌های سالم و سعادت طلب و حقجو با شنیدن و دریافت این پیام زنده کننده، با آغوش باز آن را خواهند پذیرفت و بدان گردن خواهند نهاد؛ اما همیشه و در همه جوامع افرادی هستند که بندگی هوای نفس را پذیرفته و همّ و غمّ آنـان بهره‌گیری ظالمـانه از انسان‌ها است و پیام راستین پیامبران خواب خوش آنان را آشـفته می‌سازد. برخورد این ظالمان با دعوت پیامبران به دو گونه است:

اول آن که با جمع آوری همه توان خویش برای خاموش کردن دعوت انبیا و سرکوب دعوت کنندگان هجوم می‌آورند که در این صورت مقابله با آنان واجب و ضروری است.

دوم آن که در مقابـل دعوت انبیـاء، موانع ایجـاد می‌کننـد و با تهدیـد، ارعاب، شـبهه پراکنی و تبلیغات انحرافی مانع ایمان آوردن و آزاد گذاشـتن محرومان و مظلومان می‌گردنـد و در صورتی که گروهی از آن مستضـعفان ایمان آورند آنان را با شـکنجه و آزار به ترک دین حق و بـازگشت به اعتقـادات جاهلانـه جـامعه وادار کرده و یـا نابودشان می‌سازنـد. در این صورت آیا بر مسـلمانان لازم نیست در صورت داشـتن قـدرت لازم برای نجات این مستضـعفان اقـدام کنند و این ظالمان گمراه پیشه را نابود سازند؟ و مگر جهاد ابتدایی غیر از این است؟

انکار چنین وظیفه‌ای جز انکار انسانیت و انکار وظیفه انسانی نیست و این حکم الهی، حکمی فطری و از افتخارات اسلام است.

علامه طباطبایی (ره) در تبیین جهاد ابتدایی می‌نویسد:

فطرت حکم می‌کند به اینکه مبنای قوانین فردی و اجتماعی باید توحید باشد و دفاع از توحید و نشـر و حفظ آن حق مشـروع انسانی است و بایـد این حـق را به هر وسـیله ممکن به‌دست آورد. البته اسـلام برای به دست آوردن این حـق فطری طریق اعتـدال را پیموده است. در ابتـدا فقط وظیفه دعوت بود و صبر و تحمل آزارها و اذیت‌های دشـمنان برای خدا؛ در مرحله بعد علاوه بر دعوت، دفاع از موجودیت اسـلام و مسـلمانان و اموال و حرمت آنـان هم لازم شـد و در مرحله آخر جنگ ابتـدایی برای دفاع از حق انسانی و کلمه توحید واجب گردید. البته هیچ گاه و در هیچ مرحله‌ای اجازه جنگ داده نشده مگر بعد از آنکه با دعوت رسا و حکیمانه، حجت بر کفّار

جهاد در قرآن، ص: ۲۶

تمام شده باشد. «۱»

کسانی که اصل جهاد ابتـدایی را در اسـلام پذیرفته‌انـد، برای آن، دو مصداق ذکر کرده‌اند: جهاد ابتدایی آزادی‌بخش و جهاد برای برطرف ساختن موانع تبلیغ و دعوت به توحید؛ که در اینجا به بررسی هر یک از آنها می‌پردازیم.

۱- جهاد آزادی‌بخش: این جهاد در مواردی است که عـده‌ای از انسان‌ها اعم از مسـلمان یا غیر مسـلمان، مظلوم واقع شـده و قـدرت دفاع از خویش را نداشته باشند. در چنین مواردی مسلمانان وظیفه دارند به دفاع از این گروه بپردازند و اگر با داشتن توانایی ساکت

بنشینند، به ظالم کمک کرده و مرتکب گناه شده‌اند.

قرآن کریم با صراحت و جدّیت از این جهاد، که در حقیقت همان دفاع از مظلوم است، طرفداری نموده و سستی کنندگان در این امر را سرزنش کرده است:

«وَ مالَكُمْ لا تُقاتِلُونَ فی سَبیلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفینَ مِنَ الرِّجالِ وَ النِّساءِ وَ الْوِلْدانِ الَّذینَ یَقُولُونَ رَبَّنا اخْرِجْنا مِنْ هذِهِ الْقَرْیَةِ الظَّالِمِ اهْلُها وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ وَلِیّاً وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ نَصیراً» «۲»

چرا در راه خدا، و (برای احقاق حق) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد (ستمدیده‌ای) که می‌گویند: «پروردگارا! ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستمگرند بیرون ببر! و از طرف خود برای ما سرپرستی قرار ده و از جانب خود، یار و یاوری برای ما تعیین فرما!

هر چند شأن نزول این آیه در مورد مسلمانانی است که در مکه باقی مانده بودند و آزار و اذیت مشرکان را تحمل می‌کردند ولی می‌دانیم که شأن نزول، مخصّصِ آیه نیست و حکم آیه، کلی و همیشگی است.

سیره عملی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، قبل از بعثت و پس از آن، و سخنان امامان معصوم علیهم السلام در مورد حمایت از مظلومان به قدری فراوان و گویا است که ما را از بسط سخن بی‌نیاز

---

(۱)- المیزان، ج ۲، ص ۶۷- ۶۸.

(۲)- نساء (۴)، آیه ۷۵.

جهاد در قرآن، ص: ۲۷

می‌کند؛ در این زمینه به نقل یک حدیث اکتفا می‌کنیم:

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«مَنْ سَمِعَ رَجُلًا یُنادی یا لَلْمُسْلِمینَ فَلَمْ یُجِبْهُ فَلَیْسَ بِمُسْلِمٍ» «۱»

کسی که بشنود مردی (چه مسلمان و چه غیر مسلمان) مسلمانان را به کمک می‌طلبد و به یاری‌اش نشتابد، مسلمان نیست.

شهید مطهری در مورد لزوم این قسم از جهاد چنین می‌نویسد:

ممکن است طرف با ما نخواهد بجنگد ولی مرتکب ظلم فاحش نسبت به یک عدّه افراد انسان‌ها شده است و ما قدرت داریم آن انسان‌های دیگر را که تحت تجاوز قرار گرفته‌اند، نجات دهیم؛ اگر نجات ندهیم در واقع به ظلم این ظالم نسبت به آن مظلوم کمک کرده‌ایم؛ یا در جایی که هستیم کسی به ما تجاوز نکرده ولی از مردم دیگر که ممکن است مسلمان باشند و ممکن است مسلمان نباشند ...، انواع ظلم‌ها نسبت به آنها مرتکب شده‌اند ولی فعلًا به ما کاری ندارند؛ آیا برای ما جایز است که به کمک این مظلومان مسلمان بشتابیم برای نجات دادن آنها؟ بله این هم جایز است بلکه واجب است. «۲»

۲- جهاد برای رفع موانع دعوت: قسم دوم از جهاد ابتدایی، جهاد برای برطرف نمودن موانع از سر راه تبلیغ و دعوت به سوی دین خداست. در این‌جا برای روشن شدن فلسفه این قسم و اینکه اساس این جهاد نیز بر دفاع از حق بنا شده، ابتدا به توضیح نکته‌ای می‌پردازیم.

حقوقی که در جامعه وجود دارد، بر سه قسم است:

الف- حقوق فردی: مانند حق مالکیت و حق انتخاب شغل.

ب- حقوق اجتماعی: که مربوط به گروهی از انسان‌هاست که با هم جامعه واحدی را

---

(۱)- الکافی، ج ۲، ص ۱۶۴.

(۲)- جهاد، شهید مطهری، ص ۲۷.

جهاد در قرآن، ص: ۲۸

تشکیل داده و با هم زندگی می‌کنند؛ مانند حق دفاع از استقلال و تمامیّت ارضی، زبان، فرهنگ، آداب و رسوم و ...

ج- حقوقی که مربوط به نوع انسانی است و مخصوص افراد یا گروه‌ها یا جامعه خاصی نمی‌شود؛ از این حقوق به حقوق انسانیّت یا بشر تعبیر می‌شود به عنوان مثال، آزادی انسان یکی از این حقوق است. این مطلب امروزه در جهان مورد قبول واقع شده و اگر در گوشه‌ای از جهان حق آزادی عده‌ای سلب شود، گروه‌ها و ملّیت‌های فراوانی در نقاط دیگر دنیا از آن عده حمایت می‌کنند و برای دفاع از حقوق آنان اعتراض و اقدام می‌کنند. «۱» نیز هیچ کس افراد را به خاطر دفاع از آزادی دیگران محکوم نکرده و بلکه کسانی را که در راه آزادی دیگران تلاش می‌کنند، و گاهی خود را در این مسیر به مخاطره می‌اندازند، تحسین می‌نمایند.

رسیدن به رشد و کمال انسانی و دریافت حقایق الهی و برنامه‌های دینی، از جمله حقوق اساسی همه انسان‌هاست؛ یعنی همه انسان‌ها حق دارند که با کمال آزادی، به دعوت الهی گوش فرا داده و با تعقل و سنجش، آن را انتخاب کنند؛ حال اگر فرد یا گروهی مانع رسیدن ندای حق به دیگر انسان‌ها شوند، در حقیقت حق آنها را سلب کرده‌اند؛ به همین دلیل، مسلمانان مجازند برای برخورداری مردم تحت ستم از حقوق حقیقی‌شان، با ستمگرانی که مانع آن شده‌اند بجنگند، تا انسان‌ها از حق طبیعی «انتخاب دین» بهره‌مند شوند. «۲»

قرآن مجید از این جهاد با عنوان «رفع فتنه» یاد کرده، می‌فرماید:

«وَ قاتِلوُهُمْ حَتَّى لا تَكوُنَ فِتْنَةٌ وَ يَكوُنَ الدّينُ لِلَّهِ» «۳»

چنین جهادی نیازمند به درخواست و تظلّم ملت‌های زیر ستم ندارد، بلکه تشخیص

---

(۱)- باید توجه داشت که برخی از دول جهانی و سازمان‌های بین‌المللی نیز به دروغ و برای به دست آوردن‌مطامع خود از این آزادی‌ها در ظاهر حمایت می‌کنند که آن مورد نظر ما نیست.

(۲)- ر. ک. المیزان، ج ۲؛ بحث اجتماعی، ص ۶۹- ۷۱؛ جهاد، مرتضی مطهری، ص ۳۹- ۴۴.

(۳)- بقره (۲)، آیه ۱۹۳.

جهاد در قرآن، ص: ۲۹

آن بنابر مشهور نظر فقها، با امام معصوم علیه السلام است.

شهید مطهری در این‌باره می‌گوید:

آیا مظلوم اگر تقاضای کمک کرد بر ما جایز یا واجب است کمک دادن یا حتی اگر تقاضای کمک هم نکند بر ما جایز بلکه واجب است؟ نه اینجا لزومی ندارد تقاضای کمک بکند، ولی همین قدر که در واقع آن مظلوم، مظلوم باشد که این ظلم سد و مانعی برای سعادت او به وجود آورده است و نمی‌گذارد از دعوتی که سعادت آن مردم در آن دعوت است آگاه شوند و اگر بشنوند و آگاه شوند خواهند پذیرفت، اسلام می‌گوید این مانعی را که به صورت دولت در مقابل توده مردم وجود دارد می‌توانید بزنید و بردارید.

سپس استاد شهید به جنگ‌های صدر اسلام اشاره کرده، می‌فرماید:

بسیاری از جنگ‌هایی که در صدر اسلام واقع شد، تحت همین عنوان بود. مسلمین که می‌آمدند بجنگند، می‌گفتند: ما با توده‌های مردم جنگی نداریم، با حکومت‌ها می‌جنگیم. برای این که توده‌ها را از ذلت و بردگی این حکومت‌ها نجات دهیم. رستم فرخ زاد از

آن عرب مسلمان پرسید که هدفتان چیست؟ او گفت: «لِنُخْرِجَ الْعِبادَ مِنْ عِبادَةِ الْعِبادِ الی عِبادَةِ اللَّهِ» هدفمان این است که بندگان خدا را، این مردمی که شما به لطائف الحیل و به زور در زیر یوغ بار بردگی و بندگی خودتان کشیده‌اید، از بندگی و بردگی شما خارج کنیم و بیرون بیاوریم و آزادشان کنیم و بنده خدای متعال و بنده خالقشان بکنیم نه بنده بشری مثل خودشان. «۱»

امام خمینی (ره) نیز در مورد این قسم از جهاد می‌فرماید:

انبیاء که جنگ می‌کردند با مخالفین توحید، مقصدشان این نبود که جنگ بکنند و طرف را از بین ببرند. مقصد اصلی این بود که توحید را در عالم منتشر کنند، دین حق را در عالم منتشر کنند؛ آنها مانع بودند. اینها می‌دیدند که این مانع را باید برداشت و به

---

(۱)- جهاد، ص ۲۸- ۲۹.

مقصد رسید. رسول اکرم (ص) مقصدشان این نبوده که مشرکین مکّه را از بین ببرند و یا مشرکین جزیرهٔالعرب را از بین ببرند؛ مقصد این بود که دین اسلام را منتشر کنند و حکومت، حکومت قرآن باشد؛ حکومت اسلام باشد. آنها چون مانع بودند از اینکه حکومت اسلامی تحقق پیدا بکند، منتهی به جنگ می‌شد و معارضه، آنها معارضه می‌کردند با حکومت اسلامی، اینها مقابله می‌کردند. «۱»

تشریع جهاد نظامی

اشاره

برای تبیین این نکته که جهاد نظامی در اسلام چگونه و از چه زمانی تشریع شد، مناسب است این بحث را در دو بخش، وضعیت مسلمانان در مکه و در مدینه مورد بررسی قرار دهیم.

وضعیت مسلمانان در مکه (دوران جهاد فرهنگی و تحمّل)

بنابر نقل معتبر اهل‌بیت علیهم السلام، رسول خدا صلی الله علیه و آله در بیست و هفتم رجب سال چهلم بعد از عام‌الفیل به رسالت برانگیخته شد. «۲» از ابتدای بعثت، به مدت سه سال دعوت مخفی بود و فقط افرادی مورد دعوت قرار می‌گرفتند که قبل از آن شناسایی شده و زمینه لازم در آنها، به وجود آمده بود. در این مدت پیامبر آشکارا به دعوت توحید و نفی شرک اقدام نکرد؛ چون می‌دانست که درافتادن با دیانت رسمی جامعه، به طور طبیعی با عکس‌العمل سردمداران جامعه، که نفع خود را در این اعتقادات خرافی می‌بینند، مواجه خواهد شد و چه بسا آنان این حرکت دینی را در نطفه خفه کنند. در این سه سال پیامبر کوشش و تلاش فوق‌العاده‌ای به خرج داد و توانست بیش از چهل نفر را به توحید و یکتاپرستی جذب کند.

دیانت جدید پس از سه سال، اینک یک جمع چهل نفری مؤمن و مدافع دارد و زمینه برای بروز و ظهور دعوت تقریباً مناسب است. پیامبر موظف می‌شود در اولین گام به سوی آشکار و عمومی کردن دعوت، خویشاوندانش را به پذیرش اسلام و ترک بت‌پرستی

---

(۱)- صحیفه نور، ج ۷، ص ۴۴- ۴۵.

(۲)- الصحیح من سیرهٔ النبی (ص)، جعفر مرتضی عاملی، ج ۱، ص ۱۹۳.

فرا بخواند و مدت کمی بعد از آن دستور، دعوت عمومی و آشکار صادر گردید:

«فَاصْدَعْ بِما تُؤْمَرُ وَ اعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكينَ» «۱»

بدانچه مأموری قیام کن و از مشرکان روگردان باش.

اصول دعوت پیامبر به توحید مانند پرستش خدای یگانه قادر عالم، نفی بت‌های ساخته دست بشر، برابری و برادری انسان‌ها و ... موجب گرویدن گروه بسیاری به خصوص از افراد محروم و بندگان و ضعیفان به اسلام شد و منافع بزرگان قوم به شدت در خطر افتاد. آنان که فرهنگ جاهلی و پوشالی خود را در مصاف با فرهنگ توحیدی پیامبر شکست خورده و ناتوان می‌دیدند، با تمام توان و با استفاده از راه‌های گوناگون به مبارزه برخاستند. مسلمانان در این دوران در تنگنای سختی قرار داشتند و گاه و بیگاه از پیامبر می‌خواستند به آنان اجازه دفاع داده شود، ولی رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را به جهاد فرهنگی و نیز تحمل آزارها و اذیت‌ها تشویق می‌فرمود. رسول خدا صلی الله علیه و آله دو جبهه فرهنگی و نظامی را بررسی کرد؛ از طرفی می‌دید که فرهنگ جاهلی دشمن به هیچ وجه تاب مقاومت در برابر فرهنگ ناب توحید را ندارد و با اولین هجوم بنیان آن در هم می‌ریزد و دشمن در این جبهه شکست می‌خورد و از طرف دیگر می‌دید که جبهه نظامی دشمن قوی است و امکانات فراوان دارد و مسلمانان اندک، ناتوان و بدون امکانات هستند؛ با توجه به این شرایط حضرت در آن مقطع تنها راه را جهاد در جبهه فرهنگ و تحمل آزار و اذیتها می‌دید. لذا توانست با تحمّل و مقاومت بسیاری از نقشه‌های دشمن را منجر به شکست بنماید؛ از آن پس، با زیاد شدن تعداد مسلمانان، برخوردهای قهرآمیز قریش نیز شدیدتر می‌شد. پیامبر صلی الله علیه و آله در این زمان تاکتیک هجرت را از دو جهت مناسب یافت: از جهتی مسلمانان می‌توانستند با هجرت، از آزارها و شکنجه‌های قریش رهایی یابند و آزادانه به دین خود عمل کنند و از طرف دیگر، پیام فرهنگی رسول خدا صلی الله علیه و آله به خارج از مکه راه می‌یافت. بدین سان روش جدیدی برای مقابله با دشمن پیش کشیده شد و آثار بسیار ارزشمند و فراگیری به جای گذاشت. شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و

---

(۱)- حجر (۱۵)، آیه ۹۴.

جهاد در قرآن، ص: ۳۲

مؤمنان مقاومی که در مکه بودند، از ایّام حج، برای رساندن پیام فرهنگی خویش نهایت استفاده را می‌بردند و علی رغم اقدامات مشرکان در هراساندن حاجیان و منع شدید آنان از برقراری ارتباط با پیامبر، در این مراسم پیام توحید به گوش تعدادی از حاجیان می‌رسید و آنان خبر این پیام را با خود به شهر و سرزمینشان می‌بردند و کنجکاوی گروهی را برای جویا شدن از محتوای این پیام بر می‌انگیختند. بدین سان بذر توحید در خارج از مکه پاشیده می‌شد. سال یازدهم بعثت در مدینه- بزرگ‌ترین شهر حجاز بعد از مکه که در آن زمان یثرب خوانده می‌شد- خبر پیام جدید گوش به گوش می‌گشت و سؤال ها پیرامون این دین در ذهن نقش می‌بست. گروهی که در مراسم حج آن سال پیامبر را دیده و به ایشان ایمان آورده بودند، پیام وی را برای مردم نقل می‌کردند و پیام ناب توحید قلب‌های مستعدّ اهل‌مدینه را تسخیر می‌کرد. در مراسم حج سال دوازدهم، تعدادی از مسلمانان مدینه با پیامبر بیعت کردند و نماینده رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه آمد و زمینه‌های گسترش دعوت را مهیّا ساخت. در سال سیزدهم جمع نسبتاً زیادی- ۷۵ نفر- «۱» با حضرت بیعت کردند که او را در مدینه بپذیرند و تحت فرمان او از دین اسلام دفاع نمایند و مدتی بعد از آن رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه هجرت کرد «۲» و اولین حکومت اسلامی را در آن شهر بنیان نهاد.

مدینه قبل از بدر

با تشکیل حکومت اسلامی در مدینه، اوضاع در آن شهر تغییر کرد. مسلمانان دیگر اقلیت ضعیفی نبودند. تعدادی از مسلمانان مکه

به مدینه هجرت کرده و بیشتر افرادِ دو قبیله بزرگ اوس و خزرج نیز بـه اسلام گرویده بودند. تعداد کمی نیز که به دین یهود گرویده بودنـد و یهودیانی نیز که در مدینه بودند با پیامبر عهد و پیمان صلح و یاری بستند و رسول خدا صلی الله علیه و آله همه آنان را تحت رهبری سیاسی خویش یکپارچه و متحد کرد. «۳»

---

(۱)- تاریخ پیامبر اسلام، آیتی، ص ۱۷۳.

(۲)- همان، ص ۱۶۴- ۱۶۷؛ الصحیح من سیرة النبی، ج ۲، ص ۱۹۰- ۲۱۰.

(۳)- الصحیح، ج ۳، ص ۶۹- ۷۴.

جهاد در قرآن، ص: ۳۳

قریش نیز با توجه به تغییر شرایط، خطر را جدی‌تر احساس کردند و چاره‌ای جز مقابله شدیدتر با مسلمانان نداشتند.

مهاجران که در مکه ظلم و ستم قریش را تحمل می‌کردنـد و حالا- خانه و کاشانه خود را رها کرده و به مدینه پناه آورده بودند، همچنان بر تقاضای خود اصرار داشتند و از پیامبر می‌خواستند تا در مقابل قریش که آنان را مجبور به ترک دیار، خانه و کاشانه خویش کرده بود و هنوز هم تعدادی از هم‌کیشان آنان را در بند و شکنجه داشت، به آنان اجازه دفاع بدهد. در چنین اوضاع و احوالی آیات سوره حج درباره دفاع نازل شد «۱» و تقاضای مهاجران مسلمان را پاسخ گفت: «۲»

«اذِنَ لِلَّذینَ یُقاتَلُونَ بِانَّهُمْ ظُلِمُوا وَ انَّ اللَّهَ عَلی نَصْرِهِمْ لَقَدیرٌ الَّذینَ اخْرِجوُا مِنْ دِیارِهِمْ بِغَیْرِ حَقٍّ الَّا انْ یَقوُلوُا رَبُّنَا اللَّهُ ...»

به کسانی که بـا آنان جنگ می‌شود، اجازه (پیکار) داده شـد؛ زیرا مورد ستم قرار گرفتند و خداوند بر یاری آنان تواناست. آن مؤمنانی که از دیار خویش به ناحق رانده شدند؛ فقط به این جهت که می‌گویند: پروردگار ما خداست.

با صدور اذن دفاع، رسول خدا صلی الله علیه و آله دست به تحرکات نظامی زد و گروههایی از مهاجران را به مأموریت‌های نظامی فرستاد که در بعضی از مأموریت‌ها شخص ایشان فرماندهی را عهده دار بود و در بعضی، افرادی دیگر از جانب ایشان فرماندهی را به عهده می‌گرفتند. رسول خدا صلی الله علیه و آله با اعزام این گروه‌های نظامی اهدافی را دنبال می‌کرد از جمله:

---

(۱)- حج (۲۲)، آیه ۳۹- ۴۰؛ بنابر روایات این اولین آیه‌ای است که در مورد دفاع نازل شده است و به بیان علّامه‌طباطبایی سیاق آیه نیز بر این مطلب گواهی می‌دهد چون هم صریحا "در آن لفظ «اذن» آمده است و هم زمینه چینی برای این حکم و تهییج و تقویت روحی مسلمانان برای جهاد در آن هست و قرائن دیگری نیز وجود دارد که نشان می‌دهد این اولین آیه‌ای است که در موضوع جهاد و دفاع نازل شده است. (ر. ک. المیزان، ج ۱۴، ص ۳۸۳).

(۲)- البته حکم آیه عمومی است و درباره هر گروهی از مسلمانان که مورد هجوم و ظلم قرار گیرند، صادق است و اختصاص به مهاجران ندارد ولی خطاب آیه به مهاجران است و شاید اینکه در بعضی روایات آمده که این آیه در شأن مهاجران نازل شده، منظور همان مورد نزول باشد و پیامبر هم در ابتدا فقط از مهاجران در اعزام سریه‌ها استفاده می‌کرد. ر. ک. المیزان، ج ۱۴، ص ۳۹۵؛ الصحیح، ج ۳، ص ۱۳۷- ۱۴۰.

جهاد در قرآن، ص: ۳۴

۱- کسب اطلاعات از قریش که دشمن سرسخت مسلمانان بودند.

۲- ایجاد جرأت بیشتر در مسلمانان تا به نیروی خود اطمینان یابند و بتوانند در درگیری های نظامی آینده با ثبات و اطمینان از کیان اسلام دفاع کنند.

۳- مقابله با غارتگرانی که گاه و بیگاه به اطراف مدینه می‌تاختند و اموالی را به غارت می‌بردند.

۴- بستن قرار دادها و پیمان‌های نظامی با قبایل اطراف مدینه و ایجاد سد دفاعی در مقابل هجوم قریش.

۵- هشدار به قریش مبنی بر اینکه دوران تحمل مسلمانان به سر آمده و چنانچه قریش بخواهند روش ظالمانه خود را ادامه دهند، با مقابله نظامی مسلمانان مواجه خواهند شد.

۶- ایجاد فشار اقتصادی بر قریش با ناامن ساختن مسیر کاروان‌های تجاری آنان، تا شاید در برخورد با مسلمانان تجدید نظر کنند و .... «۱»

سرانجام در رمضان سال دوم هجری مسلمانان برای حمله به کاروان تجاری قریش که از شام برمی‌گشت، از مدینه خارج شدند ولی به جای کاروان با مبارزان قریش روبه‌رو شدند و بعد از مشاهده و اعلام همراهی از جانب انصار، اولین جنگ بین مسلمانان و قریش درگرفت و مسلمانان اعم از مهاجر و انصار برای دفاع از دین خویش در مقابل هجوم دشمن قرار گرفتند و با یاری خدا، و پیروزی نصیب آنان گردید. «۲»

فلسفه و اهداف جهاد

اشاره

از اولین و مهم‌ترین سؤالاتی که به ذهن هر شخصی نسبت به امر جهاد خطور می‌کند، این است که هدف از تشریع حکم جهاد چیست؟ آیا اسلام نیز در پی کشورگشایی و تصاحب سرزمین‌ها است؟ آیا هدف جمع آوری غنایم است؟ آیا اهداف مادی است که مسلمانان را به سوی جهاد جذب می‌کند؟ و ....

---

(۱)- الصحیح، ج ۳، ص ۱۵۶- ۱۵۷.

(۲)- همان، ص ۱۷۴.

جهاد در قرآن، ص: ۳۵

در پاسخ باید گفت: هیچ یک از موارد یاد شده اهداف جهاد نبوده و جهاد اسلامی مانند جنگ‌ها و لشکرکشی‌های ستمگران تاریخ نیست؛ بلکه آنچه سبب تشریع این حکم شده، از عوامل زیر است:

۱- دفاع از کیان اسلام و مسلمانان

هر موجود زنده‌ای اعم از، انسان و غیر انسان، دفاع در مقابل دشمن را حق طبیعی خود می‌داند و خالق جهان نیز وسایل دفاع و برخورداری از این حق را در همه موجودات به ودیعه نهاده است. حق فطری دفاع، حقی است که حتی زورمداران و ظالمان نیز برای صحیح نمایاندن عملکرد باطل خود به ناحق به آن متوسل می‌شوند. پس در اصلِ استفاده از این حق، جای هیچ شک و شبهه‌ای نیست و اسلام نیز چنین حقی را در چهارچوب «جهاد» تشریع کرده است.

در اولین آیه‌ای که پیرامون جهاد و دفاع نازل شد «۱»، تصریح گردیده که به مسلمانان چون مورد ظلم قرار گرفته‌اند، اجازه دفاع داده می‌شود. آنان تا به امروز برای بقای خویش چاره‌ای جز تحمل و چشم‌پوشی از حق فطری دفاع نداشتند ولی امروز می‌توانند از این حق فطری استفاده کرده و در دفع و رفع ستم دشمنان بکوشند.

۲- مقابله با ظلم و فساد

راه مبارزه با فساد همیشه، انذار، موعظه و نصیحت نیست؛ بعضی مواقع حتی از داروی تلخ کاری ساخته نیست و طبیب ناگزیر است به چاقوی جراحی دست برده، مادّه فساد را ریشه کن کند. در جامعه نیز بعضی مواقع باید مجاهدان سلاح برگیرند و ماده سرطانی فساد را از ریشه برکنند.

«وَ لَوْلا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْاَرْضُ» «۲»

اگر خداوند بعضی از مردم (مفسدان) را بوسیله بعضی دیگر (مجاهدان) دفع

(۱)- منظور آیه ۳۹ سوره حج است که در بحث گذشته ذکر کردیم.

(۲)- بقره (۲)، آیه ۲۵۱.

جهاد در قرآن، ص: ۳۶

نمی‌کرد، زمین فاسد می‌شد.

۳- حفظ پایگاه‌های خداپرستی و توحید

«وَ لَوْلا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهُدِّمَتْ صَوامِعُ وَ بِيَعٌ وَ صَلَواتٌ وَ مَساجِدُ يُذْكَرُ فيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثيرًا» «۱»

اگر خداوند بعضی مردم (مهاجمان مشرک) را به وسیله بعض دیگر (مجاهدان مؤمن) دفع نمی‌کرد، حتما "صومعه‌ها، کنیسه‌ها، کلیساها و مساجدی که در آن خدا بسیار یاد می‌شود، ویران می گردید.

۴- دفاع از مظلومان و مستضعفان (مؤمن و غیرمؤمن)

«وَ ما لَكُمْ لاتُقاتِلوُنَ فی سَبيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفينَ مِنَ الرِّجالِ وَ النِّساءِ وَ الْوِلْدانِ ...» «۲»

شما را چه می‌شود که در راه خدا برای نجات مستضعفانِ (مؤمن) جهاد نمی‌کنید، زنان، مردان و کودکانی که ....

همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنادی يا لَلْمُسْلِمينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» «۳»

هر کس بشنود که کسی (چه مؤمن و چه غیرمؤمن) فریاد می‌زند: ای مسلمانان (یاریم کنید) و وی را اجابت نکند، مسلمان نیست.

آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی در تشریح اهداف جهاد اسلامی می‌فرماید:

مسأله جنگ در اسلام یکی از مسائل اساسی و اصولی است. جنگ حکومت اسلامی، جنگی برای کشورگشایی نیست، بلکه حکومت اسلامی در دو مورد و برای

(۱)- حج (۲۲)، آیه ۴۰.

(۲)- نساء (۴)، آیه ۷۵.

(۳)- الکافی، ج ۲، ص ۱۶۴.

جهاد در قرآن، ص: ۳۷

دو منظور می‌جنگد، اول برای دفاع از حیثیت اسلام و حاکمیت قرآن، یعنی وقتی که بر اثر مجاهدت‌های پیاپی عناصر سلحشور و مسلمان، حکومت اسلامی برپا شد، اگر دشمنان بخواهند بر علیه این حکومت قیام بکنند و این گلی را که با خون شهیدان آبیاری شده است پژمرده و پرپر کنند، دست توانای حکومت اسلامی از آستین بیرون می‌آید و دست گلچین غارتگر را قطع می کند ....

مورد دوم، برای این است که اسلام و حقایق قرآن مانند خورشیدی که نورش را به همه جا می‌گستراند و می‌تاباند، بر همه ملت‌های مستضعف، اضائه و نورافشانی می‌کند اگر ابرهای ظلمت طواغیت و جهانخواران بخواهند از اشاعه نوراسلام مانع بشوند، آن وقت است که دست قدرتمند اسلام باز از آستین بیرون خواهد آمد و جلوی موانع را خواهد گرفت. در هر دو مورد، اسلام برای معنویت شمشیر می‌کشد، از اصالت و از حقیقت دفاع می‌کند. «۱»

مرحوم کاشف الغطا در تشریح اهداف اسلام در جنگ می‌نویسد: وسایلی که اسلام برای اصلاح جامعه، محقق ساختن عدالت و از بین بردن ستم به کاربرده، منحصر در سه نوع است:

وسایل دعوت و ارشاد نظیر موعظه حسنه و دعوت به دلیل و برهان، دوم، وسایل مقاومت مسالمت آمیز و سلبی همچون متحد شدن در برابر ستمکاران، قطع رابطه و قهر و همکاری نکردن با دشمنان، و وسیله سوم قیام مسلحانه و جنگ است، و اسلام تا آنجا که توانسته از دو راه نخست به اهداف خود برسد، به راه سوم متوسل نشده؛ اما جایی که دست به شمشیر زده، تنها مواردی بوده است که دشمنان با آیات و براهین قانع نشده و پیوسته سنگ بر سر راه دعوت به حق انداخته‌اند.

ایشان در ادامه می‌افزاید:

بنابر این، اگر اسلام را به حال خود گذاشته بودند، هرگز فرمان جنگی را صادر نمی‌کرد و این همه جنگ‌هایی که در اسلام واقع شد، همه‌اش به اسلام تحمیل‌شد. «۲»

---

(۱)- در مکتب جمعه، ج ۲، ص ۳۵۵- ۳۵۶.

(۲)- ترجمه المیزان، ج ۴، ص ۲۶۰- ۲۶۱ به نقل از «المثل الاعلی فی الاسلام لا فی بحمدون»، کاشف الغطا.

جهاد در قرآن، ص: ۳۸

نکته دیگری که در مورد لزوم تشریع حکم جهاد، باید گفت، این است که به راستی اگر دینی در همه ابعاد فردی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، آموزشی، تربیتی و عبادی برای پیروان خود برنامه ارائه کرده باشد، ولی در مورد مسائل مربوط به جهاد و دفاع از آن جامعه برنامه نداشته باشد، آیا آن دین ناقص نیست؟ آیا برنامه نداشتن در این زمینه سبب از هم پاشیدن تمام ارگان‌های یک جامعه که با دشمنان فراوانی رو به روست، نمی‌گردد؟ و آیا نداشتن برنامه در این مورد، سبب تعطیلی برنامه‌های دیگر نمی‌گردد؟ و ....

از اینجا سستی دلیل برخی از مدعیان مسیحیّت که بر وجود قانون جهاد در اسلام ایراد می‌گیرند، روشن می‌شود. همچنین تبیین می‌گردد که جهاد، سبب عزت یافتن جامعه اسلامی در برابر دیگر جوامع است؛ زیرا جامعه‌ای که توان دفاع از خود و مظلومان و توان تبلیغ آیین خود را نداشته باشد، جامعه‌ای مرده و بی‌تحرک است.

جهاد و آزادی عقیده

برخی از دشمنان اسلام که دیدی مغرضانه نسبت به احکام اسلام دارند؛ اسلام را دین شمشیر می‌دانند که عقاید خود را با زور شمشیر بر مردم تحمیل کرده است و گذشته از باور غلط خود، این امر را در جوامع بشری تبلیغ می‌کنند و حکم جهاد ابتدایی را در این جهت قلمداد می‌کنند.

با دقت در فلسفه جهاد، پوچی این پندار مشخص می‌گردد، زیرا در آغاز یادآور شدیم که اسلام هیچ گاه برای تحمیل عقیده به جنگی دست نزده و در آیین خویش نیز به صراحت این امر را نفی کرده است.

خداوند در قرآن در این زمینه چنین می‌فرماید:

«لا اِکْراهَ فِی الدّینِ قَدْ تَبَیَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَیِّ» «۱»

پذیرش دین اجباری نیست؛ (زیرا) راه راست از گمراهی ممتاز شده است.

و نیز می‌فرماید:

---

(۱)- بقره (۲)، آیه ۲۵۶.

جهاد در قرآن، ص: ۳۹

«وَ قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّکُمْ فَمَنْ شاءَ فَلْیُؤْمِنْ وَ مَنْ شاءَ فَلْیَکْفُرْ» «۱»

بگو این حق است از سوی پروردگارتان! هر کس می‌خواهد ایمان بیاورد و هر کس می‌خواهد کافر گردد!

اسلام اساس دعوت خود را بر حکمت و برهان و موعظه قرار داده و مخالفانش را به آوردن برهان و دلیل دعوت نموده است و جهاد، تنها برای رفع موانع تبلیغ دین الهی است. در شأن نزول آیه نفی اکراه آمده است که دو نفر از اهالی مدینه بر اثر تماس با تجار مسیحی به دین آنان گرویدند.

پدرشان، ابوالحِصن این موضوع را به پیامبر صلی الله علیه و آله خبر داد (و می‌خواست آنان را به زور به مذهب اسلام برگرداند) در این هنگام، آیه مزبور نازل گردید و وی را از چنین عملی منع کرد. «۲» در نقل دیگری نیز آمده است که یکی از انصار می‌خواست غلامش را به زور و اکراه مسلمان کند، که آیه فوق نازل شد. «۳»

استاد شهید مرتضی مطهری با تشریح این مطلب که ایمان به هیچ وجه زوربردار نیست و نمی‌شود با اکراه آن را تحمیل کرد؛ زیرا انسان با فکر و عقل باید آن را بپذیرد و سپس دلش به آن گرایش یابد، خاطرنشان می‌سازد که در اسلام ایمان به اصول اعتقادات باید از راه تحقیق حاصل شود و اسلام تقلید در این زمینه را جایز نمی‌داند، تا چه رسد به اکراه، ایشان سپس جنگ و جهاد را تنها برای رفع موانع توحید ذکر می‌کند و می‌نویسد:

اگر مصلحت انسانیت ایجاب کند و اگر مصلحت توحید ایجاب کند، ما با قومی مشرک می‌توانیم بجنگیم نه به خاطر اینکه توحید را به آنها تحمیل کنیم و ایمان را به آنها تحمیل کنیم، چون توحید و ایمان تحمیل شدنی نیست. با مشرکین می‌توانیم بجنگیم به خاطر اینکه ریشه فساد را اساساً بکنیم. ریشه کن کردن مبدأ عقیده شرک با زور یک مطلب است و تحمیل عقیده توحید، مطلب دیگر. «۴»

---

(۱)- کهف (۱۸)، آیه ۲۹.

(۲)- مجمع البیان، ج ۱ و ۲، ص ۳۶۳.

(۳)- همان.

(۴)- جهاد، ص ۴۹.

جهاد در قرآن، ص: ۴۰

البته گفتنی است که اگر سخن از آزادی عقیده مطرح است در جایی است که واقعاً عقیده‌ای در کار باشد و اصل توحید را که نخستین و اساسی‌ترین اصول ادیان است، پذیرفته باشند، مانند اهل کتاب که حتی در جنگ‌های اسلامی نیز هیچ گاه آنان را به زور به گرویدن به اسلام وادار نکردند. بلکه آنان را بین پذیرش اسلام و دادن جزیه مخیّر نمودند؛ امّا در جایی که سخن از عقیده‌ای نیست، بلکه خرافه محض حاکم است، همانند افکار مشرکان در این جا دیگر آزادی عقیده مطرح نیست و چنین افرادی یا باید به دین حق روی آورند و یا باید وجودشان را که مزاحم بسط حق و حقیقت است از میان برداشت.

پیشینه جهاد و قتال در حرکت انبیا

قتـال و دفـاع به مقتضای طبع و فطرت بشـر، از همان ابتـدای خلقت بوده و تا پایان خلقت ادامه خواهـد داشت. از آنجا که بشـر یک موجود مادی است در فطرت او قوای شـهوی و غضبی تعبیه شده و به مقتضای نفس حیوانی خویش اسـتعلا طلب است. تا زمانی که تربیت نشده باشد، برای رسیدن به هوای خویش از هیچ اقدامی از جمله جنگ و خونریزی دست نخواهد کشید از این رو ملائکه وقتی خبر خلقت انسان را شنیدند، سؤال کردند:

«اَتَجْعَلُ فیها مَنْ یُفْسِدُ فیها وَ یَسْفِکُ الدِّماءَ» «۱»

آیا در زمین موجودی را (خلیفه) قرار می‌دهی که در آن فساد و خونریزی کند؟

خداوند برای تربیت بشـر، پیامبران را فرسـتاد. با توجه به تقدّم جهاد فرهنگی، پیامبران سـعی داشتند با تبلیغ، تبیین، موعظه، بشارت و تهدیـد انسانها را هدایت کرده و تربیت نمایند و تا ممکن است دست به شمشـیر نزنند. از طرف دیگر، قتال و جهاد نظامی احتیاج به شرایـط و مقـدماتی داشت که برای همه آنـان فراهم نیامـد. با توجه به این دو مطلب است که در سـیره بعضـی پیامبران اقـدام نظامی مشاهده نمی‌شود؛ با این وجود، بسیاری از آنان با دشمنان قتال کرده و رزم نموده‌اند. خداوند می‌فرماید:

---

(۱)- بقره (۲)، آیه ۳۰.

جهاد در قرآن، ص: ۴۱

«وَ کَاَیِّنْ مِنْ نَّبِیٍّ قاتَلَ مَعَهُ رِبِّیُّونَ کَثیرٌ فَما وَهَنُوا لِما اصابَهُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ وَ ماضَعُفُوا وَ مَا اسْتَکانُوا وَ اللَّهُ یُحِبُّ الصَّابِرینَ» «۱»

چه بسـیار پیامبرانی که مردان الهی در رکابشان (با دشـمنان) قتال کردنـد و آنچه در میـدان جهاد برای خدا، بدانان رسـید آنان را به ضعف نینداخت و سست نشدند و خداوند مقاومت کنندگان را دوست دارد.

بنـابر روایـات، اولین کسـی که در راه خـدا جنـگ کرد، حضـرت ابراهیم علیه السـلام بود و پیامبران قبل از ایشان موفق به انجام این واجب الهی نشدند و شرایط لازم برای آنان مهیا نشد.

«انَّ اوَّلَ مَنْ قاتَلَ فی سَبیلِ اللَّهِ ابْراهیمُ‌الْخَلیلُ حَیْثُ اسِرَتِ الرُّومُ لوُطاً فَنَفَرَ ابْراهیمُ وَ اسْتَنْقَذَهُ مِنْ ایْدیهِمْ» «۲»

نخستین کسـی که در راه خـدا جنگیـد، حضـرت ابراهیم خلیـل (ع) بود. آنگاه که رومیان لوط (ع) را به اسارت گرفتنـد، او حرکت کرد و (با آنان جنگید) و لوط را از دستشان نجات داد.

موسـی علیه السـلام بعد از آنکه بنی اسـرائیل را از ظلم و سـتم فرعونیان نجات داد، آنان را به وارد شدن به سـرزمین مقدّس فلسطین دعوت کرد. ولی قوم او که از ساکنان قدرتمند و سـتمگر فلسـطین وحشت داشتند، اظهار سستی کردند و حاضر به همراهی و مبارزه نشدنـد و خداوند هم به کیفر این سـستی، چهل سال آنان را در بیابان‌های سـینا آواره نمود .... «۳» بعد از وفات حضرت موسی علیه السلام بنی اسرائیل به فرماندهی جانشین وی- یوشع بن نون علیه السلام- با ساکنان فلسطین جهاد کردند و بر آنان پیروز شدند.

بعد از حضـرت موسـی علیه السلام در عهد ارمیای پیامبر علیه السلام، بنی‌اسرائیل مورد ستم و ظلم قبطیان به سرکردگی جالوت قرار گرفتنـد و به فرمانـدهی طـالوت برای مبـارزه با قبطیان قیام کردنـد که در آن جنگ، فتـح و پیروزی نصـیب آنان گردیـد. جالوت به دست حضرت داود علیه السلام- که در آن زمان جوانی بود- به قتل رسید.

---

(۱)- آل عمران (۳)، آیه ۱۴۶.

(۲)- بحار، ج ۱۲، ص ۱۰.

(۳)- ر. ک. مائده (۵)، آیات، ۲۱- ۲۶.

جهاد در قرآن، ص: ۴۲

داود علیه السلام اولین پیامبر بنی‌اسرائیل بود که آنان را متحد ساخت و برای اقامه قسط و عدل حکومت تشکیل داد.

سلیمان پیامبر علیه السلام، فرزند و جانشین داود علیه السلام، قدرتمندترین پادشاه بنی‌اسرائیل بود و در زمان او قدرت و سلطنت بنی‌اسرائیل در اوج شکوه و اقتدار بود. این پیامبر عظیم‌الشأن نیروی نظامی کافی رزم‌دیده و آماده برای جهاد داشت و وقتی فهمید که ملکه سبأ در یمن حکومت می‌کند و پیرو کیش شرک و آفتاب‌پرستی است، او را به اسلام دعوت کرد و تهدید نمود که در صورت تسلیم نشدن، با سپاهی عظیم بر آن جا خواهد تاخت و آنان را ذلیل و خوار خواهد کرد. «۱»

اهمیّت و فضیلت جهاد اصغر

همان طور که قبلا "ذکر شد در قرآن کریم نسبت به امر جهاد آیات زیادی وارد شده است به طوری که در کمتر موردی از فروع اسلامی به اندازه جهاد آیه نازل شده است.

برخی از آیات به طور مستقیم و با به کار بردن واژه‌های جهاد و قتال و برخی دیگر به طور غیر مستقیم و به منظور تشریح مسائل جانبی آن نازل شده است.

قرآن مجید برای نشان دادن اهمیّت جهاد، آن را با خدمتگزاری به حجاج و تعمیر مسجدالحرام مقایسه کرده و به این ترتیب به فضیلت جهاد تصریح نموده است. «۲»

تمام آیاتی که به برتری جهادگران راه خدا اشاره دارد، نیز حاکی از اهمیّت و فضیلت جهاد است. خداوند خود را خریدار جان و مال مؤمنان می‌داند که جهاد می‌کنند «۳» و آنان را محبوبان خویش خوانده و ثواب «۴» و اجر بزرگی به آنان وعده داده است. «۵» همچنین مجاهدان را رستگاران عالم معرفی نموده و رحمت و رضوان و بهشت خود را

---

(۱)- ر. ک. نمل (۲۷)، آیات ۲۰- ۴۴.

(۲)- توبه (۹)، آیات ۱۹- ۲۰.

(۳)- همان، آیه ۱۱۱.

(۴)- صف (۶۱)، آیه ۲.

(۵)- نساء (۴)، آیه ۷۴.

جهاد در قرآن، ص: ۴۳

مخصوص آنها دانسته است. «۱»

درباره اهمیّت جهاد همین بس که قرآن از راه‌های گوناگون به آن دعوت فرموده است، نظیر توجه دادن به پاداش جهاد، با بیانی ملایم و آرام، با تحریک عواطف انسانی، با زبان امر و دستور، با توبیخ و سرزنش و تهدید و بیان مجازات ترک آن. «۲»

سوگند قرآن به نفس زدن اسب‌های مجاهدان، جرقه‌های سم ستوران و گرد و غبار برخاسته از حرکت سریع آنان، همگی نشان دهنده عظمت جهاد است. «۳»

درباره اهمیت و فضیلت جهاد روایات فراوانی نیز نقل شده است:

ابوذر غفاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسید: کدام یک از اعمال نزد خداوند محبوب‌تر است؟ آن حضرت فرمود: ایمان به خدا و جهاد در راه او، سپس ابوذر سؤال کرد، کدامین جهاد از همه جهادها بهتر است؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: جهاد

کسی که اسبش پی شده و خونش در راه خدا ریخته شود. «۴»

حضرت رسول صلی الله علیه و آله در حدیثی دیگر چنین می‌فرماید:

«الْخَیْرُ کُلُّهُ فِی السَّیْفِ وَ تَحْتَ ظِلِّ السَّیْفِ ...» «۵»

همه خوبی‌ها در شمشیر و زیر سایه شمشیر است.

نبی اکرم صلی الله علیه و آله لشکری را برای نبرد گسیل داشت که ابن رواحه نیز در آن حضور داشت. سپاه بامدادان به سوی منطقه مورد نظر عزیمت کرد ولی ابن رواحه مانـد که نماز را با پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله به جا آورد. پس از نماز، پیامبر او را دید و فرمود: مگر در سپاه نبودی؟ عرض کرد: بلی؛ دوست داشتم در نماز جماعت با شما حاضر شوم و سپس به مجاهدان بپیوندم. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

---

(۱)- توبه (۹)، آیات ۲۰- ۲۱.

(۲)- ر. ک، (به ترتیب)، نساء (۴)، آیه ۷۴؛ بقره (۲)، آیه ۲۱۶؛ توبه (۹)، آیه ۱۳؛ بقره (۲)، آیه ۲۴۴؛ توبه (۹)، آیه ۸.

(۳)- عادیات (۱۰۰)، آیه ۱- ۴.

(۴)- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۱.

(۵)- همان، ص ۹.

جهاد در قرآن، ص: ۴۴

«وَالَّذی نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِیَدِهِ لَوْ انْفَقْتَ ما فِی الْارْضِ جَمیعًا ما ادْرَکْتَ فَضْلَ غُدْوَتِهِمْ» «۱»

سوگند به خدایی که جان محمد در دست اوست، اگر آنچه را در زمین است انفاق کنی، فضـیلت حرکت بامدادی آنان را نخواهی یافت!

امیرمؤمنان علی علیه السلام در خطبه‌ای که اواخر عمر خود ایراد نمود، فرمود:

«انَّ الْجِهادَ بابٌ مِنْ ابْوابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخاصَّةِ اوْلِیاءِهِ وَ هُوَ لِباسُ التَّقْوی وَ دِرْعُ اللَّهِ الْحَصینَةُ وَ جُنَّتُهُ الْوَثیقَةُ» «۲»

جهـاد دری است از درهای بهشت که خداونـد آن را به روی خواص دوسـتان خود گشوده، چنان که جهاد، لباس تقوا و زره محکم الهی و سپر قوی اوست.

از امام باقر علیه السلام نیز درباره اهمیت جهاد این گونه نقل شده است:

اصل اسلام، نماز و فرع آن زکات و قلّه و اوج عظمت آن، جهاد است. «۳»

علاوه بر آیـات و روایـاتی که بر اهمیّت جهـاد دلالـت دارنـد، دقّت در جایگاه جهاد اسـلامی نسبت به سایر واجبات دینی، ما را به اهمیّت و عظمت آن آگاه می‌سازد.

جهاددفاعی سبب تأمین امنیت است که در سایه آن اقامه سایر واجبات و حدود الهی امکان پذیرمی گردد.

رفع مـانع از تبلیغ دین الهی، در جهـاد ابتـدایی، سـبب گرایش عـده‌ای از جـامعه بشـری به دین حق می‌شود. در سـایه این گرایش و افزونی مسـلمانان، امکـان برقراری حکومت عـدل الهی و اقـامه احکام اسـلامی در سـطح گسترده ممکن می گردد. خلاصه اینکه در بسـیاری از موارد، تبلیغ اصول دین و عمل به فروع دین، مـدیون انجام این فریضه بزرگ الهی است که خود نشان دهنده عظمت آن نیز می‌باشد.

---

(۱)- سنن ترمذی، ج ۲، ص ۲۰.

(۲)- نهج البلاغه، خطبه ۲۷، صبحی صالح.

(۳)- بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۳۹۲.

جهاد در قرآن، ص: ۴۵

فصل دوم دشمن شناسی

اشاره

انسان دارای دشـمن‌های مختلفی است. در وجود خودِ انسان، بعضـی از قوای او دشـمن انسانیّت او هسـتند، و از آن جهت که اشرف مخلوقـات است، مـورد بغض و حسـد بعضـی دیگر از موجـودات می‌باشـد. نیز از آن جهت که مسـلمان است مـورد کینه و عـداوت بعضـی انسان‌های غیر مسـلمان است که هم علیه شـخص او هسـتند و هم علیه فکر، عقیده و مملکت او. شـناخت این دشـمنان، اولین لازمه مبارزه با آنان است.

دشمن درونی

الف- نفس امّاره:

در وجود انسان دو دسـته از قوای رحمانی و نفسانی تعبیه شـده است «۱» و این دو قوا در درون و ضـمیر انسان با هم جنگ دارنـد تا اینکه کدام غالب گردد و مملکت وجود را تحت سیطره خود بگیرد.

ب- شیطان (ابلیس):

خداونـد عـالم برای اجرای سـنّت امتحـان به موجود شـریر و گمراه کننـده‌ای به نـام ابلیس یا شـیطان اجازه داده تا به درون و ضـمیر انسان‌ها نفوذ کرده و آنها را وسوسه نمایـد و بـدی‌ها را برایشان زیبا جلوه داده به ارتکاب زشتی‌ها دعوت کنـد تا معلوم شود که چه افرادی به اوامر و دسـتورات الهی پایبنـد مانـده و با شـیطان و نفس مبارزه می‌کنند و چه کسانی خداوند و دسـتورات او را به کناری نهاده، تسلیم شـیطان و نفس می‌گردنـد تا در این میـدان مبارزه، انسان‌های مؤمن تربیت شونـد و رشـد و تعالی بیابند و به مقام قرب الهی نائل شوند.

---

(۱)- به تعبیر روایات، لشکریان عقل و جهل، ر. ك: بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۱۰.

جهاد در قرآن، ص: ۴۶

شیطـان و نفس دو دشـمن خطرنـاک درونی‌انـد که بـا فرمانـدهی شـیطان و فرمـانبری نفس و یـاری قوای نفسـانی علیه عقـل و قوای رحمـانی شورش کرده و در صورت توان مملکت وجود انسـان را مسـخّر می‌نماینـد و حیوانیت انسـان را تشدیـد می‌کننـد و او را به حـدی از پستی و رذالت می‌رساننـد که هیـچ حیوانی نرسـیده است. از آنجا این دو دشـمن، «دشـمن‌ترین دشـمنان» نام گرفته‌انـد که خانگی بوده، از راه‌های نادیـدنی حمله می‌نماینـد، شب و روز و وقت و بی وقت را نمی‌شناسـند و راه‌های نفوذ و تسـلط را به خوبی واقفند، جهاد و مبارزه با آن دو نیز «جهاد اکبر» خوانده شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«اعْدی عَدُوِّکَ نَفْسُکَ الَّتی بَیْنَ جَنْبَیْکَ» «۱»

دشمن‌ترین دشمن تو، نفس تو است که تمام وجودت را فراگرفته است.

امام علی علیه السلام فرمود:

«لا عَدُوَّ یُحارِبُهُ اعْدی مِنْ ابْلیسَ» «۲»

انسان با دشمنی کینه‌توزتر از شیطان نمی‌جنگد.

مبارزه با نفس و شیطان مبارزه‌ای مستمر و دائمی است و تا آخرین لحظه عمر دوام دارد؛ در حالی که مبارزه‌های دیگر مقطعی است و با شکست یا تسلیم کامل دشمن پایان می‌پذیرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله به مجاهدانی که از میدان جهاد اصغر باز می‌گشتند، فرمود:

آفرین بر قومی که جهاد اصغر را تمام کردند ولی جهاد اکبر همچنان بر عهده آنان باقی است. «۳»

آنان از همان زمان که خود را شناختند، به میدان مبارزه با نفس و شیطان قدم گذاردند و رفتن آنان به میدان جهاد فی سبیل‌الله و استقامت آنان علامت پیروزی مقطعی آنان در جهاد اکبر بود. با شکست دشمن بیرونی، جهاد اصغر تمام شد ولی دشمن درونی

---

(۱)- میزان الحکمه، ج ۶، ص ۹۵.

(۲)- مستدرک الوسایل، ج ۵، ص ۳۴۰.

(۳)- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۲۲.

جهاد در قرآن، ص: ۴۷

همچنان زخم دیده و شکست خورده در انتظار است و کمین گرفته تا لحظه‌ای مجاهد پیروز جبهه جهاد اصغر و اکبر غافل شود و بر او هجوم برد و همه افتخارات گذشته‌اش را نابود سازد و او را به اسارت بگیرد. بنابراین، باید در همه لحظه‌های زندگی هوشیار بود و از مبارزه با دشمن درونی غافل نشد و پیروزی‌های مقطعی را غایت ندانست و این جهاد مقدس را تا رسیدن به شهادت و یا پایان عمر ادامه داد.

دشمن بیرونی

اشاره

دشمنان بیرونی انسان‌هایی هستند که با موجودیت، اعتقاد یا روش ما مخالف بوده و برای نابود ساختن موجودیت ما و یا ایجاد انحراف در اعتقاد و روش ما سعی و تلاش می‌کنند. دشمن بیرونی را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد:

الف- دشمن داخلی:

منظور از دشمن داخلی افرادی هستند که عضو جامعه بوده و از درون جامعه به صورت آشکار یا پنهان برای براندازی و ضربه زدن به کیان جامعه اسلامی یا ایجاد انحراف در نظام سیاسی یا فرهنگ اعتقادی و اخلاقی مسلمانان تلاش و کوشش می‌کنند که عبارتند از:

۱- منافقان: آنان که خود را در صف اهل ایمان جازده ولی در باطن کافر بوده و بغض و کینه مسلمانان را در دل دارند، اینان همدست دشمن بوده و از پشت خنجر می‌زنند.

قرآن اینان را از دشمنان سر سخت شمرده و دستور مراقبت و سختگیری نسبت به این گونه افراد را صادر فرموده است. در سوره منافقون بعد از معرفی آنها می‌فرماید:

«هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قاتَلَهُمُ اللَّهُ» «۱»

خدا بکشد آنان را، دشمن هستند، پس از آنان بر حذر باش!

و در سوره توبه می‌فرماید:

(۱)- منافقون (۶۳)، آیه ۴.

جهاد در قرآن، ص: ۴۸

«جاهِدِ الْکُفَّارَ وَ الْمُنافِقینَ وَ اغْلُظْ عَلَیْهِمْ»

با کفار و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت بگیر!

علامه طباطبایی ذیل آیه مزبور می‌فرماید:

جهاد با منافقان به معنای قتال نیست، بلکه به معنای نثار نهایت کوشش و توان در مقابله با آنان از راههای مناسب است؛ بدین معنا که در صورت مصلحت از آنان کناره گیرد، معاشرت و هم‌نشینی با آنان را ترک کند و یا آنان را نصیحت کند، یا اخراج و تبعیدشان کند و یا به برخوردهای دیگری که مصلحت اقتضا دارد، روآورد. «۱»

منافقان همیشه بیشترین ضربه‌ها را به مسلمانان زده با توطئه‌های گوناگون خویش آب به آسیاب دشمن خارجی ریخته‌اند. مؤمنان باید منافق شناس بوده و حیله‌های آنان را شناخته با اقدامهای متناسب و به موقع رشته‌های آنان را پنبه کنند و امیدشان را به یأس مبدّل ساخته تا دست از نفاق برداشته ایمان آورند و یا به طور علنی در صف مخالفان و کافران جای بگیرند.

۲- شورشیان: کسانی که در جامعه اسلامی، علیه امام و حاکم عادل به توطئه چینی بپردازند و یا اقدام مسلّحانه کنند. در فقه اسلامی چنین کسانی را «باغی» می‌خوانند. «۲» البته تا زمانی که آنها اقدام مسلّحانه نکرده‌اند، باید با استدلال و کلام متین و قوی به مبارزه با آنان شتافت و هرگاه دست به اسلحه بردند، باید علیه آنان جنگید و آنان را سرکوب کرد.

خوارج گروه شورشی علیه امام عادل بودند که در صفین از امام علی علیه السلام جدا شدند و به صف مخالفان امام پیوستند. تا زمانی که این گروه شورشی دست به اسلحه نبرده بودند، امام علیه السلام با آنان مدارا کرد و وقتی متوسل به سلاح شدند، امام علیه السلام نیز آنان را سرکوب کرد.

۳- مجرمان و مفسدان: کسانی که در جامعه اسلامی پرده‌دری کرده و به طور علنی

(۱)- المیزان، ج ۹، ص ۳۳۹.

(۲)- جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۳۲۲.

جهاد در قرآن، ص: ۴۹

به گناه دست می‌آلایند و با عمل و کلام دیگران را به انحراف می‌کشانند و امنیت، عرض، مال و ناموس مسلمانان را تهدید می‌کنند، چنین کسانی دشمن بوده و باید آنان را با امر به معروف و نهی از منکر متنبّه کرد و در صورت متنبّه نشدن، حکومت اسلامی باید آنها را مجازات و تأدیب کند.

در سوره احزاب می‌فرماید:

«لَئِنْ لَمْ یَنْتَهِ الْمُنافِقُونَ وَالَّذینَ فی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِی الْمَدینَةِ لَنُغْرِیَنَّکَ بِهِمْ ثُمَّ لا یُجاوِرُونَکَ فیها الَّا قَلیلًا» «۱»

اگر منافقان، افراد سست ایمان و شایعه پراکنان مدینه دست از کارهای زشت خویش برندارند، تو را علیه آنان می‌شورانیم در آن صورت جز مدتی کم در مجاورت تو نمانند.

و در سوره مائده می‌فرماید:

«انَّما جَزاءُ الَّذینَ یُحارِبُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ یَسْعَوْنَ فِی الْارْضِ فَساداً انْ یُقَتَّلُوا اوْ یُصَلَّبُوا ...» «۲»

همانا جزای کسانی که با خدا و رسول ستیز می‌کنند و سعی در ایجاد فساد در زمین دارند این است که کشته شوند یا به دار آویخته گردند.

در روایات و تفاسیر از این محاربان و مفسدان به راهزنان و از بین برندگان امنیت عمومی تفسیر شده است. «۳»

«الَّذینَ فی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» به شهوترانان، چشم‌چرانها، تعرض کنندگان به نوامیس مسلمانان و فاسقان فاجر و «مُرْجِفُونَ» به شایعه پراکنان و ایجاد کنندگان جوّ ناامنی و رُعب تفسیر شده است. «۴»

---

(۱)- احزاب (۳۳)، آیه ۶۰.

(۲)- مائده (۵)، آیه ۳۳.

(۳)- المیزان، ج ۵، ص ۳۲۷ و ۳۳۱.

(۴)- تفسیر کنزالدقائق، ج ۱۰، ص ۴۴۴.

جهاد در قرآن، ص: ۵۰

جهاد در قرآن ۹۹

از جمله کسانی که در قرآن و روایات، دشمن خدا و مسلمانان شمرده شده‌اند افراد زیر می‌باشند:

۱- کسانی که با دشمنان اسلام دوستی صمیمی دارند؛ در ادامه بحث خواهد آمد که یهود و نصارا به خاطر حسادت، تکبر و تعصّب به دشمنی با مسلمانان برخاسته‌اند و جبهه دشمنان خارجی را تشکیل داده‌اند. هر کسی از مسلمانان که با این دشمنان دوست باشد، از آنها شده و دشمن بقیه مسلمانان به شمار می‌رود:

«یا ایُّهَا الَّذینَ امَنُوا لا تَتَّخِذوُا الْیهوُدَ وَ النَّصاری اوْلِیاءَ بَعْضُهُمْ اوْلِیاءُ بَعْضٍوَمَنْ یَتَوَلَّهُمْ مِنْکُمْ فَانَّهُ مِنْهُمْ» «۱»

ای مؤمنان از یهود و نصاری ولیّ، سرپرست و دوست صمیمی نگیرید، آنها اولیای یکدیگرند و هر کس ولایت آنها را بپذیرد، از آنهاست.

امام علی علیه السلام فرمود:

دشمنان تو سه نفرند: آن کس که دشمن توست، آن که دوست دشمن توست و آن که دشمنِ دوست توست. «۲»

امام صادق علیه السلام فرمود:

دوستِ دشمن خدا، دشمن خداست. «۳»

۲- کسانی که از روش و فرهنگ دشمن پیروی می‌کنند و مبلّغ فرهنگ آنها می‌باشند؛ امام علی علیه السلام فرمود: خداوند به یکی از پیامبرانش وحی کرد که به قومت بگو:

«لا یَلْبِسوُا لِباسَ اعْدائی وَ لا یَطْعَموُا مَطاعِمَ اعْدائی وَ لا یَتَشَکَّلوُا مَشاکِلَاعْدائی فَیَکوُنُوا اعْدائی کَما هُمْ اعْدائی «۴»

---

(۱)- مائده (۵)، آیه ۵۱.

(۲)- نهج‌البلاغه، حکمت ۲۹۵.

(۳)- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۳۶.

(۴)- همان، ج ۱۱، ص ۱۱۹.

جهاد در قرآن، ص: ۵۱

در لباس، طعام، شكل و شيوه، مقلّد دشمنان من نباشند، مثل آنان نخورند و نپوشند و زندگى نكنند كه در آن صورت شما هم مانند آنان دشمن من مى‌باشيد.

۳- فاسقان فاجر: امام رضا عليه السلام در اين‌باره فرمود:

«خُصَماءُ اللَّهِ وَ اعْداؤُهُ فِى ارْضِهِ شُرَّابُ الْخَمْرِ وَالزُّناةِ» «۱»

دشمنان خدا در زمينش، شرابخواران و زناكارانند.

در روايات نيز ظالم و دزد كه امنيت جانى و مالى مسلمانان را از بين مى‌برند، تجاوزگر و دشمن خدا معرّفى شده‌اند. «۲»

با دقت در روايات مزبور روشن مى‌شود افرادى كه امنيت جامعه را بر هم زده اشاعه فحشاء مى‌نمايند، دشمن خدا و مسلمانان بوده و بايد در صورت متنبّه نشدن، ريشه‌كن شوند.

ب- دشمن خارجى:

از آنجا كه جامعه اسلامى در پى تحقق بخشيدن به حاكميت توحيد و ارزش‌هاى اسلامى انسانى است، به طور طبيعى مورد بغض و كينه دشمنان انسانيّت، توحيد و ارزش‌ها قرار مى‌گيرد كه آنان عبارتند از:

۱- مشركان: كسانى كه حاكميت جهل را پذيرفته و با تراشيدن خدايان دروغين در كنار حق تعالى، انسان‌ها را به وادى شرك، حيرانى، ضلالت و حيوانيت سوق مى‌دهند، آنان از سرسخت‌ترين دشمنان مسلمانان مى‌باشند. آنها منافع دنيايى خويش را در جهل و خرافه‌پرستى انسان‌ها مى‌بينند و براى حفظ اين منافع، تيغ دشمنى عليه هدايت يافتگان هدايتگر بركشيده‌اند.

فطرت انسان بر توحيد و خداشناسى استوار است و شرك يعنى هلاك انسانيّت و مرگ فطرت؛ پس شرك و مظاهر آن دشمن انسانيّت بوده و مشرك يعنى كسى كه

---

(۱)- مستدرك الوسايل، ج ۱۷، ص ۴۵.

(۲)- همان، ج ۶، ص ۵۳۱ و ج ۱۶، ص ۲۰۰- ۲۰۱.

جهاد در قرآن، ص: ۵۲

انسانيت خود را كشته و در صدد از بين بردن انسانيت ديگران است؛ بنابراين مشركان از بدترين دشمنان موحدان مى‌باشند. البته لازم است توجه شود كه بسيارى از مشركان به گمراهى خود توجه نداشته و با هشدار و تذكر متنبّه شده به جبهه ايمان و توحيد مى‌آيند ولى سردمداران شرك، آگاهانه از مسير انسانيّت خارج شده‌اند و اين‌گونه افراد دشمن انسانيت مى‌باشند. آنان علاوه بر آن كه خود حق را نمى‌پذيرند، با دسيسه، شبهه پراكنى، توطئه و هجوم نظامى مانع گسترش توحيد هم مى‌گردند و حكم قتال در مورد اين گونه مشركان است. بنابراين بر مسلمانان لازم است كه با تبيين توحيد و تبليغ صحيح، مشركان را هدايت كنند و با آن گروه از مشركان كه حق را نپذيرفته يا براى جلوگيرى از رسيدن حيات توحيدى به ديگران تلاش مى‌كنند، به مبارزه برخيزند و تا ريشه كن كردن شرك و چندگانه پرستى به اين مبارزه الهى ادامه دهند.

۲- اهل كتاب: يهود، نصارا و ديگر پيروان اديان آسمانى كه خود را موحّد مى‌دانند ولى تحريف، جعل و خرافه در ديانت آنان نفوذ كرده و گمراهشان ساخته است. آنان نيز در اثر جهل، تعصّب، دنياگرايى و عوامل ديگر در مقابل مسلمانان موضع گرفته و نه تنها خود اسلام را نمى‌پذيرند كه حتى نمى‌گذارند سخن حق مسلمانان به گوش جهانيان هم برسد و براى ريشه‌كن كردن مسلمانان و حكومتهاى اسلامى به هر توطئه‌اى دست مى‌يازند.

در بین اهل کتاب یهودیان گوی سبقت در دشمنی با مسلمانانِ موحد را از دیگران ربوده‌اند و از این نظر در ردیف مشرکان معاند، بلکه جلوتر از آنهایند. قرآن می‌فرماید:

«لَتَجِدَنَّ اشَدَّ النَّاسِ عَداوَةً لِلَّذینَ امَنُوا الْیَهُودَ وَ الَّذینَ اشْرَکُوا» «۱»

هر آینه شدیدترین مردم در دشمنی با مؤمنان، یهود و مشرکان هستند.

یهود دارای ویژگی‌ها و پندارهایی است که شناختن آنها سبب آشکار شدن راز

---

(۱)- مائده (۵)، آیه ۸۲. ممکن است اینکه اول یهود ذکر شده و سپس مشرکان، دلالت و اشاره بر این داشته باشد که یهود از مشرکان هم در دشمنی شدیدترند.

جهاد در قرآن، ص: ۵۳

دشمنی و عداوت شدیدشان با مسلمانان موحد می‌گردد. اجمالی از این ویژگی‌ها و روحیات به شرح زیر است:

الف- تأکید بر خدای محسوس و دیدنی: اصولًا عامّه یهودیان به خدای نامحسوس و نادیدنی ایمان نیاوردند و با وجود همه آیات و معجزات بی‌شماری که از موسای پیامبر علیه السلام مشاهده کردند، به پروردگارش ایمان نیاوردند. هنگامی که بعد از سال‌ها اسارت با اعجاز موسی علیه السلام از دریا گذشتند و غرق شدن فرعونیان را با چشم خود دیدند، به قومی برخوردند که خدایان و بتهای مادی را سجده می‌کردند. با دیدن خدایان آنها، وقیحانه از موسی علیه السلام خواستند: «... اجْعَلْ لَنا الهاً کَمالَهُمْ الِهَةٌ ...»؛ «۱» برای ما نیز مانند آنان خدایی محسوس قرار بده.

وقتی حضرت موسی علیه السلام به میعاد رفت و به امر خدا ده روز بیشتر توقف کرد، آنان گوساله طلایی سامری را به خدایی پذیرفتند، زیرا دلشان از محبت بت‌پرستی و گوساله پرستی سیراب شده بود. «۲» وقتی هم به میقات رفتند به صراحت گفتند:

«لَنْ نُؤْمِنَ لَکَ حَتَّی نَرَی اللَّهَ جَهْرَةً» «۳»

(ای موسی) ما به تو ایمان نمی‌آوریم تا زمانی که خدا را آشکارا ببینیم.

همه این فرازها نشان از علاقه وصف ناشدنی آنان به خدای محسوس دارد. عشق و محبت به خدایی دیدنی مثل گوساله طلایی که تلألوی طلای آن چشم را خیره کند، دل آنها را سیراب کرده و واله و شیدا ساخته بود و هیچ‌گاه حاضر نبودند به خدایی غیر مادی و محیط بر جهان ماده و نادیدنی ایمان بیاورند.

ب- دنیا طلبی و دنیا خواهی زاید الوصف: یهود حرص و ولع بسیاری نسبت به دنیا و مطامع دنیایی دارد:

---

(۱)- اعراف (۷)، آیه ۱۳۸.

(۲)- بقره (۲)، آیه ۹۳.

(۳)- همان، آیه ۵۵.

جهاد در قرآن، ص: ۵۴

«وَلَتَجِدَنَّهُمْ احْرَصَ النَّاسِ عَلی حَیوةٍ وَ مِنَ الَّذینَ اشْرَکُوا یَوَدُّ احَدُهُمْ لَوْ یُعَمَّرُ الْفَ سَنَةٍ» «۱»

و آنها را حریص‌ترین مردم و حتی حریص‌تر از مشرکان بر دنیا خواهی یافت. هر یک از آنها دوست دارد که هزار سال عمر کند.

همین علاقه بسیار، آنها را نسبت به جمع‌آوری مال، حریص و نسبت به بخشش آن، بخیل کرده و به حرام خواری و رباخواری کشانده است قرآن کریم در مورد این خصلت زشت یهود چنین می‌فرماید:

«فَبِظُلْمٍ مِنَ الَّذینَ هادوُا حَرَّمْنا عَلَیْهِمْ طَیِّباتٍ احِلَّتْ لَهُمْ وَ اخْذِهِمُ الرِّبوا وَ قَدْنُهوُا عَنْهُ وَاکْلِهِمْ اموالَ النَّاسِ بِالْباطِلِ» «۲»

به خـاطر ظلم یهودیـان و ربـا خواری آنـان با اینکه از آن نهی شده‌بودنـد و خوردن اموال مردم به باطل، طیباتی که برای آنان حلال بود، بر آنان حرام کردیم.
همین دنیاطلبی، شهوت پرستی، مال دوستی، حرام خواری، بخل و خسّت آنان را به دشمنی با پیامبران و تکذیب و کشتن آنان وادار نمود؛ زیرا پیامبران الهی آنان را از این اعمال زشت باز می‌داشتند و مانع هواپرستی آنان می‌شدند:
«افَکُلَّما جاءَکُمْ رَسوُلٌ بِما لا تَهْوی انْفُسُکُمُ اسْتَکْبَرْتُمْ فَفَریقاً کَذَّبْتُمْ وَ فَریقاً تَقْتُلُونَ» «۳»
هر گاه پیامبری با دستوراتی مخالف هوای نفس شما آمد، استکبار ورزیدید و گروهی را تکذیب کردید و گروهی را کشتید.
ج- جعل، تحریف و کتمان: یهودیان برای رسیدن به اهداف پلید و توجیه اقدامات ناصحیح خود در طول تاریخ به جعل، تحریف و کتمان متوسل شده‌اند، قرآن به

---

(۱)- بقره (۲)، آیه ۹۶.

(۲)- نساء (۴)، آیات ۱۶۰- ۱۶۱.

(۳)- بقره (۲)، آیه ۸۷.

جهاد در قرآن، ص: ۵۵

مسلمانان آگاهی می‌دهد که به ایمان آوردن یهودیان امیدوار نباشید؛ زیرا اینان کتاب و کلام خدا را بعد از فهمیدن آن، تحریف می‌کننـد. تورات را ورق ورق کرده و قسمت‌هایی از آن را که به نفعشان است یا برایشان ضرری نـدارد آشکار می‌کننـد و بقیه را پنهان می‌سازنـد. حقایق، پیشگویی‌ها و بشارت‌های تورات و پیامبران را کتمان می‌کننـد و عامّه یهود نیز با اینکه می‌دانند عالمانشان اهل فساد، خلاف، جعل و تحریف‌اند از آنان پیروی می‌کنند. «۱»
د- پندارهای باطل: درست است که در برهه‌ای از زمان، یهود به خاطر این که به موسی ایمان آوردند و در دوران اسارت فرعونیان بر تعالیم اجدادشان ابراهیم، اسحاق و یعقوب علیهم السلام استقامت ورزیدنـد، مورد عنایت خدا قرار گرفتند و خداوند آنان را به عنوان قوم برگزیـده انتخاب کرد و وارث زمین ساخت و ...؛ ولی آنها به ملاک این عنایت خداونـدی توجه نکردنـد و آن را تفسیر قومی و نژادی کردنـد و خود را به طور مطلق و در هر صورت قوم برتر پنداشـتند و هنوز نیز این پنـدار باطل را در سرمی پرورانند و نژاد یهود را نمونه انسان و انسان‌های نمونه دانسته و بقیه نژادها را پست‌تر از حـدّ انسانیّت می‌داننـد و معتقدند که آنان برای خدمت به نژاد یهود آفریده شده‌اند و یهود در مقابل ظلم و ستم بر آنان به هیچ وجه بدهکار نمی‌گردد و مؤاخذه نمی‌شود. «۲»
ه- دشمنی با مبلغان توحید و عدالت و فضیلت: ویژگی‌هایی که بر شمردیم از یهود، قومی لجوج، طغیانگر، دنیا طلب و خشن ساخته است که در طول تاریخ، با پیامبران، مصلحان و موحدان در افتاده‌انـد؛ زیرا آنان را سـدی در برابر هوا و هوس خود دیده‌انـد و این دشمنی و عداوت با وارثان پیامبران ادامه یافته است. از پیامبر در این‌باره نقل شده است که فرمود:
«هیچ فرد یهودی با مسلمانی خلوت نکرد، مگر اینکه تصمیم به قتل آن

---

(۱)- بقره (۲)، آیه ۷۵؛ انعام (۶)، آیه ۹۱؛ آل عمران (۳)، آیه ۷۱.

(۲)- ر. ک. آل عمران (۳): آیه ۷۵؛ مائده (۵)، آیه ۱۸؛ بقره (۲)، آیه ۸۰ و ۱۱۱؛ ردّ علی التوراة، نـدرة الیـازجی، ص ۲۲؛ روح المعانی، ج ۷، ص ۲.

جهاد در قرآن، ص: ۵۶

مسلمان گرفت.» «۱»

دشمنی یهود با مسلمانان از صدر اسلام تا کنون باشدتی رو به تزاید ادامه یافته و کم بوده‌اند یهودیانی که در این مدت طولانی از عداوت و تعصب دست بر داشته باشند و اسلام را پذیرفته باشند و امروزه نیز صهیونیستها و یهودیان نژادپرست و افراطی بزرگ‌ترین دشمن مسلمانان به شمار می‌روند.

نصارا و دیگر گروه‌های اهل کتاب نیز گر چه در دشمنی با مسلمانان به پایه یهود نمی‌رسند، ولی آنها نیز به خاطر پندارهای غلط، حسادت و دیگر عوامل، علَم دشمنی با مسلمانان را بر افراشته در طول تاریخ اسلام بارها و بارها با مسلمانان در افتاده‌اند. بر مسلمانان لازم است که در مرحله اول با تبلیغ و تبیین صحیح دین خود و تشریح مواضع جعل و خرافه در آن مذاهب، آنان را هدایت کرده و به جبهه ایمان رهنمون شوند و در صورتی که عناد و سرکشی آنان را به انکار، معاندت، توطئه و هجوم واداشت علیه آنان به مبارزه برخیزند و تا تسلیم شدن یا ایمان آوردن آنها به این مبارزه ادامه دهند.

۳- دشمنان دیگر جوامع اسلامی: در صدر اسلام فقط یک حکومت اسلامی وجود داشت و همه مسلمانان تحت لوای آن حکومت بودند و دشمنان در جبهه مخالف این حکومت قرار داشتند؛ ولی در قرنهای بعد به دلایل مختلف حکومت اسلامی از قالب وحدت بیرون شد و متعدد گشت و امروز کشورهای مختلفی وجود دارند که غالب مردم آنها مسلمان بوده و حکومتهای این کشورها نیز داعیه اسلامی بودن دارند- گر چه میزان صداقت این ادعاها مورد بحث است- همچنان که اقلیت‌های مسلمان در کشورهای غیر اسلامی نیز وجود دارد. از آن جا که مسلمانان در حکم پیکر واحد می‌باشند و همگی برادرند، «۲» اگر گروهی از مسلمانان- چه یک کشور اسلامی و چه یک اقلیت مسلمان- مورد ظلم و ستم مشرکان و کافران قرار گرفت، بر دیگر مسلمانان واجب است در حد

(۱)- اطیب البیان، طیّب، ج ۴، ص ۳۴۸.

(۲)- انَّمَا الْمُؤْمِنُونَ اخْوَةٌ. (حجرات، آیه ۱۰)

جهاد در قرآن، ص: ۵۷

توان به کمک برادران مسلمان خود شتافته و آنان را یاری دهند همچنان که از امام علی علیه السلام نقل شد، دشمن دوست انسان، دشمن انسان است و مسلمانان برادران دینی، هستند و دشمن آنها دشمن ما هم هست. در حقیقت آنچه کینه و عداوت دشمنان را علیه مسلمانان برانگیخته، داعیه اسلام خواهی، حق طلبی و عدالت گستری مسلمانان است و اگر فعلًا با ما اعلام دشمنی نکردند و با گروه دیگری از مسلمانان سر عداوت دارند، از این جهت است که توان بیشتری ندارند. آنها با از میان برداشتن آن اقلیت مسلمان یا آن کشور مسلمان، به سراغ دیگری می‌روند و همین طور سرستیز را دنبال می‌کنند تا نوبت به ما برسد؛ پس نباید گمان کنیم که دشمنی آنان با گروه دیگری است و با ما عداوت ندارند لذا ما هم با آنها دشمنی نداشته باشیم! آنها با اسلام و تعالیم انسان ساز، عدالت گستر و ظلم ستیز آن دشمنی دارند نه با گروهی خاص از مسلمانان.

۴- مسلمانان تجاوزگر: گروهی از مسلمانان که برای منافع دنیوی و دشمنی‌های نشأت گرفته از انگیزه‌های غیر الهی، گروه دیگر را مورد تجاوز قرار داده‌اند، بر همه مسلمانان لازم است آنان را از تجاوز و سرکشی بازداشته و بین دو گروه متخاصم صلح و دوستی برقرار سازند و اگر گروه تجاوزگر حاضر به پذیرش صلح و دست کشیدن از تجاوز نشد، باید با آنها مبارزه کرد و آنها را به پذیرش صلح وادار نمود.

«وَ انْ طائِفَتانِ مِنَ الْمُؤْمِنینَ اقْتَتَلوُا فَاصْلِحوُا بَیْنَهُما فَانْ بَغَتْ احْدَیهُما عَلَی الْاخْری فَقاتِلوُا الَّتی تَبْغی حَتّی تَفیءَ الی امْرِ اللَّهِ فَانْ فاءَتْ فَاصْلِحوُا بَیْنَهُما بِالْعَدْلِ وَاقْسِطوا» «۱»

اگر دو طایفه از مؤمنان با هم بجنگند، میان آن دو را اصلاح دهید و اگر یکی از آن دو بر دیگری تعدّی کرد، با آن که تعدّی

می کند بجنگید تا به فرمان خدا باز گردد پس اگر بازگشت، میان آن دو را به عدالت سازش دهید.

---

(۱)- حجرات (۴۹)، آیه ۹.

جهاد در قرآن، ص: ۵۸

تبیین و توضیح

اشاره

در بحث دشـمن شناسی، علاوه بر دسته‌بندی دشمنان، به عداوت و کینه آنان بخصوص یهود و مشرکان نسبت به مسلمانان نیز اشاره شد. به نظر می‌رسد نگاه تفصیلی به دشـمنی مشـرکان و اهل کتاب و کنکاش پیرامون آن، ما را در دشمن شناسی هوشیارتر و بیناتر می گرداند.

۱- دشمنی مشرکان:

مشـرکان که اولین و از سرسـخت‌ترین دشـمنان مسـلمانان می‌باشند، در حقیقت دشمن عقل، انسانیت، فضیلت و کرامتند. آنان بدون هیـچ ادلّه عقلی و بیّنه روشـنی برای خداونـد شـریک تراشیده و به جهـالت و خرافه‌بـافی خـویش، دل خـوش کرده‌انـد و از توحیـد، یکتاپرستی و یکتاپرستان بیزارند و این بغض و کینه آنان را به هر اقدامی علیه مسلمانان مبلّغ توحید وا می‌دارد.

«اشْرَکُوا بِاللَّهِ ما لَمْ یُنَزِّلْ بِهِ سُلْطاناً» «۱»

برای خداوند چیزهایی را که هیچ دلیل آشکاری بر (خدایی آنها) نازل نشده است شریک قرار داده‌اند.

«وَ اذا ذُکِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذینَ لا یُؤْمِنُونَ بِالْاخِرَةِ وَ اذا ذُکِرَ الَّذینَ مِنْ دُونِهِ اذا هُمْ یَسْتَبْشِرُونَ» «۲»

و چون خـدا به یگانگی یاد شود، دلهای کسانی که به آخرت ایمان ندارنـد، منزجر می گردد و چون خدایان (دروغین) غیر از او یاد گردند، بناگاه شادمان گردند.

«اذا ذَکَرْتَ رَبَّکَ فِی الْقُرآنِ وَحْدَهُ وَ لَّوْا عَلی ادْبارِهِمْ نُفُورًا» «۳»

و چون در قرآن پروردگار خود را به یگانگی یاد کنی، با نفرت از تو روی بر

---

(۱)- آل عمران (۳)، آیه ۱۵۱.

(۲)- زمر (۳۹)، آیه ۴۵.

(۳)- اسراء (۱۷)، آیه ۴۶.

جهاد در قرآن، ص: ۵۹

می گردانند!

«لا یَأْلُونَکُم خَبالًا وَدُّوا ما عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضاءُ مِنْ افْواهِهِمْ وَ ما تُخْفی صُدُورُهُمْ اکْبَرُ ... اذا خَلَوْا عَضُّوا عَلَیْکُمُ الْاناملَ مِنَ الْغَیْظِ» «۱»

از هیچ شـروفسادی در حق شـما کوتاهی نمی کنند. آرزو دارند که در رنج بیفتید. دشـمنی از لحن و سـخنشان آشـکار است و آنچه سینه‌هایشان پنهان می‌دارد بزرگتر است ...

چون خلوت می کنند از شدت خشم بر شما، سرانگشتان خود را می گزند.

«کَیْفَ وَ انْ یَظْهَرُوا عَلَیْکَمْ لا یَرْقُبُوا فیکَمْ الًّا وَ لا ذِمَّةً» «۲»

چگونه (برای آنها رعایت عهد و پیمان لازم باشد؟) و حال آنکه اگر بر شما دست یابند، درباره شما نه خویشاوندی را مراعات می‌کنند و نه پیمان را!

«نَکَثُوا ایْمانَهُمْ وَ هَمُّوا بِاخْراجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ بَدَؤُوکُمْ اوَّلَ مَرَّةٍ» «۳»

قسم خود را شکستند و برای بیرون راندن رسول خدا همّت کردند و آغازگر جنگ با شما بودند.

«وَ لا یَزالُونَ یُقاتِلُونَکُمْ حَتَّی یَرُدُّوکُمْ عَنْ دینِکُمْ انِ اسْتَطاعُوا» «۴»

اگر بتوانند پیوسته با شما می‌جنگند تا اینکه شما را از دینتان برگردانند.

آیات دیگری نیز حاکی از این دشمنی سیری‌ناپذیر مشرکان با خداپرستان است و ثمره ناپاک شرک، جهل و خرافه‌پرستی نیز جز این نمی‌تواند باشد.

۲- اهل کتاب

از نگاه قرآن اهل کتاب را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

الف- اهل کتاب مؤمن: گروهی از اهل کتاب به تعالیم فطری و تعالیم آسمانی مطابق با فطرت و عقل پایبند بوده و در مقابل حق تسلیم می‌باشند و اگر حقیقت اسلام برایشان

---

(۱)- آل عمران (۳)، آیات ۱۱۸- ۱۱۹.

(۲)- توبه (۹)، آیه ۸.

(۳)- همان، آیه ۱۳.

(۴)- بقره (۲)، آیه ۲۱۷.

جهاد در قرآن، ص: ۶۰

تبیین شود و جهالت آنان برطرف گردد، بدون شک بدان ایمان می‌آورند. خداوند در قرآن شریف از این گروه به خوبی یاد و تجلیل نموده است:

«... مِنْ اهْلِ الْکِتابِ امَّةٌ قائِمَةٌ یَتْلُونَ ایاتِ اللَّهِ ءَاناءَ اللَّیْلِ وَ هُمْ یَسْجُدُونَ یُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْاخِرِ وَ یَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ یَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ یُسارِعُونَ فِی الْخَیْراتِ وَ اولئِکَ مِنَ الصَّالِحینَ» «۱»

از اهل کتاب گروهی هستند که (به حق و ایمان) قیام می‌کنند و پیوسته در اوقات شب آیات الهی را می‌خوانند و سجده می‌کنند، به خدا و روز قیامت ایمان می‌آورند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و در کارهای خیر سرعت می‌گیرند. اینان از صالحان هستند.

«وَانَّ مِنْ اهْلِ الْکِتابِ لَمَنْ یُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ ما انْزِلَ الَیْکُم وَ ما انْزِلَ الَیْهِمْ خاشِعینَ لِلَّهِ لا یَشْتَرُونَ بِایاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلیلًا ...» «۲»

البته از اهل کتاب کسانی هستند که به خدا و بدانچه به سوی شما نازل شده و به آنچه به سوی خودشان فرود آمده، ایمان دارند در حالی که در برابر خدا خاشعند و آیات خدا را به بهای ناچیزی نمی‌فروشند.

گروهی که اهل خود بزرگ‌بینی، حسادت، دنیاپرستی و رذایل اخلاقی نبوده بلکه فضایل اخلاقی در آنان نمود پیدا کرده است.

«وَ مِنْ اهْلِ الْکِتابِ مَنْ انْ تَأْمَنْهُ بِقِنْطارٍ یُؤَدِّهِ الَیْکَ ...» «۳»

کسانی از اهل کتاب هستند که اگر او را بر مال فراوانی امین شمری، آن را به تو بر می‌گرداند.

«... لَتَجِدَنَّ اقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذینَ امَنُوا الَّذینَ قالُوا انَّا نَصاری ذلِکَ بِانَّ مِنْهُمْ قِسّیسینَ وَ رُهْبانًا وَ انَّهُمْ لا یَسْتَکْبِرُونَ وَ اذا سَمِعُوا ما انْزِلَ الَی الرَّسُولِ تَرْی

---

(۱)- آل عمران (۳)، آیات ۱۱۳- ۱۱۴.

(۲)- همان، آیه ۱۹۹.

(۳)- همان، آیه ۷۵.

جهاد در قرآن، ص: ۶۱

اعْیُنَهُمْ تَفیضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ یَقُولُونَ رَبَّنا امَنَّا فَاکْتُبْنا مَعَ الشَّاهِدینَ وَ ما لَنا لا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ ما جاءَنا مِنَ الْحَقِّ وَ نَطْمَعُ انْ یُدْخِلَنا رَبُّنا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحینَ» «۱»

قطعاً کسانی را که گفتند: ما نصرانی هستیم، نزدیک‌ترین مردم در دوستی به مؤمنان خواهی یافت؛ زیرا برخی از آنان دانشمندان و راهبانی هستند که تکبر نمی‌ورزند و چون آنچه را به سوی رسول خدا (ص) نازل شده، بشنوند، می‌بینی بر اثر آن حقیقتی که شناخته‌اند، اشک از چشم‌هایشان سرازیر می‌شود. می گویند: پروردگارا ما ایمان آورده‌ایم پس ما را در زمره گواهان بنویس؛ و برای ما چه عذری است که به خدا و آنچه از حق به ما رسیده، ایمان نیاوریم و حال آنکه طمع داریم ما را در زمره شایستگان داخل گرداند.

این گروه از اهل کتاب که کم هم نیستند، نه تنها با مؤمنان و مسلمانان دشمنی ندارند، بلکه جویندگان حقیقتند و با آگاه شدن از تعالیم مترقی و متعالی اسلام، عاشقانه آن را می‌پذیرند و در راه آن فداکاری می کنند و ما باید سعی و کوشش خود را در راه تبلیغ اسلام و رساندن پیام حیات بخش قرآن به این تشنگان حقیقت، به کار بندیم.

ب- مسالمت جویان: گروه دیگری از اهل کتاب که گر چه بر دین خود پا فشاری دارند ولی طالب صلح و مسالمت بوده و علیه مسلمانان اقدامی نکرده و نمی کنند. بنابر تعلیم قرآن اینان نیز دشمن نبوده و باید با آنان روابط مسالمت آمیز و انسانی داشت.

«لا یَنْهاکُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذینَ لَمْ یُقاتِلُوکُمْ فِی الدّینِ وَ لَمْ یُخْرِجوُکُمْ مِنْ دِیارِکُم انْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا الَیْهِمْ انَّ اللَّهَ یُحِبُّ الْمُقْسِطینَ» «۲»

خدا شما را از کسانی که در دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نرانده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید؛ زیرا خدا دادگران را دوست می‌دارد.

---

(۱)- مائده (۵)، آیات ۸۲- ۸۴.

(۲)- ممتحنه (۶۰)، آیه ۸.

جهاد در قرآن، ص: ۶۲

ج- ستیزه جویان: آن گروه از اهل کتاب هستند که دچار خودبینی، استکبار و عقاید باطل بوده و دشمنی آنان با مؤمنان و مسلمانان پایان ناپذیر است. بنابر بیان قرآن، یهود دشمن‌ترین گروه اهل کتاب نسبت به مسلمانان می‌باشند. «۱»

و شاید بتوان گفت که آنها در دشمنی گوی سبقت را از مشرکان هم ربودند و با اینکه اهل کتاب بودند و پیامبر را می‌شناختند، ولی ایمان نیاوردند و بیشترین ضربه‌ها را به مسلمانان وارد آوردند. علت دشمنی یهود و دیگر اهل کتاب را باید در استکبار، حسادت، غلو در دین و عقاید خرافی و باطل آنها دانست. قرآن عقاید باطل و خرافی اهل کتاب ستیزه جو را چنین یاد می کند:

«الَمْ تَرَ الَی الَّذینَ اوُتُوا نَصیبًا مِنَ الْکِتابِ یُدْعَوْنَ الی کِتابِ اللَّهِ لِیَحْکُمَ بَیْنَهُمْ ثُمَّ یَتَوَلّی فَریقٌ مِنْهُمْ وَ هُمْ مُعْرِضُونَ ذلِکَ بِانَّهُمْ قالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ الَّا ایَّامًا مَعْدُوداتٍ وَ غَرَّهُمْ فی دینِهِمْ ما کانُوا یَفْتَرُونَ» «۲»

آیا ندیـدی آن کسانی را که بهره‌ای از کتاب داده شده‌انـد، آن هنگام که به سوی کتاب خـدا خوانـده شونـد تا میانشان حکم کند، گروهی از آنـان به حال اعراض باز می‌گردنـد. این بـدان سبب است که (به پنـدار خود) گفتنـد: «هرگز آتش جز چنـد روزی به ما نخواهد رسید» و افتراها و دروغهایشان این چنین آنان را در دینشان مغرور کرده است.

«وَ قالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ الَّا مَنْ كانَ هُودًا اوْ نَصارى تِلْكَ امانِيُّهُمْ قُلْ هاتُوا بُرْهانَكُمْ انْ كُنْتُمْ صادِقِينَ» «۳»

گفتند: هرگز به بهشت در نیاید جز کسی که یهودی یا نصارا باشد، این آرزوهای واهی ایشان است، بگو اگر راست می‌گویید دلیل خود را بیاورید.

آنان خود را تنها دوستان و اولیای خداوند می‌دانستند «۴» و بلکه گروهی- بنی‌اسرائیل-

---

(۱)- مائده (۵)، آیه ۸۲.

(۲)- آل عمران (۳)، آیات ۲۳- ۲۴.

(۳)- بقره (۲)، آیه ۱۱۱.

(۴)- جمعه (۶۲)، آیه ۶.

جهاد در قرآن، ص: ۶۳

تنها خود را انسانهای شایسته می‌پنداشتند و بقیه انسانها را در رتبه انسانی به حساب نمی‌آوردند.

«وَ مِنْهُمْ مَنْ انْ تَأْمَنْهُ بِدينارٍ لا يُؤَدِّهِ الَيْكَ الَّا مادُمْتَ عَلَيْهِ قائِماً ذلِكَ بِانَّهُمْ قالُوا لَيْسَ عَلَيْنا فِي الْامِّيِّينَ سَبيلٌ وَ يَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ» «۱»

و بعضـی از اهل کتاب را اگر بر دیناری امین گردانی، آن را به تو برنگردانـد مگر اینکه پیوسـته (برای پس گرفتن آن) علیه وی قیام کنی، این خوی از آن روست که گفتند:

«در مورد کسانی که دین آسمانی ندارند. علیه ما راهی نیست» بر خدا دروغ می‌بندند در حالی که خود می‌دانند.

نمونه بارز این گروه از اهل کتاب، یهود بنی‌اسـرائیل- صـهیونیزم امروز- هسـتند که خود را بندگان برگزیده خدا دانسته و برای غیر بنی‌اسرائیل حقوق انسانی قائل نیستند.

این گروه از ابتدای شکل‌گیری تا به امروز مظهر جنایتگری، فساد انگیزی و حق‌کشی بوده‌اند.

---

(۱)- آل عمران (۳) آیه ۷۵.

جهاد در قرآن، ص: ۶۵

فصل سوم دشمن ستیزی

اشاره

قرآن مجیـد ضـمن معرفی دشـمنان و افشای شـدت بغض و کینه آنان، مسـلمانان را نیز به دشـمن ستیزی علیه آنان فرا می‌خوانـد. در مورد بزرگ‌ترین دشمن یعنی شیطان که با کمک نفس و نیروهای نفسانی انسان را گمراه ساخته به بندگی می‌گیرد، می‌فرماید:

«انَّ الشَّيْطانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا» «۱»

به درستی که شیطان دشمن شماست. پس شما (نیز) او را دشمن بگیرید.

در آیات دیگر انسان را از همراهی، پیروی و گوش فرادادن به وسوسه‌های شیطان بر حذر داشته به ستیز دائمی با شیطان و نفس دعوت می کند.

در مورد بزرگ‌ترین دشمن داخلی یعنی منافقان نیز هشدارهای فراوان داده و با افشا کردن توطئه‌ها و برشمردن نشانه‌های منافقان، بصیرت مؤمنان را نسبت به این دشمن خطرناک بالا برده و کینه و نفرت از منافقان را در قلب آنها تشدید می کند.

«هُمُ الْعَدُوُّ فَاْحْذَرْهُمْ قاتَلَهُمُ اللَّهُ» «۲»

آنان دشمنند، خدا بکشدشان! از آنان پرهیز داشته باش.

«جاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنافِقينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ» «۳»

با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت گیر!

---

(۱)- فاطر (۳۵)، آیه ۶.

(۲)- منافقون (۶۳)، آیه ۴.

(۳)- توبه (۹)، آیه ۷۳.

جهاد در قرآن، ص: ۶۶

«وَ لا تُصَلِّ عَلى احَدٍ مِنْهُمْ ماتَ ابَداً وَ لا تَقُمْ عَلى قَبْرِهِ» «۱»

هرگز بر هیچ مرده‌ای از آنان نماز مخوان و بر سر قبرش نایست!

نسبت به مجرمان و مفسدان نیز که بر گناه اصرار دارند و امنیت روحی و روانی جامعه را به خطر انداخته و زمینه‌سازان فساد و تباهی اند، به مؤمنان دستور می‌دهد که آنان را طرد کنند، تنبیه نمایند و با آنان ترشرویی کنند تا آنان از رویه زشت خود دست بردارند. «۲»

و اما نسبت به مشرکان و اهل کتاب ستیزه‌جو که دشمنان سرسخت خارجی هستند نیز دستور جهاد، قتال و ترک رابطه‌های دوستانه داده و بدین صورت روحیه دشمن‌ستیزی را در مؤمنان تقویت نموده است:

«وَ لا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكاتِ حَتَّى يُؤْمِنَّ ... وَ لا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا» «۳»

با زنان مشرک ازدواج نکنید تا زمانی که ایمان بیاورند .... و به مردان مشرک تا ایمان نیاورده‌اند زن ندهید.

«... لا تَتَّخِذُوا عَدُوّى وَ عَدُوَّكُمْ اوْلِياءَ تُلْقُونَ الَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَ قَدْ كَفَرُوا بِما جاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ ...» «۴»

دشمن من و دشمن خودتان را به دوستی نگیرید (به طوری) که با آنان اظهار دوستی کنید و حال آنکه به یقین به حقی که بر شما نازل شده، کافرند.

«لا تَتَّخِذُوا بِطانَةً مِنْ دُونِكُمْ» «۵»

از غیر خودتان همراز مگیرید.

«لَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لا رَسُولِهِ وَ لَا الْمُؤْمِنينَ وَليجَةً» «۶»

(مؤمنان مجاهد) از غیر خدا و رسول و مؤمنان، محرم اسرار نگرفتند.

---

(۱)- توبه (۹)، آیه ۸۴.

(۲)- ر. ک. آیات ۲، ۴، ۲۳ سوره نور و آیات و روایات دیگر.

(۳)- بقره (۲)، آیه ۲۲۱.

(۴)- ممتحنه (۶۰)، آیه ۱.

(۵)- آل عمران (۳)، آیه ۱۱۸.

(۶)- توبه (۹)، آیه ۱۶.

جهاد در قرآن، ص: ۶۷

«یا ایُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ» «۱»

ای مؤمنان مردمی را که خدا بر آنان غضب کرده، به دوستی مگیرید.

«وَ قاتِلُوا فی سَبیلِ اللَّهِ الَّذینَ یُقاتِلُونَکُمْ» «۲»

در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند مبارزه کنید.

«وَ قاتِلُوا الْمُشْرِکینَ کافَّةً کَما یُقاتِلُونَکُمْ کافَّةً» «۳»

همگی با مشرکان مبارزه کنید چنانکه آنان همگی با شما می‌جنگند.

در خاتمه این بحث لازم به تذکر است که تا زمانی که دشـمنی و ستیزه جویی فردی، چه مسلمان و چه غیرمسلمان، محرز نشده و به طور قطعی در زمره یک گروه از دشـمنان قرار نگرفته است، نباید با او سـر ستیز داشت، بلکه باید با مهربانی، احسان و مسالمت با او برخورد کرد و زمینه جذب و اصـلاح او را مهیا ساخت و هر گاه ستیز و طغیان‌گری او قطعی و یقینی شد، باید مطابق با دستور اسلام با او برخورد کرد و روحیه دشمن ستیزی را در برخورد با او بروز داد.

«فَلَمَّا تَبَیَّنَ لَهُ انَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّا مِنْهُ» «۴»

هنگامی که برای ابراهیم (ع) روشن شد که او پدر خوانده‌اش (دشمن خداست، از او بیزاری جست.)

«اذا ضَرَبْتُمْ فی سَبیلِ‌اللَّهِ فَتَبَیَّنُوا» «۵»

هر گاه برای جهاد از خانه خارج می‌شوید، تحقیق و بررسی کنید (تا برایتان کافر بودن طرف مقابل قطعی شود.)

بنابراین باید با مسلمانانی که آگاهانه و علنی به گناه دست می‌یازند و امنیت روحی،

---

(۱)- ممتحنه (۶۰)، آیه ۱۳.

(۲)- بقره (۲)، آیه ۱۹۰.

(۳)- توبه (۹)، آیه ۳۶.

(۴)- همان، آیه ۱۱۴.

(۵)- نساء (۴)، آیه ۹۴.

جهاد در قرآن، ص: ۶۸

روانی و ناموسـی جامعه را به خطر می‌اندازند و زمینه انحراف دیگران را مهیّا می‌نمایند برخورد قهرآمیز مناسب داشت و در صورت اصـرار، به کمک حکومت اسـلامی آنان را تنبیه کرد و زمینه‌های فساد را از بین برد و با دشمنان اسلام اعم از مشرکان و اهل کتاب که بغض و کینه مسلمانان را در دل داشته و از هیچ اقدامی علیه مسلمانان فروگذار نمی‌کنند، ستیز کرد.

ستیز تا کجا؟

تـا اینجـا معلوم شـد که مسـلمانان بایـد مبلّغ آزادی، کرامت، ایمان، اخلاق و انسانیّت باشـند و با کسانی که این ارزشـهای متعالی را نمی‌پذیرند و سدّ راه تبلیغ می‌شوند و مانع رسـیدن پیام حیاتبخش اسلام و پذیرفتن آن توسط تشنگان حقایق می گردند، مبارزه کنند

و باید این مبارزه را تا و رفع موانع ادامه دهند. برای تبیین بیشتر این مطلب نگاهی دوباره به دشمنان ضروری است. منظور از دشمنان در این بحث، دشمنان بیرونی است اعم از داخلی و خارجی. مبارزه با بعضی از دشمنان، مبارزه فرهنگی و منفی است که نمونه بارز آن مبارزه با منافقان است. باید توطئه‌های آنها را افشا کرد؛ آنها را طرد نمود و با هشیار کردن و آگاهی دادن به افراد جامعه منافقان را مأیوس کرد. قتال و جنگ رو در رو و مواجهه با این گروه معمولًا پیش نمی‌آید، چون آنان هیچ‌گاه به طور آشکار و علنی علیه مسلمانان جبهه نمی‌گیرند.

مجرمان و مفسدان نیز باید متناسب با جرمشان تنبیه و مجازات گردند و مجازات اعدام سزاوار کسانی است که امنیت جامعه را به هم زده و در پی فساد جامعه هستند.

از بین دشمنان داخلی، تنها آشوبگران شورشی که علیه حکومت به مبارزه آشکار شمشیر کشیده‌اند، باید تا تسلیم شدن کامل آنها، با آنان جنگید. اما دشمنان خارجی در حقیقت سه گروهند:

۱- مسلمانان تجاوزگر: مبارزه با آنان تا تسلیم شدن کامل آنها و گردن نهادنشان به حکم دین و پذیرش صلح عادلانه و دادگرانه از طرف ایشان ضروری است.

۲- مشرکان: کسانی که به خدای یگانه و پیامبران آسمانی اعتقاد نداشته و دهری یا

جهاد در قرآن، ص: ۶۹

مشرکند، در صورتی که مانع تبلیغ و تبیین اسلام نباشند، باید با جهاد فرهنگی، آنان را به سوی هدایت سوق داد و مبانی فرهنگ شرک را نابود کرد و فرهنگ ناب اسلامی را در جامعه آنان گسترش داد و چنانچه در مقابل تعالیم اسلام و پیام حیاتبخش توحید، راه انکار، عناد و ستیز را در پیش گرفتند، باید با آنان جنگید و تا ریشه کن کردن شرک و چندگانه پرستی مبارزه را ادامه داد.

۳- اهل کتاب ستیزه‌جو: گروهی از اهل کتاب که بر خلاف تعالیم آسمانی و بشارتهای پیامبران پیشین، حاضر نیستند اسلام را به عنوان دین خاتم بپذیرند و برای به شکست کشاندن اسلام به توطئه‌های مختلف دست می‌زنند و سدّ راه پیشرفت اسلام می‌گردند و برای ریشه‌کن کردن اسلام شمشیر می‌کشند؛ مبارزه با آنان نیز تا تسلیم شدن و پذیرفتن حاکمیت اسلام ادامه دارد و در صورتی که تسلیم گردند، در امان بوده می‌توانند بر دیانت خویش باقی بمانند و آزادانه مراسم دینی و عبادی خویش را به جا آورند.

جهاد تا حاکمیت کامل اسلام و محو کامل شرک

از آنچه تا به حال گذشت معلوم می‌شود که «توحید» اقتضای فطرت انسانی است و شرک نیز حاکمیت جهل، خرافه و خود خواهی است و حکم دفاع از فطرتِ توحیدی و مبارزه علیه شرک، حکمی فطری است که اسلام بر آن تأکید ورزیده است و قتال و دفاع در اسلام یا برای مبارزه با ظلم است و یا برای دفاع از فطرت توحیدی.

از طرف دیگر، اسلام دینی است که تمام معارف و احکام آن مطابق فطرت است و در تمام دستورهایش فطرت لحاظ شده و همه احکام و مقرراتش برای دفاع از آن و اعتلای آن است؛ همچنان که دیگر ادیان آسمانی در همین راستا و برای تحقق همین هدف تلاش نموده‌اند و بین ادیان آسمانی هیچ گونه منافات و تضادی وجود ندارد. «۱»

متأسفانه کتب آسمانی پیشین، از بین رفته و دستخوش جعل و تحریف گشته‌اند و

---

(۱)- البته بعضی از احکام در ادیان گوناگون به اقتضای شرایط زمانی وضع شده‌اند و در شرایط دیگر به طور طبیعی احکام دیگر لازم بوده و اختلاف شرایع یعنی همین اختلاف احکام، که لازمه رعایت اقتضای زمان است.

جهاد در قرآن، ص: ۷۰

بسیاری از مطالب و برداشتهای بشری در قالب مقدّس دین ریخته شده و به جامعه بشری ارائه گردیده است. کتاب مقدّس تورات و انجیل که امروز در دست بشر است، به اعتراف معتقدان و عالمان خود این ادیان، دست نوشته بشر است و اصل این دو کتاب در گذر زمان و در اثر حوادث ناگوار از بین رفته است. با توجه به این که قسمتهایی از این دو کتاب، غیر آسمانی و از جانب غیر خداست، پس تعبّد در برابر کل این کتابها، یعنی تعبّد در برابر خدا و غیر خدا، یعنی شرک و چندگانه پرستی.

از طرف دیگر، کتاب‌های آسمانی تورات و انجیل حاوی بشارت ظهور رسول خاتم صلی الله علیه و آله بود و اهل کتاب در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله این بشارتها را می‌دیدند و به تطبیق آن بر رسول خدا صلی الله علیه و آله متوجه بودند ولی در برابر هوای نفس خود تسلیم شده پیامبر موعود تورات و انجیل (حضرت محمد صلی الله علیه و آله) را انکار کردند و بدین صورت شرک عملی خویش را آشکار کردند، از این رو قرآن، اهل کتاب را مشرک می‌داند گر چه عنوان «مشرک» را برای آنان به کار نبرده است، در سوره نساء می‌فرماید:

«یا ایُّهَا الَّذینَ اوتُوا الْکِتابَ امِنُوا بِما نَزَّلْنا مُصَدِّقًا لِما مَعَکُمْ ... انَّ اللَّهَ لا یَغْفِرُ انْ یُشْرَکَ بِهِ» «۱»

ای کسانی که کتاب داده شده‌اید، بدانچه تصدیق کننده کتاب شماست ایمان آورید.

بدانید همانا خداوند از این که به او شرک ورزیده شود چشم‌پوشی و گذشت نمی‌کند.

بنابراین آیات، ایمان نیاوردن به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و قرآن که مصدّق موسی و عیسی علیهما السلام و تورات و انجیل است، برابر با پیروی از نفس و خدا گرفتن نفس در کنار خدای جهان و شریک قرار دادن برای او «جلّ و علا» می‌باشد؛ واین شرکی است پنهان در زیر لفّافه توحید و یکتاپرستی، در مقابل شرک مشرکان که واضح و آشکار است.

کسانی که آگاهانه و به عمد به خدا شرک می‌ورزند و در برابر پیامبران الهی و کتاب‌های آسمانی تسلیم نمی‌شوند، اینان فطرت خویش را کشته و علیه فطرت انسانی قیام کرده‌اند و ویروس خطرناک برای جامعه انسانی‌اند که باید نابود شوند. با توجه به

---

(۱)- نساء (۴)، آیات ۴۷- ۴۸.

جهاد در قرآن، ص: ۷۱

این مطلب است که محققان از علمای اسلام، معتقدند که اسلام همچنان که ریشه کن کردن شرک آشکار را هدف خود قرار داده، مبارزه با شرک پنهان تا از بن برکندن آن را نیز هدف قرار داده و جنگ با کفّار تا ریشه کن شدن هر نوع شرک و حاکمیت یافتن توحید کامل نیز وضع شده است. این عالمان به آیاتی از قرآن که وعده حاکمیت توحید مطلق و ریشه‌کن شدن مطلق شرک را داده، «۱» استناد می‌کنند و عمل به این حکم را در زمان ظهور امام غایب علیه السلام می‌دانند. آن امام بزرگوار (عجل اللَّه تعالی فرجه الشریف) وقتی ظهور کند به کمک یاران مخلص و فداکارش و از راه جدال نیکو و تبلیغ، معارف اسلامی را در جوامع انسانی تبیین می‌کند و با معاندان و سرکشان مجاهده و مبارزه می‌نماید و آنها را سرکوب می‌کند و توحید کامل را در سراسر جهان حاکم می‌گرداند. «۲»

«وَعَدَاللَّهُ الَّذینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْارْضِ کَما اسْتَخْلَفَ الَّذینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ وَ لَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ امْنًا یَعْبُدُونَنی لا یُشْرِکُونَ بی شَیْئاً» «۳»

خداوند به مؤمنان نیکوکار از شما وعده داده که حتماً آنان را در زمین جانشین قرار دهد؛ همان طور که گذشتگان را قرار داد و دینی را که برایشان پسندیده، در زمین مستقر گرداند و خوف و هراسشان را به امنیت مبدل کند تا مرا بپرستند و چیزی را شریک من قرار ندهند.

ممکن است کسی این اقدام را خلاف آزادی عقیده بداند که نسبت به ردّ این توهم توضیح زیر لازم است:

اول اینکه اعتقاد امری قلبی و مخفی است و اسلام هم تفتیش عقاید را ممنوع شمرده و نیز اعلام نموده که شما قدرت تحمیل امری را بر قلبها ندارید و قلبها از حیطه قدرت شما خارج بوده و فقط تحت تسلّط خداوند است. «۴» خداوند هم ایمان اجباری را

---

(۱)- صف (۶۱)، آیه ۹؛ انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۵؛ نور (۲۴)، آیه ۵۵.

(۲)- ر. ک. المیزان، ج ۲، ص ۶۶- ۶۷.

(۳)- نور (۲۴)، آیه ۵۵.

(۴)- ر. ک. المیزان، ج ۲، ص ۳۴۳.

جهاد در قرآن، ص: ۷۲

نخواسته و گرنه می‌توانست همه قلبها را در برابر خویش خاضع و خاشع گرداند. «۱»

دوم اینکه بنای اسلام و امام اسلام یعنی حضرت حجت (عج) بر شکوفا ساختن فطرت توحیدی انسان‌ها است. وقتی پیامبر در سال نهم هجری، بعد از ۲۲ سال تبلیغ، مأمور به اعلام جنگ با مشرکان جهت نابودی آنها یا پذیرش اسلام از سویشان شد موظف گردید که باز هم چهار ماه به آنان مهلت دهد تا در روش جاهلانه، استکباری و معاندانه خویش تجدید نظر کنند و به ندای فطرت خویش پاسخ گویند و بعد از اتمام مدت تعیین شده نیز اگر کسی از مشرکان امان می‌طلبید تا پیام اسلام را بشنود و در موضع خود نسبت به آن تجدید نظر کند، باز هم مسلمانان موظف بودند به وی امان بدهند و کلام خود را به وی تفهیم نمایند و او را به محل امن خود باز گردانند تا دور از جوّ رعب و وحشت و در محیطی امن و آزاد تصمیم بگیرد.

«بَراءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ الَی الَّذینَ عاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِکینَ فَسیحُوا فِی الْأَرْضِ ارْبَعَةَ اشْهُرٍ وَ اعْلَمُوا انَّکُمْ غَیْرُ مُعْجِزِی اللَّهِ ... وَ انْ احَدٌ مِنَ الْمُشْرِکینَ اسْتَجارَکَ فَاجِرْهُ حَتَّی یَسْمَعَ کَلامَ اللَّهِ ثُمَّ ابْلِغْهُ مَأْمَنَهُ» «۲»

(این آیات) اعلام بیزاری است از طرف خدا و پیامبرش نسبت به مشرکانی که با آنها پیمان بسته‌اید. پس (ای مشرکان) چهار ماه در زمین بگردید و بدانید که شما نمی‌توانید خدا را به ستوه آورید ... و اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست پس پناهش ده تا کلام خدا را بشنود و سپس او را به مکان امنش برسان.

بنابراین اسلام نه تحمیل عقیده را ممکن می‌داند و نه خود در صدد آن است، بلکه سعی دارد از همه راه‌های ممکن، پیام حیات‌بخش خود را به گوش جان و فطرت انسان‌ها برساند. طبیعی است که همیشه گروه اندکی هستند که فطرت انسانی خویش را کشته و مغلوب نموده و حیوان‌های درّنده خویی شده‌اند که وجود شان برای جامعه خطرناک است. آنان گمراهان و گمراه کنندگانی هستند که چشم و گوش دیدن و شنیدنِ

---

(۱)- شعراء (۲۶)، آیه ۴.

(۲)- توبه (۹)، آیات ۱- ۶.

جهاد در قرآن، ص: ۷۳

حق را ندارند و جز با نابود کردن آنها نمی‌توان جامعه را از شرشان در امان نگاه داشت.

سوم اینکه انسان‌ها غالباً حقجو و هدایت طلبند. اگر موانع هدایت را رفع کنیم و پیام حق را با بیان رسا به گوش آنان برسانیم و شبهه‌هایشان را به خوبی برطرف کنیم، فطرت آنان شکوفا شده و حجابها را کنار زده به وادی ایمان قدم خواهند نهاد. امام زمان (عج) هم از امکانات تبلیغی فراوانی برای تحقق این هدف کمک خواهد جست و با ارائه اصل کتاب‌های آسمانی و آشکار کردن تحریف‌ها و بدعت‌ها و با کمک حضرت مسیح علیه السلام، پیروان ادیان دیگر، به خصوص مسیحیت را که اکثریت دارند، به

اسلام جذب خواهد کرد. روایات فراوانی به این مطلب نظر دارند از جمله:

رسول خدا (ص) می‌فرماید: هنگام طلوع فجر، عیسی بن مریم (ع) (بر امام مهدی (عج) و یارانش) نازل می‌شود و در دستش حربه‌ای است، صلیب را می‌شکند، خوک را می‌کشد، دجال را هلاک می‌گرداند و ... «۱»

در روایت دیگری آمده که امام علیه السلام «تابوت سکینه» را که حاوی میراث خاندان موسی و هارون علیهما السلام است و برای یهودیان اطمینان آور می‌باشد «۲» از دریاچه طبریّه بیرون می‌آورد و یهودیان با دیدن آن تابوت آرامش می‌یابند و به حقانیت اسلام و امام زمان (عج) ایمان می‌آورند. «۳»

بنابر روایت دیگری آن بزرگوار تابوت سکینه را از غاری در انطاکیه و اسفار تورات را از کوهی در شام بیرون می‌آورد و به یهود عرضه می‌دارد و کثیری از یهود با دیدن آنها ایمان می‌آورند. «۴»

امام کاظم علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «هر کس در آسمان‌ها و زمین است، خواه ناخواه تسلیم او می‌شود» «۵» فرمود:

---

(۱)- المهدی الموعود المنتظر، ج ۲، ص ۲۲۰.

(۲)- بقره (۲)، آیه ۲۴۸.

(۳)- المهدی، آیت الله صدر، ص ۳۰۶.

(۴)- همان

(۵)- آل‌عمران (۳)، آیه ۸۳.

جهاد در قرآن، ص: ۷۴

آیه یاد شده در شأن قائم ما نازل گردیده است. چون ایشان ظهور کند اسلام را بر یهودیان، مسیحیان، ستاره‌پرستان، بی‌دینان، مرتدان و کافران در شرق و غرب جهان عرضه می‌نماید. هر کس از روی تمایل و داوطلبانه اسلام را بپذیرد، او را به نماز، زکات و انجام دستوراتی که بر هر فرد مسلمان لازم است، مکلّف می‌سازد و هر کس تن به پذیرش آیین اسلام ندهد، گردنش را می‌زند؛ به طوری که در سراسر جهان جز موحد و یکتاپرست کسی باقی نمی‌ماند. «۱»

البته طبیعی است که معرّفی کامل اسلام و تبیین آن برای اهل کتاب در سراسر دنیا مدتی به طول می‌انجامد، در این مدت اهل کتابی که در حوزه حکومت امام علیه السلام زندگی می‌کنند، به دیانت خود عمل کرده و جزیه می‌دهند و ظاهراً روایاتی که دلالت بر وجود اهل کتاب در آن زمان دارد، ناظر به ابتدای حکومت امام علیه السلام است.

بعضی از بزرگان از آیات ۵۵ آل عمران و ۱۴ و ۶۴ مائده برداشت کرده‌اند که دین یهود و نصارا تا قیامت دوام دارد؛ از این رو، بین روایات دسته اول و روایات اخیر (که حاکی از نابودی یهود و نصارای منحرف است) تنافی دیده و فرموده‌اند:

چنان که ملاحظه فرمودید، احادیث دو دسته‌اند: دسته‌ای موافق قرآن (و حاکی از وجود جزیه دادن اهل کتاب در زمان حضرت ولی عصر (عج)) و دسته‌ای مخالف قرآن (و حاکی از اضمحلال یهود و نصارا در آخرالزمان و حاکمیت مطلق اسلام) لیکن بر اهل نظر پوشیده نیست که احادیث موافق قرآن بر احادیث مخالف مقدّم هستند و آنها را از اعتبار ساقط می‌کنند.

بعد ادامه می‌دهد:

بنابراین یهود و نصارا در عصر دولت مهدی (عج) باقی خواهند ماند، لیکن از عقیده تثلیث و شرک دست بر می‌دارند و خدا پرست می‌شوند. «۲»

---

(۱)- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳.

(۲)- دادگستر جهان، ابراهیم امینی، ص ۳۹۴- ۳۹۵.

جهاد در قرآن، ص: ۷۵

حقیقت دین یهود و دین نصارا، جدای از تحریف‌ها، چیزی جز اسلام نیست و اینانی که امروز به عنوان یهودی «عُزیر» را پسر خدا می‌دانند و یا به عنوان نصارا قائل به تثلیث و الوهیت مسیح‌اند در حقیقت یهودی و مسیحی نیستند. در آخر الزمان، امام عصر (عج) تورات و انجیل واقعی را بر بشر عرضه می‌کند و با ارائه تابوت سکینه و با کمک گرفتن از حضرت مسیح علیه السلام یهودیان و مسیحیان را بر یهودیت و مسیحیت اصیل که جز اسلام نیست و اسلام مؤیّد و مصدّق آنها و آنها هم مصدّق و مبشّر اسلام هستند، راهنمایی می‌کند و یهودیان و مسیحیان صادق و حق طلب با آگاه شدن نسبت به جعل و تحریف‌ها، تسلیم امام زمان می‌شوند. اینانند پیروان واقعی حضرت عیسی علیه السلام که در آیه ۵۵ سوره مائده وعده پیروزی بدانان داده شده است و عدّه معدودی هم که حاضر به تسلیم حق نیستند، از دم تیغ گذرانده می‌شوند و جهان از لوث شرک آشکار و پنهان پاک می‌گردد و خداوند به یگانگی پرستش می‌شود.

جهاد در قرآن، ص: ۷۷

فصل چهارم ویژگی‌های مجاهدان

اشاره

رزمنده مسلمان از دیدگاه قرآن، واجد ویژگی‌هایی است که او را از دیگران ممتاز می‌گرداند. در این فصل، این ویژگی‌ها را در سه بخش، ویژگی‌های عمومی، فرماندهان و فرمانبران بررسی می‌کنیم.

ویژگی‌های عمومی

قرآن مجید به رزمندگانی که با جان و مال با دشمنان حق نبرد می‌کنند و آنان را می‌کشند و یا در این راه به شهادت می‌رسند، بشارت داده که خداوند خریدار جان و مال آنان است و به بهای آن، بهشت جاودان را می‌دهد. «۱» از امام صادق علیه السلام سؤال شد که آیا این وعده قرآن یک وعده عمومی است و هر رزمنده‌ای را شامل می‌شود یا وعده‌ای است برای رزمندگانی با ویژگی‌های مشخص؟ امام علیه السلام در پاسخ فرمود:

وقتی این آیه نازل شد، عده‌ای از اصحاب پیامبر (ص) همین سؤال را از آن حضرت کردند و ایشان جوابی به آنان نداد تا اینکه خداوند به دنبال آن، این آیه شریفه را نازل فرمود:

«التَّائِبُونَ الْعابِدُونَ الْحامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْحافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» «۲»

---

(۱)- توبه (۹)، آیه ۱۱۱.

(۲)- توبه (۹)، آیه ۱۱۲؛ توبه کنندگان، عبادت کاران، سپاسگویان، سیاحت کنندگان، رکوع کنندگان، سجده آوران، آمران به معروف، نهی کنندگان از منکر، و حافظان حدود (و مرزهای) الهی، (که مؤمنان حقیقی‌اند)، بشارت ده به (اینچنین) مؤمنان.

جهاد در قرآن، ص: ۷۸

خداوند (با این آیه) صفات مؤمنانی را که جان و مالشان را (در قبال بهشت) خریدار است، آشکار ساخت. پس هر کس طالب

بهشت است، باید (با اتصاف) به این شرایط در راه خدا جهاد کند و گرنه از جمله کسانی خواهد بود که پیامبر (ص) در حق آنان فرمود: «خداوند این دین را به وسیله کسانی یاری می‌کند که خود، هیچ بهره‌ای از کوشش خویش ندارند.» «۱»

اینک با توجه به آیه مزبور و آیاتی از این قبیل به توضیح مختصر ویژگی‌های عمومی مجاهدان مسلمان می‌پردازیم:

۱- توبه: بازگشت به پیشگاه حق تعالی از هر چه غیر خدایی است؛ و طلب آمرزش پی در پی برای لغزشها، خطاها و ندانم‌کاری‌ها و سعی و کوشش در جبران وظایفی که از او فوت شده است.

۲- عبادت: تنها خداوند را معبود گرفتن و با همه وجود به عبادت و بندگی او روآوردن و اطاعت محض از خدا و سر بر تافتن از غیر خدا.

۳- ستایش خدا: خداوند را با اسمای حسنی و اوصاف جمیلش خواندن و ستودن.

۴- آمد و شد به مساجد: رفتن به عبادتگاه‌ها و پرستش نمودن خداوند در آنها.

۵- خضوع و رکوع: در برابر اوامر الهی خاضع بودن و سر تسلیم فرود آوردن.

۶- سجده و اظهار ذلّت: در پیشگاه حق پیشانی بندگی را بر خاک ساییدن و اظهار خاکساری کردن.

۷- امر به معروف: ایجاد زمینه و ترویج خوبی‌ها و آگاه نمودن بندگان ناآگاه خدا.

۸- نهی از منکر: از بین بردن زمینه و ریشه کن کردن بدی‌ها و باز داشتن از آنها.

۹- حفظ حدود الهی: جلوگیری از تعدی و تجاوز به حریم حق.

علّامه طباطبایی (ره) شش ویژگی اول را خصوصیات فردی مجاهدان و دو ویژگی امر به معروف و نهی از منکر را خصوصیت جمعی آنان و حفاظت از حدود الهی را مشترکاً مربوط به خصوصیات فردی و جمعی مجاهدان می‌داند؛ یعنی هم در مورد

---

(۱)- مستدرک الوسایل، ج ۱۱، ص ۱۵.

جهاد در قرآن، ص: ۷۹

خویش و هم در مورد اجتماع توجه دارند که حدود الهی رعایت گردد. «۱»

۱۰- توکل و تضرّع: مجاهدان مسلمان برای رضای خدا و ریشه‌کن کردن ظلم و شرک می‌جنگند و در این نبرد تنها تکیه‌گاهشان خداست و به نصرت و یاری خدا باور دارند و معتقدند که خداوند از آنجا که مولای مؤمنان است، از یاوران دین خود دفاع می‌کند. «۲» به همین جهت مجاهدان، بر خداوند توکل می‌کنند «۳» و با توجه به همین اعتقاد، در تمامی صحنه‌های زندگی و از جمله در میدان‌های نبرد، خاضعانه و متواضعانه به خدا متوسل شده، قوت، قدرت، نصرت و غلبه را از او می‌خواهند:

«رَبَّنا افْرِغْ عَلَیْنا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ اقْدامَنا وَ انْصُرْنا عَلَی الْقَوْمِ الْکافِرینَ» «۴»

پروردگارا! پیمانه شکیبایی و استقامت را بر ما بریز و قدمهای ما را ثابت بدار و ما را بر جمعیت کافران، پیروز گردان!

۱۱- ترجیح آخرت بر دنیا: از دیگر ویژگی‌های رزمندگان اسلام، برگزیدن آخرت بر دنیاست. قرآن مجید در این‌باره می‌فرماید:

«فَلْیُقاتِلْ فی سَبیلِ اللَّهِ الَّذینَ یَشْرُونَ الْحَیوةَ الدُّنْیا بِالْاخِرَةِ ...» «۵»

کسانی که زندگی دنیا را به آخرت فروخته‌اند، باید در راه خدا پیکار کنند!

این آیه شریفه دلالت دارد بر اینکه تا زمانی که انسان در انتخاب دنیا و آخرت، سرای دنیا را برگزیند و به دنیا و آنچه در او هست تعلق داشته باشد، نمی‌تواند در جرگه مجاهدان راه خدا قرار گیرد. البته روشن است که مراد از این سخن، دل کندن از دنیاست، نه ترک ظاهری آن و ترک استفاده از وسایل مورد نیاز زندگی.

۱۲- تحمل سختی‌های مبارزه: از ویژگی‌های بارز مجاهدان، تحمل و بردباری

(۱)- با استفاده از المیزان، ج ۹، ص ۳۹۶.

(۲)- حج (۲۲)، آیه ۳۸.

(۳)- ر. ک. آل‌عمران (۳)، آیه ۱۶۰.

(۴)- بقره (۲)، آیه ۲۵۰.

(۵)- نساء (۴)، آیه ۷۴.

جهاد در قرآن، ص: ۸۰

سرشار آنان در قبال سختی‌های جهاد است. در قرآن به تفصیل آمده است که طالوت برای امتحان نیروهایش به منظور تحمل سختی‌ها چنین اعلام داشت:

«... انَّ اللَّهَ مُبْتَلیکُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَیْسَ مِنّی وَ مَنْ لَمْ یَطْعَمْهُ فَانَّهُ مِنّی الَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِیَدِهِ» «۱»

خداوند، شما را به وسیله یک نهرِ آب، آزمایش می‌کند؛ آنها (که به هنگام تشنگی) از آن بنوشند، از من نیستند؛ و آنها که از آن نخورند، از من هستند؛ مگر کسی که تنها کف دستی بردارد.

طالوت مطرح می‌کند که شما در مسیر جهاد به یک رود برخورد می‌کنید؛ گر چه سختی راه و سنگینی سلاح و گرمی آفتاب شما را سخت تشنه می‌کند، ولی باید مقاومت کنید. هر کس مقاومت نورزد و از آن بنوشد، تا سیراب شود، نمی‌تواند به عنوان یک مجاهد مطرح باشد و هر کس طعم آن آب را نچشد، این مجاهد واقعی و از یاوران من است؛ و اما طایفه سومی که نمی‌نوشند، بلکه با برداشتن کفی از آن آب، شدت تشنگی خود را از بین می‌برند، این‌ها گر چه مجاهد واقعی محسوب نمی‌شوند، اما مردود هم نیستند. «۲»

مجاهدان صدر اسلام نیز به شهادت تاریخ، صبر و تحمل ورزیده در بسیاری از موارد دشواری‌های نبرد را بر خود هموار می‌ساختند. یکی از بارزترین این گونه تحمّل‌ها، در جنگ تبوک بود. زمان حرکت به سوی جبهه در این جنگ، فصل تابستان و شدت گرما بود و مسلمانان امکانات و تجهیزات کافی در اختیار نداشتند و بنا بر روایات، تعداد دشمن بسیار زیاد و قدرت و شوکت آنان فراوان بود. راه نیز بسیار طولانی و بیابان‌های وسیع و بدون آب و آبادی نیز زیاد بود ... با این وجود، مؤمنان مجاهد از انصار و مهاجر به فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله بسیج شدند و با تحمّل سخت‌ترین شرایط به سوی دشمن حرکت کردند. به همین سبب خداوند متعال رحمت خود را مشمول آنان گردانید و درباره ایشان فرمود:

(۱)- بقره (۲)، آیه ۲۴۹.

(۲)- با استفاده از المیزان، ج ۲، ص ۲۹۲.

جهاد در قرآن، ص: ۸۱

«لَقَدْ تابَ اللَّهُ عَلَی النَّبِیِّ وَ الْمُهاجِرینَ وَ الْانْصارِ الَّذینَ اتَّبَعُوهُ فی ساعَةِ الْعُسْرَةِ ...» «۱»

بدون شک، خداوند رحمت خود را شامل حال پیامبر و مهاجران و انصار نمود، که در زمان عسرت و شدت (در جنگ تبوک) از او پیروی کردند.

۱۳- شجاعت: از ویژگی‌های بارز رزمندگان اسلام، شجاعت کم نظیر یا بی‌نظیر آنان است. آنان صفات زشت بیم و هراس، تردید و دودلی، دلهره و اضطراب و سردرگمی و بی‌هدفی را از وجود خود دور کرده و به اطمینان، آرامش، پایداری و وقار و در یک کلمه به صلابت و شجاعت رسیده‌اند. آنها خدا را تنها منبع قدرت می‌دانند و به قدرت لایزال او تکیه دارند؛ از این رو به نیرو و

قدرتی زاید الوصف رسیده‌اند.

۱۴- تواضع در برابر مؤمنان و سرسختی در برابر کافران: مجاهدان در برابر یکدیگر متواضع و نرمخو هستند و در برابر کافران سخت و استوارند. قرآن مجید در این باره می‌فرماید:

«... اذِلَّةٍ عَلَی الْمُؤْمِنینَ اعِزَّةٍ عَلَی الْکافِرینَ یُجاهِدُونَ فی سَبیلِ اللَّهِ ...» «۲»

در برابر مؤمنان، متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند، آنها در راه خدا جهاد می کنند.

این ویژگی همان ویژگی پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و یاران اوست که قرآن در توصیف آنان فرموده است:

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذینَ مَعَهُ اشِدَّاءُ عَلَی الْکُفَّارِ رُحَماءُ بَیْنَهُمْ ...» «۳»

محمد (ص) فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند.

---

(۱)- توبه (۹)، آیه ۱۱۷.

(۲)- مائده (۵)، آیه ۵۴.

(۳)- فتح (۴۸)، آیه ۲۹.

جهاد در قرآن، ص: ۸۲

مؤمنان بایددر برابر یکدیگر با گذشت رفتار کنند؛ امّا در برابر دشـمنان باید به گونه‌ای رفتار کنند که نه تنها دشمنان نتوانند در آنها طمع کننـد و از اخلاق نیکویشان سوء استفاده نمایند، بلکه حتی خشونتی در آنان ببینند که دشـمنان را به ترس و هراس وادارد و به تعبیر آیه شریفه:

«وَلْیَجِدُوا فیکُمْ غِلْظَةً» «۱»

آنها باید در شما شدّت و خشونت احساس کنند.

برخورد و راه رفتن متکبرانه که در برخورد بـا مؤمنـان جـایز نیست، در مواقع رویارویی با دشـمنان جایز شـمرده شـده است؛ چنانکه وقتی یکی از سرداران اسلام به نام ابودجانه در برابر دشـمن، متکبرانه قـدم می‌زد، پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند چنین راه رفتنی را دشمن می‌دارد، مگر در این موقعیت.» «۲»

ویژگی‌های فرماندهان

اشاره

فرماندهان نظامی لشکر اسلام نه تنها باید در ویژگی‌های عمومی ذکر شده از دیگران برتر باشند، که حتی باید ویژگی‌های دیگری نیز داشته باشند، از جمله:

۱- دانش و توان کافی: به عهده گرفتن فرماندهی از دیدگاه رزمندگان اسلام، یک وظیفه است، نه یک مقام و منصب؛ و فرماندهی به کسـی پیشـنهاد می‌شود که علم، تدبیر و توان لازم برای تحمّل این مسؤولیت مهم را داشته باشد. البته برای هر مرحله از فرماندهی علم و تـدبیر متنـاسب بـا آن مرحله لاـزم است. ولی در هر حـال این یک ضابطه کلی است. وقتی پیامبر بنی‌اسـرائیل، طالوت را برای فرماندهی تعیین کرد، گروهی ظاهربین و سست ایمان، صلاحیت طالوت را به خاطر نداشتن مال و مکنت زیر سؤال بردند. پیامبرشان در جواب فرمود:

---

(۱)- توبه (۹)، آیه ۱۲۳.

(۲)- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۹.

جهاد در قرآن، ص: ۸۳

«انَّ اللَّهَ اصْطَفاهُ عَلَیْکُمْ وَ زادَهُ بَسْطَةً فِی الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ» «۱»

خدا او را بر شما برگزیده و دانش و توان بدنی او را وسعت بخشیده است.

این بسط علمی و جسمی همان توان جسمی و تدبیر نظامی است که باید به عنوان یک ویژگی در فرماندهان سپاه توحید وجود داشته باشد.

۲- پیشگامی در میدان: فرمانده مسلمان در تحمل سختی‌ها و مشکلات میدان نبرد پیشگام است. قرآن مجید شخص پیامبر را موظف می‌کند که اگر موقعیتی پیش آمد، حتی یک تنه با دشمن بجنگد و دیگران را به این اقدام خداپسندانه تشویق و ترغیب نماید:

«فَقاتِلْ فی سَبیلِ اللَّهِ لا تُکَلَّفُ الَّا نَفْسَکَ وَ حَرِّضِ الْمُؤْمِنینَ» «۲»

در راه خدا پیکار کن! تنها مسؤول وظیفه خود هستی! و مؤمنان را (بر این کار) تشویق کن.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

وقتی میدان نبرد گرم و شدید می‌شد و دو گروه با هم درمی آویختند، ما به رسول خدا (ص) پناه می‌بردیم و ایشان سپر ما بود و هیچ کس از ما به دشمن نزدیک‌تر از ایشان نبود. «۳»

فرماندهان شجاع جبهه اسلام نیز این ویژگی را از پیامبر خویش به ارث برده خود پیشاپیش دیگر رزمندگان به استقبال خطر می‌روند و سینه را در مقابل تیرهای دشمن سپر می‌کنند.

۳- رحمت و عطوفت: عطوفت، رحمت و محبت به زیردستان، ویژگی لازم فرماندهی است. در جبهه اسلام این ویژگی نیز در فرماندهان بروز و ظهور دارد. فرمانده با داشتن این ویژگی در بین زیر دستان، محبوب است و آنان با میل و رغبت، دستورهایش را اجرا می‌کنند. خداوند در ادامه آیات مربوط به جهاد به پیامبرش

---

(۱)- بقره (۲)، آیه ۲۴۷.

(۲)- نساء (۴)، آیه ۸۴.

(۳)- بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۲.

جهاد در قرآن، ص: ۸۴

می‌فرماید:

«فَبِما رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ کُنْتَ فَظًّا غَلیظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِکَ ...» «۱»

به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان (/ مردم) نرم (و مهربان) شدی؛ و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند.

۴- عفو و گذشت: افراد زیر دست ممکن است در اثر جهالت یا غفلت، مرتکب خطایی شوند؛ گر چه تذکر، توبیخ و تنبیه لازم است ولی ویژگی عفو و گذشت از ضروریات فرماندهی است.

یک رزمنده شجاع را نباید به خاطر یک تخلّف یا تخطّی از خود راند و طرد نمود، بلکه باید بعد از تذکر لازم، چشم‌پوشی نمود و به او میدان داد که توانایی‌هایش را به ظهور برساند. قرآن مجید به پیامبرش می‌فرماید:

«فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شاوِرْهُمْ فِی الْامْرِ» «۲»

پس آنها را ببخش و برای آنها آمرزش بطلب و در کارها با آنان مشورت کن!

این آیه ناظر به تخلّف رزمندگان اسلام در جنگ احد است. خداوند به پیامبرش به عنوان فرمانده نظامی خطاب می کند که از خطای آنان درگذر و برایشان طلب آمرزش کن و با مشورت طلبی از آنان، به آنها بها بده و از توانایی‌شان بهره گیر!

فرمانده با طرف شور قرار دادن زیردستان، به خصوص بعد از عفو و گذشت از خطایشان، آنان را به فداکاری، مقاومت و جانبازی تشویق کرده و در پیروزیها و شکست سهیم نموده و احساس تعهّد و مسؤولیتشان را زیادتر می کند.

۵- قدرت تصمیم گیری: عزم و اراده تصمیم گیری به ویژه در میدان نبرد، باید به عهده فرمانده باشد.

---

(۱)- آل عمران (۳)، آیه ۱۵۹.

(۲)- همان.

جهاد در قرآن، ص: ۸۵

«فَاذا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» «۱»

امّا هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش و) بر خدا توکل کن!

بنابراین، فرمانده باید از قدرت و توان تصمیم‌گیری بالایی برخوردار باشد تا در مواقع لازم، به خصوص در شرایط حساس و بحرانی، بهترین تصمیم را بگیرد، نه اینکه تردید و دو دلی باعث از دست رفتن فرصت و موقعیت مناسب شود.

ویژگی‌های فرمانده از نگاه حضرت علی (ع)

در عهدنامه حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر شرایطی برای فرمانده مشخص شده است که عبارتند از:

الف- فرمانده باید نسبت به خدا، پیامبر و امام، از همه خیرخواه تر باشد.

ب- قلبش پاکتر و سینه‌اش صافتر از همه باشد.

ج- بردبارتر از همه باشد.

د- دیر خشم باشد.

ه- نسبت به ضعیفان رئوف باشد.

و- نسبت به زورمندان (و طغیانگران) سختگیر و گردن فراز باشد.

ز- حوادث سخت و مشکل او را متزلزل نسازد.

ح- ضعف (نیرو و پشتیبانی) او را به زانو در نیاورد. «۲»

اینها از مهمترین ویژگی‌های لازم برای فرماندهان سپاه اسلام است و در طول تاریخ اسلام، فرماندهانی وجود داشته‌اند که واجد این صفات متعالی بوده‌اند. از جمله در دوران دفاع مقدس هشت ساله کشور نیز شاهد فرماندهان گرانقدری بودیم که ویژگی‌های مزبور در آنان نمود فراوانی داشت.

---

(۱)- آل عمران (۳)، آیه ۱۵۹.

(۲)- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

جهاد در قرآن، ص: ۸۶

ویژگی‌های فرمانبران

رزمندگان تحت امر فرماندهان- علاوه بر دارابودن ویژگی‌های عمومی- وظایفی نیز نسبت به فرماندهان خود بر عهده دارند که ایفای آن وظایف مستلزم داشتن ویژگی‌های خاصی است. در این جا به تعدادی از آن ویژگی‌ها اشاره می کنیم:

۱- اطاعت و فرمانبری: از آن جا که در جبهه اسلام، فرماندهی کل در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله یا امام معصوم علیه السلام یا نائبان خاص یا عام ایشان می‌باشد، همه نیروهای تحت امر، اطاعت و فرمانبری از فرمانده را وظیفه شرعی خود دانسته و بدین سبب هیچ گونه کوتاهی روا نمی‌دارند. اینان اطاعت از فرماندهان را عبادت محسوب می کنند و به همین دلیل در فرمانبری بیشتر از هم سبقت می گیرند.

قرآن مجید، اطاعت از فرماندهی را از خصوصیات مؤمنان واقعی دانسته می‌فرماید:

«انَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذینَ امَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ اذا کانُوا مَعَهُ عَلی امْرٍ جامِعٍ لَمْ یَذْهَبُوا حَتَّی یَسْتَأْذِنُوهُ ...» «۱»

مؤمنان واقعی کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند و هنگامی که در کار مهّمی با او باشند، بی اجازه او جایی نمی‌روند.

این آیه شریفه درباره جنگ نازل شده و منظور از «امر جامع» نیز جبهه و جنگ است. «۲» مؤمنان خالص در صدر اسلام به این ویژگی آراسته شده و اطاعت بی قید و شرط خود را نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله ابراز می کردند. سعد بن معاذ پس از نظرخواهی پیامبر صلی الله علیه و آله از اصحاب در مورد رویارویی با کفار در جنگ بدر، عرضه داشت: «ای پیامبر خدا، قسم به خدایی که تو را مبعوث نموده است، اگر به دریا وارد شوی ما نیز به همراه تو به آن

(۱)- نور (۲۴)، آیه ۶۲.

(۲)- برخی از مفسران، شأن نزول آن را جنگ احُد و برخی، جنگ احزاب ذکر کرده‌اند. (ر. ک. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۵۶۱- ۵۶۲)

جهاد در قرآن، ص: ۸۷

وارد می‌شویم.» «۱»

نمونه دیگر از این مردان الهی، حجر بن عدی بود که به فرمانده‌اش، امیرمؤمنان علیه السلام عرض کرد:

ما فرزندان جنگیم. تجربه جنگی فراوان داریم و نیز قوم و عشیره‌ای داریم که همه گوش به فرمان شما هستند. اگر به شرق یا غرب بروی، در پی تو می‌آییم و در اجرای هر دستور شما آماده‌ایم. «۲»

هر چند در بین نیروهای نظامی غیرمسلمان نیز اطاعت از فرماندهی وجود دارد، امّا تفاوت آن با نیروهای اسلام در این است که در ارتش اسلام، این عمل به قصد عبادت و اخلاص انجام می گیرد، در حالی که در آن ارتشها، چنین انگیزه و نیّتی در کار نبوده و معمولًا انگیزه ملی یا شغلی و یا جبر حاکم آنها را مجبور به اطاعت از فرماندهی می کند.

۲- عشق به فرمانده: نیروهای مسلمان، علاوه بر اطاعت، نسبت به فرماندهان خود عشق می‌ورزند و ایشان را از صمیم دل دوست می‌دارند. در مسائل فردی و آن جا که وظیفه‌ای بر دوش این فرمانبران نیست، باز ایثار نموده و علاقه و محبتشان سبب می‌شود که صحنه‌های زیبایی از صفا و صمیمیت و عشق به فرمانده از خود بر جای گذارند. به عنوان نمونه:

هنگامی که لشکر اسلام به سوی منطقه تبوک پیش می‌رفت، ابوذر سه روز از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله عقب ماند و در این سه روز، کسی از وی خبر نداشت؛ تا اینکه روز سوم، هنگام ظهر، لشکریان اسلام، از دور مرد پیاده‌ای را دیدند که با قامتی خمیده و خسته، افتان و خیزان به سوی آنها می‌آید. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این باید ابوذر باشد. حدس پیامبر درست بود. لحظاتی بعد ابوذر نمودار شد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: او را سیراب کنید که تشنه است. ابوذر مشک خویش را که آب زلال و

گوارایی در آن بود خدمت پیامبر آورد تا از آن بنوشد. حضرت پرسید: تو که آب داشتی، چرا تشنه ماندی؟ ابوذر پاسخ داد: وقتی از شما عقب ماندم، در بیابان به سنگی رسیدم که آب خنک و گوارایی در آن گرد آمده بود،

(۱)- مغازی، واقدی، ج ۱، ص ۴۹.

(۲)- اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۵۷۲.

جهاد در قرآن، ص: ۸۸

آن را در مشک ریختم و با خود عهد کردم که از آن ننوشم تا محبوبم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از آن بنوشد. حضرت در حق او دعا کرد. «۱»

در صحنه عاشورا نیز نمونه بارز آن، نخوردن آب و تحمل تشنگی حضرت ابوالفضل علیه السلام در کنار شط فرات بود، به طوری که با وجود دسترسی به آب و عطش فراوان به دلیل تشنگی امام و فرزندان آن حضرت از نوشیدن آب صرف‌نظر کرد.

نمونه دیگری از عشق به فرمانده در حماسه عاشورا، سخنان یاران آن حضرت در وفاداری نسبت به ایشان بود. آنان پس از شنیدن سخنان مقتدا و رهبر خویش که به ایشان اجازه رفتن از میدان کربلا را داد، سخنان پرشوری که حکایت از عمق وفاداریشان نسبت به حضرت داشت، بر زبان راندند. به عنوان مثال مسلم بن عوسجه در بخشی از سخنانش اظهار داشت:

به خدا سوگند! اگر بدانم که کشته می‌شوم، پس از آن زنده می‌شوم و سپس زنده زنده سوزانده شده و (خاکسترم) پراکنده می‌شود و این عمل هفتاد بار با من انجام شود، از تو جدا نخواهم شد، تا اینکه مرگ را در راه تو ملاقات کنم و چگونه این گونه عمل نکنم، در حالی که یک کشته شدن و سپس کرامت ابدی در پی آن است. «۲»

زهیر بن قین نیز برخاست و گفت:

به خدا قسم! دوست داشتم کشته می‌شدم سپس زنده شده، بار دیگر کشته می‌شدم تا هزار بار و خداوند با کشته شدن من، کشته شدن را از جان تو و جوانان اهل بیت تو دفع می‌کرد. «۳»

۳- نصیحت و خیرخواهی: فرمانبران ارتش اسلام، در حضور و غیبت فرماندهان خود، خیرخواه آنان هستند و هیچ گاه مطلبی را که به صلاح جبهه اسلام است، از فرمانده خود پنهان نمی‌کنند و اطلاعات و خبرهای خویش را در اختیار او می‌گذارند و از صمیم دل و تا آخرین لحظه برای تقویت جبهه خودی می‌کوشند.

(۱)- بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۲۱۵- ۲۱۶.

(۲)- همان، ج ۴۴، ص ۳۹۳.

(۳)- همان.

جهاد در قرآن، ص: ۸۹

نمونه بارز این گونه افراد، سعد بن ربیع، از یاران با وفای پیامبر بود. او با اینکه در میدان جنگ احد با دوازده زخم بر روی زمین افتاده بود، دیگران را به جهاد در راه نشر آیین خدا ترغیب و تشویق می‌کرد. پس از خاموش شدن آتش جنگ، زید بن ثابت به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور شد تا از سعد خبری بیاورد. او سعد را در میان کشتگان یافت که هنوز رمقی در بدن داشت. بدو گفت: پیامبر مرا به جست و جوی تو مأمور کرده، سعد گفت:

سلام مرا به پیامبر صلی الله علیه و آله برسان و بگو: چند لحظه بیشتر از زندگی سعد باقی نمانده است و خداوند به تو ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بهترین پاداش را که سزاوار یک پیامبر است، بدهد؛ و به انصار و یاران پیامبر صلی الله علیه و آله نیز سلام مرا

برسان و بگو: هر گاه به پیامبر صلی الله علیه و آله آسیبی برسد و شما زنده باشید، هرگز در پیشگاه خداوند معذور نخواهیدبود. هنوز فرستاده پیامبر صلی الله علیه و آله از کنار سعد دور نشده بود که روحش به ملکوت اعلی پرواز کرد. «۱»

در حماسه عاشورا نیز وقتی مسلم بن عوسجه با زخمهای فراوان بر زمین افتاده بود، حبیب بن مظاهر بر بالینش حاضر شد و اظهار علاقه نمود که اگر می‌توانست دلش می‌خواست به همه وصایای او عمل کند، مسلم گفت: تو را سفارش می‌کنم به (حمایت از) این شخص؛ و اشاره به امام حسین علیه السلام نمود. (سپس گفت): در رکاب او بجنگ، تا اینکه به شهادت برسی. «۲»

گفتنی است که گذشته از رزمندگان، خیرخواهی نسبت به فرماندهان سپاه اسلام وظیفه تمام افرادی است که به هر دلیل در جبهه حضور پیدا نمی‌کنند. قرآن مجید در این باره می‌فرماید:

«لَيْسَ عَلَى الْضُّعَفاءِ وَ لا عَلَى الْمَرْضى وَ لا عَلَى الَّذينَ لا يَجِدُونَ ما يُنْفِقُونَ حَرَجٌ اذا نَصَحُوا لِلَّهِ وَ رَسُولِهِ ما عَلَى الُمحْسِنينَ مِنْ سَبيلٍ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحيمٌ» «۳»

بر ضعیفان و بیماران و آنها که وسیله‌ای برای انفاق (در راه جهاد) ندارند، ایرادی

---

(۱)- السیرة النبویّه، ابن هشام، ج ۲، ص ۹۵.

(۲)- بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۰.

(۳)- توبه (۹)، آیه ۹۱.

جهاد در قرآن، ص: ۹۰

نیست (که در میدان جنگ شرکت نجویند.) هر گاه برای خدا و رسولش خیرخواهی کنند (و از آنچه در توان دارند، مضایقه ننمایند،) بر نیکوکاران راه مؤاخذه نیست؛ و خداوند آمرزنده و مهربان است!

۴- فداکاری: از دیگر ویژگی‌های مجاهدان راه خدا، فداکاری نسبت به فرمانده و همرزمان خویش است. آنان به دلیل اخلاصی که بر اعمال و روحیاتشان حاکم است، از فداکاری و ایثار کوتاهی ننموده توفیق انجام آن را فیضی بزرگ می‌شمارند.

سرگذشتهای فراوانی در این زمینه در تاریخ اسلام وجود دارد که حاکی از عظمت روحی و فداکاری والای رزمندگان اسلام می‌باشند.

در جنگ احد هنگامی که لشکر اسلام شکست خورد و گروهی پا به فرار گذاشتند، گروهی نیز با فداکاری تمام در صحنه مانده و با ایثار جان، از پیامبر صلی الله علیه و آله محافظت می‌کردند. حضرت علی علیه السلام در رأس این گروه بود که با وجود هفتاد زخم از پیامبر صلی الله علیه و آله دفاع می‌کرد. او به قدری در فداکاری پافشاری نمود که شمشیرش شکست و پیامبر صلی الله علیه و آله شمشیر خود «ذوالفقار» را به آن حضرت داد. «۱»

ابودجانه، افسر فداکار دیگری بود که پس از امیرمؤمنان علیه السلام از جان پیامبر صلی الله علیه و آله دفاع می‌کرد و خود را سپر پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داد. تیرها بر او می‌نشست و او باز هم از وجود رسول خدا صلی الله علیه و آله حراست می‌کرد. «۲»

فداکاری چند شهید تشنه لب در جنگ احد، که هر یک با وجود عطش فراوان سفارش می‌کردند که آب را به دیگری بدهند. از نمونه‌های فداکاری و ایثار فراوان رزمندگان اسلام در صدر اسلام به شمار می‌رود.

در روز عاشورا نیز عدّه‌ای از اصحاب فداکار امام حسین علیه السلام سینه خود را سپر تیرها قرار دادند تا اینکه حضرت بتواند نماز ظهر و عصر را به جماعت بخواند.

نمونه‌های ایثار و فداکاری رزمندگان اسلام در طول جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران نیز بسیار زیاد است و هر رزمنده نمونه‌های فراوانی از آن را در خاطر دارد.

---

(۱)- فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۴۷۵.

(۲)- همان، ص ۴۷۶.

جهاد در قرآن، ص: ۹۱

فصل پنجم عوامل پیروزی و شکست

عوامل پیروزی

اشاره

عوامل پیروزی در جنگ رامی توان به دو نوع مادی و معنوی تقسیم کرد.

الف- عوامل مادی

از عوامل مادی مؤثر در پیروزی یک نیروی نظامی را می‌توان آمادگی رزمی، امکانات و ادوات جنگی و تداوم آموزشهای رزمی و تخصصی دانست. درتهیه و تکمیل این موارد می‌توان از دستور قرآنی «وَ اعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ و مِنْ رِباطِ الْخَیْلِ» بهره گرفت.

همچنین می‌توان بیقین دانست که قرآن با بیان این دستور، تدارک همه عوامل مادی در جنگ را در نظر داشته است.

مسلمانان برای به دست آوردن عوامل مادی پیروزی و برای انجام وظیفه‌ای که بر دوش آنان است، از یک سو باید همه علوم و فنون جنگی را بیاموزند و ورزیدگی نظامی خویش را روز به روز افزایش دهند. از سوی دیگر، باید پیشرفته‌ترین سلاحها رانیز در حد وسع خویش تهیه کنند، چنانکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز چنین سیره‌ای داشت «۱» و خردمندان و کارشناسان امور نظامی نیز نظری جز این نخواهند داشت. همین طور نیروی انسانی کافی از ارکان نخستین جنگ است که هیچ گونه شبهه‌ای در تهیه و تربیت آنان وجود ندارد و متصدیان امور نظامی نیز بطور دقیق چه از لحاظ کمّی و کیفی به این عوامل توجه دارند و برای پیشبرد و پیروزی از تمام عوامل مؤثر بهره می گیرند.

---

(۱)- ر. ک بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۱۶۹.

جهاد در قرآن، ص: ۹۲

ب- عوامل معنوی

آنچه در اینجا باید بیشتر به آن پرداخته شود، عوامل معنوی پیروزی است که با استعانت از خدا، به شرح آنها می‌پردازیم:

۱- فهم و بینش عمیق: رزمنده‌ای که با داشتن اعتقادات صحیح و اصولی به مصاف دشمن می‌رود، خداوند را تنها خالق جهان هستی می‌شناسد که بر همه موجودات و آشکار و نهان جهان خلقت احاطه دارد و خود را یاور مؤمنان و دشمن کافران معرفی کرده است. چنین شخصی، دنیا را منزلگه موقّت و آخرت را سرای جاویدان می‌داند، شهادت را فوز عظیم و جهاد در راه خدا را عملی محبوب نزد حضرت حق تلقی می کند، پیروزی را در انحصار خدای متعال دانسته و نتیجه ظاهری جنگ اعم از پیروزی و شکست، او را به غرور و یأس نمی کشاند و از انجام وظیفه باز نمی‌دارد. انسانی با این تفکر، چون کوهی می گردد که در برابر حوادث و

ناملایمات جنگ، ثبات قدم را از دست نمی‌دهد و تا پایان کار در راه هدف، استقامت می‌ورزد. واضح است که چنین اشخاصی در مقایسه با افرادی که مرگ خود را در دنیا، بر باد رفتن همه هستی خود می‌دانند بسیار مقاومتر و در نتیجه به پیروزی نزدیکترند.

قرآن مجید نیز علت شکست نیروهای کافر در برابر مؤمنان صابر را همین عدم درک صحیح آنان از مسائل مربوط به جهان خلقت می‌داند و می‌فرماید:

«... بِانَّهُمْ قَوْمٌ لا یَفْقَهُونَ» «۱»

(علت پیروزی مؤمنان بر کافران) به این سبب است که آنان (کافران) گروهی هستند که نمی‌فهمند!

با مقایسه صفات مؤمنان با صفات کافران می‌توان دریافت که عامل پیروزی مؤمنان بینش و فهم صحیح و عمیق از جهان هستی و واقعیت‌های آن است.

۲- صبر و پایداری: خداوند متعال ضمن دستوراتی که به مبارزان جنگ بدر می‌دهد، به دو دستور در زمینه صبر اشاره کرده می‌فرماید:

---

(۱)- انفال (۸)، آیه ۶۵.

جهاد در قرآن، ص: ۹۳

«یا ایُّهَاالَّذینَ امَنُوا اذا لَقیتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا ...» «۱»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که (در میدان نبرد) با گروهی رو به رو می‌شوید، ثابت قدم باشید.

و در آیه بعد نیز چنین توصیه می‌کند که «وَاصْبِرُوا انَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرینَ»

«ثبات» از نظر لغوی معنایی وسیع‌تر از معنای «صبر» دارد. اما در این جا، منظور فرار نکردن از مقابل دشمن است، یعنی تأکید بر همان مطلبی که در آیه دیگر این سوره آمده است:

«یا ایُّهَا الَّذینَ امَنُوا اذا لَقیتُمُ الَّذینَ کَفَرُوا زَحْفًا فَلا تُوَلُّوهُمُ الادْبارَ» «۲»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که با انبوه کافران در میدان نبرد رو به رو می شوید، به آنها پشت نکنید (و فرار ننمایید)!

علت پیروزی نیروی اندک مسلمانان بر نیروهای بسیار مشرکان و کفار نیز همین صبر مسلمانان عنوان شده است:

«یا ایُّهَا النَّبِیُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنینَ عَلَی الْقِتالِ انْ یَکُنْ مِنْکُمْ عِشرُونَ صابِرُونَ یِغْلِبُوا مِائَتَیْنِ وَ انْ یَکُنْ مِنْکُمْ مِائَةٌ یَغْلِبُوا الْفًا مِنَ الَّذینَ کَفَرُوا بِانَّهُمْ قَوْمٌ لایَفْقَهُونَ» «۳»

ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تشویق کن! هرگاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند؛ و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌گردند؛ چرا که آنها گروهی هستند که نمی‌فهمند.

البته صبری که در این جا عامل پیروزی قلمداد می‌شود همان صبری است که ناشی از بینش عمیق رزمندگان باشد و مراتب این پیروزی بستگی به مراتب ایمان و صبر دارد، چنانکه بعد از همین آیات، گوشزد می‌کند که به دلیل تنزّل روحیه قوی رزمندگان، پیروزی یک بر ده مؤمنان بر کافران به پیروزی یک بر دو تنزّل پیدا کرده است و علت این

---

(۱)- انفال (۸)، آیه ۴۵.

(۲)- همان، آیه ۱۵.

(۳)- همان، آیه ۶۵.

جهاد در قرآن، ص: ۹۴

امر را ضعف ایمان می‌داند که بدان دچار گشته‌اند «۱» وگرنه روز به روز بر جمعیت ظاهری لشکر اسلام افزوده می‌شد و با به دست آوردن غنایم، دارای تسلیحات بیشتری می‌شدند.

همراه بودن دو عنصر صبر و پیروزی یکی از سنتهای الهی است که در مورد اقوام گذشته نیز جاری بوده است؛ به طوری که پیروزی قوم بنی‌اسرائیل بر فرعونیان به خاطر صبر و استقامت آنان بوده است:

«وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ الْحُسْنى عَلى بَنى‌اسْرائيلَ بِما صَبَرُوا» «۲»

و وعده نیک پروردگارت بر بنی اسرائیل، به خاطر صبر و استقامتی که به خرج دادند، تحقّق یافت.

و این سنّت دائمی است که قرآن از زبان مؤمنان لشکر طالوت نقل می‌کند:

«قالَ الَّذينَ يَظُنُّونَ انَّهُمْ مُلاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَليلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثيرَةً بِاذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرينَ» «۳»

آنها که می‌دانستند خدا را ملاقات خواهند کرد (و به روز رستاخیز ایمان داشتند) گفتند: «چه بسیار گروههای کوچکی که به فرمان خدا، بر گروههای عظیمی پیروز شدند» و خداوند با صابران است.

۳- یاد خدا: ذکر و یاد خدا دستور دیگری است که قرآن مجید به مؤمنان مجاهد در میدان جنگ توصیه نموده است تا جهت رستگاری خود ذکر خدا را همواره بر دل و زبان بگذرانند:

«... وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» «۴»

---

(۱)- انفال (۸)، آیه ۶۶.

(۲)- اعراف (۷)، آیه ۱۳۷.

(۳)- بقره (۲)، آیه ۲۴۹.

(۴)- انفال (۸)، آیه ۴۵.

جهاد در قرآن، ص: ۹۵

و خدا را فراوان یاد کنید، تا رستگار شوید!

ذکر خدا، مؤمنان را به قدرت بی‌نهایت الهی متوجه می‌گرداند و توجه به این منبع پایان ناپذیر، سبب تقویت روحیه و ثبات قدم بیشتر مؤمنان و در نتیجه پیروزی آنان می‌گردد.

ممکن است مراد از یاد خدا در میدان جنگ، به یاد آوردن معارف الهی باشد که با روح کمک طلبی یک مجاهد در میدان نبرد سازگار است. علامه طباطبایی (ره) در این‌باره می‌نویسد:

«... منظور از «اذْكُرُوااللَّهَ كَثيرًا» این است که مؤمن متذکر آن معارفی باشد که مربوط به این شأن و این حالت است و آن این است که خدای تعالی معبود و پروردگار اوست و آن کسی است که مرگ و حیات به دست اوست و می‌تواند مؤمن را در این حال یاری کند و سرپرست اوست و چه سرپرست و یاور خوبی است. چنین کسی با این که پروردگارش وعده نصرت داده و فرموده: «انْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ اقْدامَكُمْ» و می‌داند که خداوند اجر کسی را که عمل نیکی انجام دهد ضایع نمی‌کند، یقیناً به نصرت پروردگارش اطمینان داشته و می‌داند که سرانجام کارش به یکی از دو وجه است که هر دو نیک است، چون یا بر دشمن غلبه پیدا می‌کند که در این صورت رایت دین را بلند کرده و محیط را برای سعادتمند شدن خود و دیگران مساعد کرده است و یا کشته می‌شود که در این فرض به جوار اولیای مقرب درگاه پروردگارش شتافته است. این گونه معارف حقیقی است که مربوط به حالت یک نفر مجاهد است و سرانجامش را به سعادت واقعی و کرامت دائمی منتهی می‌کند.» «۱»

از دیگر نتایج مفید و مؤثر یاد خدا در جنگ، از یاد بردن مظاهر دنیا و جلوه‌های رنگارنگ آن است؛ مظاهری که سبب سست شدن

مبارزان در جنگ می‌شود.

۴- اطاعت از فرمانـدهی: قرآن مجید یکی دیگر از عوامل مؤثر در پیروزی به هنگام جنگ را اطاعت از خدا و رسول معرفی کرده و بارها به این عامل مهم تأکید ورزیده

---

(۱)- ترجمه المیزان، ج ۹، ص ۱۲۵.

جهاد در قرآن، ص: ۹۶

است «۱» و از مؤمنان مجاهد خواسته که گوش به فرامین الهی داشته باشند و از دستورات پیامبر گرامی اسلام که فرماندهی جنگ را نیز به عهده داشت، متابعت و پیروی نمایند.

اهمیت این موضوع زمانی آشکارتر می‌شود که توجه کنیم که این دستور در طی یک سوره (انفال که درباره جنگ بدر نازل گشت) سه مرتبه تکرار شده است. «۲»

۵- اتحاد و وحدت کلمه: اتحاد و وحدت بین نیروهای نظامی، سبب تقویت روحیه آنها و هماهنگی بیشتر آنان می‌شود. این عوامل همچنین سبب ایجاد وحشت در بین دشمن خواهد گردید. یکدلی و صمیمت بین نیروهای نظامی کار فرمانده را آسانتر نموده، موجب تسهیل در اجرای امور دشوار و سخت می‌گردد.

قرآن مجید در توصیف مجاهدان مؤمن به ویژگی انضباط و اتحاد آنان اشاره نموده آنان را چون بنیانی محکم در برابر دشمن دانسته است:

«انَّ اللَّهَ یُحِبُّ الَّذینَ یُقاتِلُونَ فی سَبیلِهِ صَفًّا کَأَنَّهُمْ بُنْیانٌ مَّرْصُوصٌ» «۳»

خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در راه او پیکار می‌کنند، گویی بنایی آهنین هستند.

قرآن باز هم در همین زمینه آنان را از تفرقه و اختلاف بر حذر داشته می‌فرماید:

«وَ لا تَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ‌ریحُکُمْ» «۴»

و نزاع نکنید تا سست نشوید و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود.

کلمه ریح به طوری که گفته شده، به معنای عزّت و دولت است؛ راغب اصفهانی نیز گفته که: کلمه «ریح» در آیه به معنای غلبه است «۵» و وجه این استعاره و تشبیه آن است که باد به هر چه بوزد آن را به حرکت درآورده و از جای می‌کند و با خود می‌برد؛ غلبه بر

---

(۱)- انفال (۸)، آیه ۴۶.

(۲)- همان، آیات ۱، ۲۰ و ۴۹.

(۳)- صف (۶۱)، آیه ۴.

(۴)- انفال (۸)، آیه ۴۶.

(۵)- مفردات، راغب اصفهانی، واژه «روح».

جهاد در قرآن، ص: ۹۷

دشمن نیز همین خاصیت را دارد. «۱»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای تقویت اتحاد روحی بین رزمندگان، خواستار اتحاد ظاهری آنان نیز بود و آنان را از تفرقه برحذرمیداشت: در یکی از سفرها، آن حضرت در بین راه منزل کرد. مسلمانان در درّه‌ها و شکاف کوهها پراکنده شدند. پیامبر

فرمود: «انّما ذلِکُمْ مِنَ‌الشَّیْطانِ» این تفرقه و پراکندگی شما از شیطان است. «۲»

امدادهای غیبی در جنگ

اشاره

امداد به معنای یاری رسانی است و معنای این ترکیب، یاری رساندن پنهانی است که از سوی خدا صورت می‌گیرد و یکی از عوامل مهم در پیروزی مسلمانان محسوب می‌گردد.

در آیاتی از قرآن مجید، نمونه‌هایی از امدادهای غیبی الهی که در طول تاریخ، به ویژه تاریخ صدر اسلام متوجه مجاهدان شده، بیان گردیده است.

امدادهای الهی در شکلهای گوناگون برای مجاهدان محقق شده و می‌شود که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- ایجاد ترس در دل دشمن: کسانی که با صحنه و میدان نبرد آشنایی داشته باشند، می‌دانند که برخورداری جنگجویان از روحیه‌ای جسور و بی‌باک، یکی از مهمترین عوامل پیروزی است. خداوند به منظور یاری رساندن به مؤمنان، خود عامل تهوّر و بی‌باکی را از دست دشمنان گرفته، به جای آن ترس و رعب از قدرت مسلمانان را در دل آنان می‌افکند؛ آن طور که در جنگهای گوناگون صدر اسلام چنین بود. خداوند در آیات مربوط به اولین جنگ اسلام و کفر یعنی جنگ بدر می‌فرماید:

«سَاُلْقی فی قُلُوبِ الَّذینَ کَفَرُوا الرُّعْبَ ...» «۳»

---

(۱)- ترجمه المیزان، ج ۹، ص ۱۲۴.

(۲)- سنن ابی داوود، ج ۳، ص ۴۱، البته گاهی پراکندگی خودش یک تاکتیک و لازم است که از محل بحث خارج می‌باشد.

(۳)- انفال (۸)، آیه ۱۲.

جهاد در قرآن، ص: ۹۸

به زودی ترس و هراس در دلهای کافران می‌اندازم.

پیروزی مسلمانان به واسطه القای ترس در دل دشمنان به قدری زیاد و حائز اهمیّت بود که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آن را، یکی از امتیازات الهی منحصر به خویشتن می‌دانست و می‌فرمود:

«اعْطیتُ خَمْسًا لَمْ یُعْطِها احَدٌ قَبْلی ... وَ نُصِرْتُ بِالرُّعْبِ ...» «۱»

پنج چیز به من داده شده که به هیچ کس قبل از من داده نشده است ... (یکی از آنها اینکه) به وسیله رعب یاری شده‌ام.

۲- یاری فرشتگان: نوع دیگر امداد الهی، توسط فرشتگان انجام می‌گیرد؛ بدین معنا که خداوند ملائکه را برای امداد مسلمانان می‌فرستد تا با تقویت روحیه مؤمنان و زیاد نشان دادن آنان در چشم دشمنان، پیروزی آنان بر مشرکان را سرعت بخشند. قرآن مجید پیرامون این امداد غیبی در جنگ بدر می‌فرماید:

«اذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنینَ الَنْ یَکْفِیَکُمْ انْ یُمِدَّکُمْ رَبُّکُمْ بِثَلاثَةِ الافٍ مِنَ الْمَلائِکَةِ مُنْزَلینَ» «۲»

در آن هنگام که تو به مؤمنان می‌گفتی: «آیا کافی نیست که پروردگارتان، شما را به سه هزار از فرشتگان، که (از آسمان) فرود می‌آیند، یاری کند؟!»

۳- ایجاد آرامش در دل مجاهدان: از آنجا که عواملی چون ترس و تردید در هدف، موجب تضعیف و تخریب روحیه مجاهدان است، خداوند متعال نه تنها این عوامل را از دل رزمندگان خارج می‌سازد، بلکه سکینه و آرامش خویش را جایگزین آن می‌کند.

در جریان «صلح حدیبیّه» مسلمانان در شرایط دشواری قرار داشتند که این شرایط موجب ایجاد تزلزل در دلهای افراد سست ایمان می‌شد. از طرفی پیامبر صلی الله علیه و آله ورود به مسجد الحرام را بشارت داده بود که آنان وارد نشدند؛ و از طرف دیگر، مُحرِم به مناسک

(۱)- بحارالانوار، ج ۸، ص ۳۸.

(۲)- آل عمران (۳)، آیه ۱۲۴.

جهاد در قرآن، ص: ۹۹

عمره شده بودند و دشمن مانع انجام مناسک آنان شد و مجبور شدند با ذبح قربانی از احرام خارج شوند. همچنین پذیرفتن پاره‌ای از مفاد صلحنامه برای آنان سنگین بود. این جا بود که خداوند، سکینه خویش را بر دلهای آنان نازل کرد و فرمود:

«هُوَ الَّذی انْزَلَ السَّکینَهَٔ فی قُلوُبِ الْمُؤْمِنینَ ...» «۱»

او کسی است که آرامش را بر دلهای مؤمنان نازل کرد.

سکینه از ماده سکون و به معنای آرامش و اطمینانی است که هر گونه شک و تردید و وحشت را از انسان می‌زداید و او را در طوفان حوادث ثابت قدم می‌دارد.

همچنین در جنگ حنین که بسیاری از مسلمانان پا به فرار گذاشتند، نزول سکینه بر پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان حقیقی از امدادهای الهی و در کنار دیگر امدادهای غیبی عنوان شده است:

«ثُمَّ انْزَلَ اللَّهُ سَکینَتَهُ عَلی رَسُولِهِ وَ عَلَی الْمُؤْمِنینَ ...» «۲»

سپس خداوند سکینه خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد.

۴- یاری با عوامل طبیعی: از آنجا که عملکرد همه چیز از جمله عوامل طبیعی، به دست قدرت مطلقه الهی است، خداوند در برخی مواقع این عوامل را به نفع مسلمانان و علیه کفار به کار می‌گیرد. برای مثال، در جنگ بدر با فرو فرستادن باران برای مسلمانان و خواب آرام بخش، موجب تقویت مادّی و معنوی و طهارت جسمی آنان شد. قرآن در این باره می‌فرماید:

«إِذْ یُغَشِّیکُمُ النُّعَاسَ أَمَنَهً مِنْهُ وَیُنَزِّلُ عَلَیْکُم مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِیُطَهِّرَکُم بِهِ وَیُذْهِبَ عَنکُمْ رِجْزَ الشَّیْطَانِ وَلِیَرْبِطَ عَلَی قُلُوبِکُمْ وَیُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ» «۳»

و (یاد آورید) هنگامی را که خواب سبکی که مایه آرامش از سوی خدا بود، شما را

(۱)- فتح (۴۸)، آیه ۴.

(۲)- توبه (۹)، آیه ۲۶. البته برخی از مفسران، نزول سکینه در جنگ حنین را مختص کسانی می‌دانند که با پیامبر (ص) استقامت کردند. (مجمع‌البیان، ج ۵، ص ۲۸)

(۳)- انفال (۸)، آیه ۱۱.

جهاد در قرآن، ص: ۱۰۰

جهاد در قرآن ۱۳۵

فرا گرفت؛ و آبی از آسمان برایتان فرستاد، تا شما را با آن پاک کند؛ و پلیدی شیطان را از شما دور سازد؛ و دل‌هایتان را محکم، و گام‌ها را با آن استوار دارد!

در جنگ احزاب نیز یکی از عوامل پیروزی، طوفانی بود که به سوی دشمن وزیدن گرفت:

«فَارْسَلْنا عَلَيْهِمْ ريحاً وَ ...» «۱»

ولی ما باد و طوفان سختی بر آنان فرستادیم.

فلسفه امدادهای غیبی

۱- بشارت و تشویق مجاهدان.

۲- ایجاد اطمینان خاطر و تقویت روحیه مجاهدان. قرآن مجید درباره موارد مزبور می‌فرماید:

«وَ ما جَعَلَهُ اللَّهُ الَّا بُشْرى لَكُمْ وَ لِتَطْمَئِنَّ قُلوُبُكُمْ بِهِ ...» «۲»

اینها (امدادهای غیبی) را خداوند فقط برای بشارت و برای اطمینان خاطر شما قرار داده است.

۳- انهدام و شکست دشمن. قرآن در این مورد نیز می‌فرماید:

«لِيَقْطَعَ طَرَفاً مِنَ الَّذينَ كَفَروُا اوْ يَكْبِتَهُمْ فَيَنْقَلِبوُا خائِبينَ» «۳»

(این وعده را که خدا به شما داده)، برای این است که قسمتی از پیکر لشکر کافران را قطع کند؛ یا آنها را با ذلّت برگرداند، تا مأیوس و ناامید (به وطن خود) باز گردند.

۴- افزودن به ایمان مؤمنان.

«... لِيَزْدادُوا ايمانًا مَعَ ايمانِهِمْ» «۴»

---

(۱)- احزاب (۳۳)، آیه ۹.

(۲)- آل عمران (۳)، آیه ۱۲۶.

(۳)- همان، آیه ۱۲۷.

(۴)- فتح (۴۸)، آیه ۴.

جهاد در قرآن، ص: ۱۰۱

تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند.

قانونمندی امدادهای غیبی

نزول امدادهای غیبی از طرف پروردگار جهانیان همچون دیگر سنن الهی، تابع شرایط و ضوابط خاصی است که قابل تخلف نیست؛ بدین معنا که این امدادها، ویژه گروه خاص و یا مسلمانان صدر اسلام نبوده است، بلکه هر گروه از مؤمنان که شرایط آن را در خود به وجود آورند، استحقاق دریافت آن را خواهند یافت.

آیاتی از قرآن مجید این قانونمندی را به صورت کلی مورد اشاره قرار داده است. به عنوان نمونه، یاری دین الهی را سبب یاری مؤمنان معرفی کرده است:

«يا ايُّهَا الَّذينَ امَنوُا انْ تَنْصُروُا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ اقْدامَكُمْ» «۱»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر (آیین) خدا را یاری کنید، (خدا) شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد!

و در آیه دیگر همین معنا را با تأکید بیشتر آورده است:

«... وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» «۲»

و خداوند حتماً کسانی را که یاریِ او کنند (و از آیین او دفاع نمایند) یاری می‌کند.

گاهی نیز توکل را شرط حمایت و کفایت خداوند از مؤمنان دانسته است:

«وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ ...» «۳»

و هر کس بر خدا توکل کند، خدا او را کفایت می‌کند.

این توکل می‌تواند مربوط به فرد یا اجتماع باشد؛ به طوری که اگر همه مجاهدانی که در راه خدا جهاد می‌کنند، بر او توکل نمایند، از راههای عادی و غیبی مورد عنایت الهی

---

(۱)- محمد (۴۷)، آیه ۷.

(۲)- حج (۲۲)، آیه ۴۰.

(۳)- طلاق (۶۵)، آیه ۳.

جهاد در قرآن، ص: ۱۰۲

قرار می‌گیرند و بدین وسیله آنان را از شرّ دشمنان در امان نگه می‌دارد.

در بعضی از آیات نیز به صراحت نقش عوامل دیگری را در قانونمندی امدادهای الهی یادآور می‌شود. برای مثال در آیه ۱۲۵ سوره آل‌عمران، صبر و تقوا را شرط نزول امدادهای الهی ذکر کرده است.

از آیه دیگری نیز بر می‌آید که دعا و استغاثه در درگاه خداوند نیز سبب نزول امدادهای غیبی می‌گردد:

«اذْ تَسْتَغيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجابَ لَكُمْ انى مُمِدُّكُمْ بِالْفٍ مِنَ الْمَلائِكَةِ مُرْدِفينَ» «۱»

(به خاطر بیاورید) زمانی را که (از شدت ناراحتی در میدان بدر) از پروردگارتان کمک می‌خواستید؛ و او خواسته شما را پذیرفت و (گفت): من شما را با یکهزار از فرشتگان، که پشت سر هم فرود می‌آیند، یاری می‌کنم.

در تفسیر این آیه آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبل از وقوع درگیری در جنگ بدر به درگاه الهی استغاثه فراوانی کرد؛ جمع مسلمانان نیز به راز و نیاز پرداختند. «۲»

حضرت علی علیه السلام، ضمن تشویق لشکریانش به جهاد، به مسأله امدادهای الهی اشاره نموده رمز آن را چنین بیان می‌دارد:

«وَ لَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) ... فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنا انْزَلَ بِعَدُوِّنَاالْكَبْتَ وَانْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ ...» «۳»

در رکاب پیامبر خدا بودیم ... هنگامی که خداوند راستی و اخلاص ما را دید، خواری و ذلّت را بر دشمنان ما نازل ساخت و نصرت و پیروزی را به ما عنایت کرد.

تعبیر به «صدق» در این عبارت می‌تواند حاکی از ایمان، پایمردی، توکل، صبر و همه صفات شایسته و شرایط لازم برای مجاهدان راه خدا باشد. اگر مجاهدان، با صداقت باشند، مورد تکریم الهی قرار می‌گیرند و اگر در امر دینشان سست شوند و صداقت در

---

(۱)- انفال (۸)، آیه ۹.

(۲)- ر. ک. بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۲۲۱.

(۳)- نهج‌البلاغه، خطبه ۵۵.

جهاد در قرآن، ص: ۱۰۳

گفتار و راستی در رفتار را از دست بدهند، نباید انتظار امدادهای غیبی را داشته باشند، چنانکه حضرت در جای دیگر هشدار داده می‌فرماید:

و این را مسلم بدانید که اگر جز اسلام به چیزی پناه برید، کافران با شما پیکار خواهند کرد و دیگر از نصرت جبرائیل و میکاییل و

مهاجران و انصار خبری نخواهد بود و تنها شما می‌مانید و شمشیرها؛ تا آن که خداوند در کارتان داوری کند. «۱»

از مجموع آیات و روایات یاد شده برمی‌آید، که اخلاص در نیّت و عملکرد صحیح و اصولی مؤمنان راه خدا، زمینه نزول امدادهای غیبی را فراهم می‌آورد و روشن است که هر چه این علل و زمینه‌ها قوی‌تر و آماده‌تر باشد، کمکهای غیبی نیز وسیعتر و کار آمدتر خواهد بود؛ چنانکه ملّت مسلمان و انقلابی ایران نیز در طول مبارزات، دوران انقلاب و دوران دفاع مقدس به طور مکرّر مشمول این قانون الهی و الطاف ربوبی گشته و از امدادهای پیدا و پنهان او برخوردار شده‌اند.

عوامل شکست

اشاره

از قرآن مجید به دست می‌آید که عوامل شکست، ریشه در اعمال و رفتار خود انسانها دارد.

«ما اصابَکَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَ ما اصابَکَ مِنْ سَیِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِکَ» «۲»

آنچه نیکی به تو می‌رسد، از طرف خداست؛ و آنچه بدی به تو می‌رسد، از سوی خود توست.

مراد از حسنه و سیّئه در آیه فوق، پیروزی و شکست است و آیه در صدد پاسخگویی به کسانی است که شکست را به غیر خود نسبت داده و منشأ آن را در جای دیگر جست‌وجو می‌کنند. «۳»

---

(۱)- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

(۲)- نساء (۴)، آیه ۷۹.

(۳)- ر. ک. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۰- ۲۱.

جهاد در قرآن، ص: ۱۰۴

بنابراین، بر مجاهدان مسلمان لازم است که پس از هر شکست و ناکامی به ارزیابی عملکرد خویش بپردازند و با به دست آوردن نقاط ضعف و نارساییهای خویش، به جبران آن همت گمارند، نه اینکه با نسبت دادن شکست به خدا یا دیگران از اصلاح عیوب خویش غافل شده و باز از همان طریق دچار ضربه و شکست شوند.

عوامل شکست نیز در دو بُعد مادی و معنوی، قابل بررسی است. از عوامل مادی شکست همانند عوامل مادی پیروزی در بخش نظامی بحث می‌شود. در این جا به مهمترین عوامل معنوی شکست اشاره می‌کنیم:

۱- عدم بینش صحیح

نداشتن شناخت صحیح و اصولی از مبدأ قدرت در جهان هستی و عدم توکل بر آن منبع لایزال، سبب تزلزل در روحیه و اضطراب نفس و ... می‌شود. همچنین زمانی که انسان مخیّر است از بین دنیا و آخرت، یکی را انتخاب کند، در تردید و دودلی باقی می‌ماند و در نتیجه باعث می‌شود تا تصمیمات سست و بی‌پایه‌ای اتّخاذ کند؛ از سوی دیگر، پس از پیروزی‌های ظاهری نیز نداشتن بینش صحیح سبب غرور و عجب می‌گردد و پیروزی را به شکست تبدیل کرده و یا بهره‌برداری صحیح از آن را به انحراف می‌کشاند و نمی‌گذارد نتایجی که باید بر آن پیروزی مترتب گردد، نصیب مبارزان شود.

۲- تفرقه

قرآن مجید، مجاهدان را از تفرقه و اختلاف نهی کرده است. به طوری که وجود تفرقه را باعث از بین رفتن قدرت و شوکت نیروهای رزمنده می‌داند. «۱»

امیرمؤمنان، علی علیه السلام، نیز بیان می‌دارد که شکست از آن کسانی است که از اتحاد و یاری یکدیگر دست برداشته‌اند.

«غُلِبَ وَاللَّهِ الْمُتَخاذِلُونَ» «۲»

---

(۱)- انفال (۸)، آیه ۴۶.

(۲)- نهج‌البلاغه، خطبه ۳۴.

جهاد در قرآن، ص: ۱۰۵

سوگند به خدا، مغلوبند کسانی که (برای جلوگیری از پیشروی دشمن) با یکدیگر همراهی نکردند.

۳- نافرمانی

همان گونه که اطاعت و پیروی از فرماندهی در جنگ از عوامل پیروزی محسوب می‌شود، تمرّد و نافرمانی از دستور رهبران و فرماندهان جنگ نیز سبب شکست نیروهای رزمنده می گردد.

از امام علی علیه السلام چنین نقل شده است:

«آفَةُ الْجُنْدِ مُخالَفَةُ الْقادَةِ» «۱»

آفت لشکر، مخالفت با فرمانده است.

بیشترین گلایه و شکایت حضرت علی علیه السلام از لشکریانش، عدم فرمانبرداری آنان است. به همین دلیل، آن حضرت آرزو می کرد که ده نفر از لشکر خود را با یک نفر از نیروهای فرمانبر لشکر معاویه معاوضه کند؛ «۲» زیرا آنان در میسر باطل خود فرمانبردار، ولی اینان در عین حق بودنشان متمّرد بودند.

۴- عجب و غرور

شیوع مفاسد اخلاقی در بین نیروهای رزمنده نیز سبب تضعیف قوای معنوی و در نتیجه شکست آنان می گردد. یکی از این مفاسد که نقش بارزی دارد و قرآن مجید نیز به آن تصریح نموده، عُجب و غرور است.

عجب و غرور سبب می‌شودکه انسان از دیدن واقعیت‌ها محروم گردد و گمان می کند که همه شرایط و عوامل در اختیار او و به نفع اوست. انسان مغرور و خود پسند از دقت در جوانب گوناگون یک مسأله غافل شده همین امر سبب وارد آمدن ضربه به اعمال او می گردد. همچنین عجب باعث می‌شود تا شخص به جای تکیه بر خدا، بر خود تکیه کند

---

(۱)- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۱۱.

(۲)- همان، ج ۲، ص ۸۷.

جهاد در قرآن، ص: ۱۰۶

و با از دست دادن تکیه گاه محکمی چون پروردگار، سقوط و انحطاط برای او حتمی و اجتناب‌ناپذیر شود.

واقعه جنگ حنین شاهدی بر این مدعاست؛ مسلمانان با دیدن لشکریان زیاد خود، دچار غرور شدند و پیروزی نهایی را از آن خود دیدند. قرآن مجید در این باره می‌فرماید:

«لَقَدْ نَصَرَکُمُ اللّهُ فِی مَوَاطِنَ کَثِیرَةٍوَیَوْمَ حُنَیْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْکُمْ کَثْرَتُکُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْکُمْ شَیْئاً وَضَاقَتْ عَلَیْکُمْ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّیْتُم مُدْبِرِینَ» «۱»

خداوند شما را در جاهای متعدد از جمله روز (جنگ) حنین یاری کرد؛ در آن هنگام که فزونی افرادتان شما را مغرور ساخت، ولی (این فزونی جمعیت) هیچ به کارتان نیامد و زمین با همه وسعتش بر شما تنگ شد؛ سپس پشت (به دشمن) کرده فرار نمودید!

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از پیروزی‌های جنگ بدر، فتح مکه و ... سر بر سجده شکر می‌سایید و با این عمل خویش، علاوه بر شکر به درگاه الهی، در عمل نیز به رزمندگان اسلام می‌آموخت که از عجب و غرور بپرهیزند و پیروزی‌ها را از ناحیه خداوند بدانند.

---

(۱)- توبه (۹)، آیه ۲۵.

جهاد در قرآن، ص: ۱۰۷

فصل ششم مقام و منزلت مجاهد و شهید

اشاره

در فرهنگ اسلامی «مجاهدان راه خدا» مقام و منزلت ویژه‌ای دارند که آنان را از سایر مؤمنان ممتاز می‌گرداند. در این فصل ضمن برشمردن گوشه‌ای این‌از فضایل به پاداش آنان نیز اشاره خواهیم کرد.

مقام مجاهدان

۱- قرآن مجید، مجاهدان را به لقب «مؤمنان حقیقی» مفتخر نموده و این لقب، بیانگر عظمت مقام آنان در درگاه الهی است:

«وَالَّذینَ امَنُوا وَ هاجَرُوا وَ جاهَدُوا فی سَبیلِ اللَّهِ وَالَّذینَ اوَوْا وَ نَصَرُوا اولئِکَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقّاً ...» «۱»

و آنها که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه خدا جهاد کردند، و آنها که پناه دادند و یاری نمودند، آنان مؤمنان حقیقی‌اند.

۲- برخی از آیات نیز با صراحت به برتری مجاهدان بر قاعدین (کسانی که از انجام جهاد خودداری کرده‌اند) پرداخته و فضیلت آنان را یادآوری کرده است:

«لا یَسْتَوِی الْقاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنینَ غَیْرُ اولِی الضَّرَرِ وَالْمُجاهِدُونَ فی سَبیلِ اللَّهِ بِامْوالِهِمْ وَ انْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجاهِدینَ بِامْوالِهِمْ وَ انْفُسِهِمْ عَلَی الْقاعِدینَ دَرَجَةً وَ کُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنی وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجاهِدینَ عَلَی الْقاعِدینَ اجْراً عَظیماً

---

(۱)- انفال (۸)، آیه ۷۴.

جهاد در قرآن، ص: ۱۰۸

دَرَجاتٍ مِنْهُ وَ مَغْفِرَةً وَ رَحْمَةً وَ کانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحیماً» «۱»

(هرگز) افراد با ایمانی که بدون بیماری و ناراحتی از جهاد بازنشستند، با مجاهدانی که در راه خدا با مال و جان خود جهاد کردند، یکسان نیستند! خداوند، مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند بر نشستگان از جهاد برتری مهمّی بخشیده؛ و به همه وعده پاداش نیک داده؛ و مجاهدان را با پاداش عظیمی بر نشستگان برتری بخشیده است. درجاتی از ناحیه خود و آمرزش و رحمت (نصیب آنان می‌گردد)؛ و (اگر لغزشهایی داشته‌اند) خداوند آمرزنده و مهربان است.

در آیه‌ای دیگر ضمن مقایسه جهادگران راه خدا با ساقیان حرم الهی و تعمیرکنندگان آن، مقام آنان را بسیار بالاتر دانسته و فرموده است: این دو گروه هرگز با هم مساوی نیستند. «۲»

۳- قرآن مجید، مجاهدانی را که همچون بنیانی محکم و استوار در راه خدا می‌جنگند، محبوبان پروردگار عالم معرفی کرده است. «۳»

۴- یکی دیگر از افتخارات این گروه آن است که مجریان اراده الهی‌اند و خداوند به دست آنان دشمنان خویش را به هلاکت و نابودی می‌رساند:

«قاتِلُوهُمْ یُعَذِّبْهُمُ اللَّهُ بِایْدیکُمْ وَ یُخْزِهِمْ وَ یَنْصُرْکُمْ عَلَیْهِمْ وَ یَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنینَ» «۴»

با آنها پیکار کنید، که خداوند آنان را به دست شما مجازات می‌کند؛ و آنان را رسوا می‌سازد؛ و سینه گروهی از مؤمنان را شفا می‌بخشد.

۵- مجاهدان به مقامی رسیده‌اند که خواسته‌هایشان در درگاه الهی پذیرفته می‌شود امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

---

(۱)- نساء (۴)، آیات ۹۵- ۹۶.

(۲)- توبه (۹)، آیه ۱۹.

(۳)- ر. ک. صف (۶۱)، آیه ۴.

(۴)- توبه (۹)، آیه ۱۴.

جهاد در قرآن، ص: ۱۰۹

«ثَلاثَةٌ دَعْوَتُهُمْ مُسْتَجابَةٌ احَدُهُمْ الْغازی فی سَبیلِ اللَّهِ» «۱»

سه دسته‌اند که دعایشان مستجاب می‌گردد، یکی از آنها، مجاهد در راه خداست.

۶- مجاهدان، در بهشت نیز از مقام و موقعیتی خاص برخوردارند؛ چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دری از درهای بهشت را مخصوص آنان دانسته، می‌فرماید:

یکی از درهای بهشت به نام مجاهدان موسوم‌است که به روی آنان باز است و از آن وارد می‌شوند، درحالی که شمشیرهایشان را حمایل کرده‌اند و همه مردمی که در صحنه محشر گرد آمده‌اند و فرشتگان بر آنها آفرین می‌گویند. «۲»

مجاهدان همان‌گونه که در این دنیا پیشتازند، در سرای دیگر و در مهمانخانه الهی نیز پیشگامند؛ همان حضرت فرمود:

«الُمجاهِدُونَ فی سَبیلِ اللَّهِ قُوَّادُ اهْلِ الْجَنَّةِ» «۳»

مجاهدان راه خدا، پیشگامان اهل بهشتند.

امام خمینی قدس سره نیز با اشاره به خطبه ۲۷ نهج‌البلاغه که جهاد را دری از درهای بهشت می‌نامد که برای اولیای خاص الهی باز شده است، در مورد فضیلت مجاهدان می‌نویسد:

این فضیلت بزرگ در بین فضایل بی‌شماری که برای مجاهدین فی سبیل‌اللّه نقل شده بیشتر جلب توجه می‌کند. این واژه‌ها با همان معنای عرفی خود- نه اسرار الهی و عرفانی که دست ما از آنها کوتاه است- بی‌شک گفتار و نوشتار بشر عادی از بیان آنها عاجز است. این مدال الهی بر بازوان مجاهدان، چون خورشید در نزد صاحبان اسرار غیبی و ملکوتی می‌درخشد؛ مگر این جلوه همان خلعت نیست که ابراهیم خلیل الرحمن را مفتخر کرد؟ و بارقه‌ای از مقام حبیب‌اللّهی نیست که در تارک افضل موجودات می‌درخشد؟ و مگر نازله مقام ولی اللّهی نیست از امیر المؤمنین تا خاتم الاولیاء که به

---

(۱)- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۳.

(۲)- همان، ج ۱۱، ص ۵.

(۳)- همان، ص ۱۸.

جهاد در قرآن، ص: ۱۱۰

آن اولیاء الله مشرف شده؟ اگر هست- که هست- با چه بیان می‌توان حول آن گردید و با کدام چشم بشری می‌شود این جلوه را دید؟ پس بهتر اینکه منِ قاصر با تقدیم السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا خاصَّةَ اوْلِیاءِ اللَّهِ دم فرو بندم؛ و این کرامت بزرگ، برای مجاهدان فی سبیل‌اللّه است، چه شهید یا پیروز شوند یا نشوند .... «۱»

پاداش مجاهدان

۱- هدایت ویژه: مجاهدان مؤمن از هدایتی ویژه بهره‌مند می‌گردند که شامل دیگران نمی‌شود و گویا این اولین پاداش آنان به خاطر مجاهدتشان در راه خدا می‌باشد.

«وَالَّذینَ جاهَدُوا فینا لَنَهْدیَنَّهُمْ سُبُلَنا وَ انَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنینَ» «۲»

و آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، بدون شک، به راه‌های خود هدایتشان خواهیم کرد؛ و خداوند با نیکوکاران است.

۲- آمرزش گناهان: بخشیده شدن گناهان پاداش دیگری است که خداوند به مجاهدان عنایت کرده و در این باره با تأکید بیان می‌دارد که:

«لَاُکَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَیِّئاتِهِمْ» «۳»

به یقین گناهانشان را می‌بخشم!

۳- نعمت‌های بی‌پایان اخروی: خداوند متعال بهشت را به مجاهدان راه خودش ارزانی داشته، می‌فرماید:

«اعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْری مِنْ تَحْتِهَا الْانْهارُ خالِدینَ فیها» «۴»

خداوند برای آنها باغهایی [بهشت فراهم ساخته که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند بود.

---

(۱)- روزنامه اطلاعات، (۵/ ۱۰/ ۶۱).

(۲)- عنکبوت (۲۹)، آیه ۶۹.

(۳)- آل عمران (۳)، آیه ۱۹۵.

(۴)- توبه (۹)، آیه ۸۹.

جهاد در قرآن، ص: ۱۱۱

در برخی از آیات نیز پاداش اخروی مجاهدان، به «رزق حَسَن» «۱» و «اجر عَظیم» «۲» تعبیر شده است.

۴- رحمت و رضوان الهی: اعلام رضایت الهی از بندگان مجاهدش از بزرگ‌ترین پاداش‌هایی است که نصیب مجاهدان می‌گردد.

«یُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَ رِضْوانٍ وَ جَنَّاتٍ لَهُمْ فیها نَعیمٌ مُقیمٌ» «۳»

پروردگارشان آنها را به رحمتی از ناحیه خود، و رضایت (خویش) و باغهایی از بهشت بشارت می‌دهد که در آن، نعمتهای جاودانه دارند.

دقت در این نکته شایان توجه است که خداوند در مقام پاداش دادن به مجاهدان با فضل خویش رفتار نموده و به آنان چنین وعده داده است:

«وَ لا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغيرَةً وَ لا كَبيرَةً وَ لا يَقْطَعُونَ وادِياً الَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ احْسَنَ ما كانُوا يَعْمَلُونَ» «۴»

و هیچ مال کوچک یا بزرگی را (در این راه) انفاق نمی‌کنند، و هیچ سرزمینی را (در رفت و بازگشت از جهاد) نمی‌پیمایند، مگر اینکه برای آنها نوشته می‌شود: تا خداوند آن را به‌عنوان بهترین اعمالشان، پاداش دهد.

در تفسیر فراز آخر این آیه دو گونه ابراز نظر شده است:

اول آنکه، این‌گونه اعمال مجاهدان (یعنی جهادشان) بهترین اعمال دوران حیات ایشان شناخته شده و خداوند، پاداش آنان را متناسب با آن می‌دهد.

دوم اینکه، پاداشِ بهتر و بالاتر از اعمالشان داده می‌شود و خداوند آنها را به بهتر از آن چیزی که انجام داده‌اند، پاداش می‌دهد.

---

(۱)- حج (۲۲)، آیه ۵۸.

(۲)- نساء (۴)، آیه ۷۴.

(۳)- توبه (۹)، آیه ۲۱.

(۴)- همان، آیه ۱۲۱.

جهاد در قرآن، ص: ۱۱۲

منزلت جانباز وشهید

مجروحان و جانبازان جهاد نیز علاوه بر اینکه به مقام و پاداش مجاهدان راه خدا نائل می‌شوند در برخی از احادیث، مورد تجلیل جداگانه قرار گرفته‌اند. از این روایات، ضمن درک پاداش این گروه، عظمت مقامشان نیز روشن می‌شود؛ در اینجا دو حدیث به‌عنوان نمونه نقل می‌کنیم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

کسی که در راه خدا زخم بردارد، روز قیامت در حالی محشور می‌شود که در پیکر او همان زخم با رنگ خون و بوی مشک آشکار است. «۱»

و در حدیث دیگر فرمود:

جبرئیل به من خبری داد که چشمم بدان روشن و دلم شاد شد؛ گفت: ای محمد! هر کس از امت تو در راه خدا جهاد کند و در این راه قطره آبی از آسمان بر او اصابت کند و یا به سر درد مبتلا شود، هر یک در روز قیامت (به رزم‌آوری او) شهادت می‌دهند. «۲»

بدیهی است که وقتی سردرد و خیس شدن در میدان جهاد چنین باشد، جراحت و نقص عضو به‌مراتب بالاتر خواهد بود.

مقام شهدا

شهدا علاوه بر اینکه مقام مجاهدان را دارا هستند، خود نیز دارای مقاماتی بس بزرگند و ما از درک مقام آنان عاجزیم. در بزرگی مقام آنان همین بس که امیر مؤمنان علیه السلام از خداوند طلب منزلت آنان را داشته و می‌فرماید:

«نَسْأَلُ اللَّهَ مَنازِلَ الشُّهَداءِ وَ مُعايَشَةَ السُّعَداءِ وَ مُرافَقَةَ الْانْبِياءِ» «۳»

---

(۱)- سنن ترمذی، ج ۴، ص ۱۸۴.

(۲)- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۷.

(۳)- نهج‌البلاغه، خطبه ۲۳.

جهاد در قرآن، ص: ۱۱۳

مرتبه‌های شهیدان و زندگی خوشبختان و همراهی پیامبران را از خداوند درخواست می‌کنیم.

در اینجا با استفاده از آیات و روایات به بیان گوشه‌ای از مقامات آنان می‌پردازیم:

۱- همرتبه بودن بـا پیـامبران، صـدیقان و صالحان: قرآن مجیـد در مقام بیان کسانی که به آنان نعمت داده شـده شـهدا را در ردیف پیامبران و صدیقین نام می‌برد:

«فَأُولئِکَ مَعَ الَّذینَ انْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیّینَ وَالصِّدیقینَ وَالشُّهَداءِ وَالصَّالِحینَ» «۱»

آنان همنشین کسانی خواهند بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده است، از پیامبران و صدّیقان و شهدا و صالحان.

۲- فاتح قله نیکی‌ها: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«فَوْقَ کُلِّ بِرٍّ بِرٌّ حَتَّی یُقْتَلَ الرَّجُلُ فی سَبیلِ اللَّهِ فَاذا قُتِلَ فی سَبیلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَلَیْسَ فَوْقَهُ بِرٌّ» «۲»

بالاـتر از هر نیکی، نیکی دیگری است تـا اینکه مرد در راه خـدا کشـته شود، وقتی که در راه خـدا کشـته شـد، بالاتر از آن نیکی‌ای وجود ندارد.

۳- ورود بـا عظمت به صـحنه قیـامت: شـهیدان به سـبب بلنـدی مقامشان وقتی وارد صـحرای محشـر می‌گردنـد همه حاضـران، حتی پیامبران به آنان احترام‌می‌گذارند.

امیرمؤمنان علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود:

«فَوَالَّذی نَفْسی بِیَدِهِ لَوْ کانَ الْانْبِیاءُ عَلی طَریقِهِمْ لَتَرَجَّلُوا لَهُمْ مِمَّا یَرَوْنَ مِنْ بَهائِهِمْ ...» «۳»

به آنکه جانم در دست اوست سوگند! اگر پیامبران هم بر سر راه‌آنان (شهیدان)

---

(۱)- نساء (۴)، آیه ۶۹.

(۲)- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۰.

(۳)- مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۲.

جهاد در قرآن، ص: ۱۱۴

باشند، از شکوه و جلال آنان، سر پا می‌ایستند.

۴- شفاعت: شهدا در زمره کسانی هستند که در روز قیامت شفاعت می‌کنند و شفاعتشان مورد پذیرش درگاه الهی واقع می‌شود. در ادامه حدیث پیش آمده است:

«وَ یَشْفَعُ الرَّجُلُ مِنْهُمْ فی سَبْعینَ الْفاً مِنْ اهْلِ بَیْتِهِ وَ جیرَتِهِ، حَتَّی انَّ الْجارَیْنِ یَخْتَصِمانِ ایُّهُما اقْرَبُ»

یک نفر از شـهدا، در مورد هفتاد هزار نفر از خانـدان و همسایگانش شـفاعت می‌کند؛ تا جایی که همسایگان در این که کدام یک به وی نزدیک‌ترند، با هم گفتگو می‌کنند.

چنان‌که یاد شـد، پی بردن به مقام و منزلت شـهیدان از عهـده خاک‌نشـینان بر نمی‌آیـد، امام خمینی قـدس سـره مقام آنان را مافوق تصور دانسته، در این باره می‌فرماید:

شهـادت در راه خداونـد چیزی نیست که بتوان آن را بـا سـنجش‌های بشـری و انگیزه‌هـای عادی ارزیابی کرد و شـهید در راه حق و هـدف الهی را نتوان بـا دیـدگاه امکانی به مقام والای آن پی برد، که ارزش عظیم آن معیاری الهی و مقام والای این، دیـدی ربوبی لاـزم دارد و نه‌تنهـا دست مـا خاک‌نشـینان از آن و این کوتـاه است که افلاکیـان نیز از راه یـافتن به کنه آن عاجزنـد، چه که آنها از

مختصات انسان کامل است و ملکوتیان با آن مقام اسرارآمیز فاصله‌ها دارند .... «۱»

پاداش شهدا

شهیدان راه خدا علاوه بر اینکه از همه پاداش‌هایی که مجاهدان و جانبازان دارند برخوردارند، از پاداش‌های ویژه نیز بهره‌مند می‌گردند که همه آنها در این تعبیر زیبا و عرفانی قرآن مجید نهفته است:

«وَ لا تَحْسَبَنَّ الَّذینَ قُتِلُوا فی سَبیلِ اللَّهِ امْواتاً بَلْ احْیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ» «۲»

---

(۱)- صحیفه نور، ج ۲۲، ص ۳۲۹.

(۲)- آل عمران (۳)، آیه ۱۶۹.

جهاد در قرآن، ص: ۱۱۵

(ای پیامبر!) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

گرچه زنده بودن همه انسانها پس از این جهان (در عالم برزخ) امری قطعی است و متنعم بودن همه افراد نیکوکار در آن جهان نیز در محضر حضرت حق جلّ و علا صورت می‌گیرد، اما ذکر این دو ویژگی برای شهیدان نشان می‌دهد که حیات شهیدان و متنعم بودن آنان با دیگر بهشتیان متفاوت است و در مراتبی بس والاتر قرار دارد.

امام خمینی قدس سره در تبیین این حقیقت می‌فرماید:

این حیات و این روزی غیر از زندگی در بهشت و روزی در آن است. این لقاء الله و ضیافت الله می‌باشد، آیا این همان نیست که برای صاحبان نفس مطمئنه وارد است «فَادْخُلی فی عِبادی وَادْخُلی جَنَّتی که فرد بارز آن سید شهیدان علیه السلام است؟ اگر آن است چه مژده‌ای برای شهیدان در راه مرام امام حسین علیه السلام که همان سبیل‌الله است، از این بالاتر که در جنّتی که آن بزرگوار شهید فی سبیل‌الله وارد می‌شود و در ضیافتی که آن حضرت حاضرند، به این شهیدان اجازه دخول دهند که آن غیر از ضیافت‌های بهشتی است و آنچه در وهم من و تو و شما نیاید، آن بود. «۱»

و در تعبیری حماسی و عرفانی می‌فرماید:

شهدا شمع محفل دوستانند؛ شهدا در قهقهه مستانه‌شان و در شادی وصولشان «عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونْ» اند و از نفوس مطمئنه‌ای هستند که مورد خطاب «فَادْخُلی فی عِبادی وَادْخُلی جَنَّتی پروردگارند. این جا صحبت عشق است و عشق و قلم در ترسیمش بر خود می‌شکافد. «۲»

پاداش شهید از همان لحظه شهادت آغاز می‌شود و لطف و رحمت الهی او را فرامی‌گیرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی به این پاداشها اشاره نموده، می‌فرماید:

---

(۱)- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۲۳.

(۲)- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۳۲.

جهاد در قرآن، ص: ۱۱۶

برای شهید هفت خصلت است:

۱- با نخستین قطره خون او (که به زمین می‌ریزد) همه گناهان او آمرزیده می‌شود.

۲- سرش در دامن دو همسرش که از حورالعین بهشتند، قرار می‌گیرد و آنان غبار از چهره‌اش می‌زدایند و به او آفرین می‌گویند و او نیز متقابلًا پاسخ می‌گوید.

۳- از لباس‌های بهشت می‌پوشد.

۴- مأموران بهشت با عطرهای خوشبو از او استقبال می‌کنند و او هر یک را که بخواهد انتخاب می‌کند.

۵- منزل خود را در بهشت می‌بیند.

۶- به او گفته می‌شود در هر جای بهشت که می‌خواهی آزاد باش.

۷- به وجه خدا نظر می‌کند و این برای هر پیامبر و شهید مایه راحتی و آرامش است. «۱»

---

(۱)- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۰.

جهاد در قرآن، ص: ۱۱۷

فصل هفتم‌نقش زنان در جهاد و دفاع

اشاره

همان‌گونه که در فصل‌های گذشته یادآور شدیم، دشمن‌شناسی و دارا بودن روحیه دشمن‌ستیزی از ویژگی‌های مؤمنان است و در این راه تفاوتی میان مردان و زنان با ایمان وجود ندارد. هر دو قشر در انجام وظیفه و دفاع از کیان اسلام و نظام اسلامی مسؤول بوده و باید توان خود را در راه انجام این مهم مصروف دارند؛ البته هر کدام از این دو قشر با توجه به شرایط و توانی که خداوند برای آنان قرار داده است، در برخی از امور مربوط به جهاد و دفاع، نقش برجسته‌تری را ایفا می‌کنند. در این فصل نقش زنان در جهاد و دفاع رامورد بررسی قرار می‌دهیم و در مواردی به نمونه‌های تاریخی اشاره می‌کنیم. نقش زنان را در یک تقسیم کلی به دو قسم می‌توان تقسیم کرد:

الف- شرکت مستقیم

اشاره

حضور مستقیم در جبهه و درگیری رو در رو با دشمن، در جهاد ابتدایی بر زنان واجب نیست، امّا در جهاد دفاعی آنان نیز همچون مردان موظف به دفاع از اسلام و حکومت اسلامی می‌باشند. دلیل این مطلب نیز آن است که دفاع در برابر تهاجم دشمن واجب عینی است که برعهده همه مکلّفین اعم از زن و مرد قرار گرفته و تنها پس از این که عدّه‌ای در حد کفایت آن را انجام دادند از عهده دیگران ساقط می‌شود.

امام خمینی قدس سره در مورد وجوب دفاع بر همگان می‌فرماید:

اگر خدای نخواسته زمانی یک هجومی به مملکت اسلامی بشود باید همه مردم، زن و مرد حرکت کنند. مسأله دفاع این‌طور نیست که تکلیف منحصر به مرد باشد یا

جهاد در قرآن، ص: ۱۱۸

اختصاص به یک دسته‌ای داشته باشد. همه باید بروند از مملکت خود دفاع کنند. «۱»

حضور مستقیم زنان در صحنه‌های دفاع را در قالب عناوین ذیل می‌توان توضیح داد:

۱- رزم شجاعانه:

در برخی از موارد، با توجه به مقتضیات و شرایطی که به‌وجود می‌آید زنان نیز خود را ملزم به رزم مستقیم با دشمن می‌بینند و در این راه، چون مردان شجاع، بی‌باکانه به دشمن حمله‌ور شده و وظیفه خود در دفاع از کیان اسلام را به انجام می‌رسانند. نمونه‌هایی از این نوع در صدر اسلام و در حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به‌وقوع پیوسته است.

در نبرد احد، زنی بنام «نسیبه» به همراه شوهر و دو فرزند خود در جنگ شرکت داشت. در آغاز درگیری، او مشک آب را برداشته و به مجروحان آب می‌داد. در اوج درگیری عده‌ای از مسلمانان، پیامبر را تنها گذارده پا به فرار نهادند. در این هنگام، نسیبه برای حفاظت از جان پیامبر صلی الله علیه و آله، با دشمن به نبرد پرداخت و دوازده زخم شمشیر و نیزه برداشت. «۲»

ام حارث نیز که از زنان شجاع انصار بود در جنگ حنین شرکت داشت و وقتی لشکریان حضرت صلی الله علیه و آله پا به فرار گذاشتند، او فرار نکرد و در پیش روی رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار گرفت و خود را سپر بلای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نمود. «۳»

امّ ابان نمونه دیگری از زنان شجاع صدر اسلام بود که پس از شهادت همسرش در جنگ با رومیان، ابتدا همسر خویش را کفن کرد و سپس برای خونخواهی به مبارزه مسلحانه با کفار پرداخت. در این درگیری، علاوه بر هدف قرار دادن قاتل همسرش، تعداد دیگری از دشمن را نیز به هلاکت رساند. «۴»

۲- پرستاری از مجروحان:

از دیگر نقش‌های برجسته زنان در جنگ، پرستاری و مداوای مجروحین در جبهه می‌باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به زنان برای حضور در جبهه و

---

(۱)- صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۱۷.

(۲)- طبقات الکبری، ج ۸، ص ۴۱۲؛ المغازی، ج ۱، ص ۲۶۸.

(۳)- اعلام النساء، ج ۱، ص ۲۳۲.

(۴)- ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۳۵۴.

جهاد در قرآن، ص: ۱۱۹

مداوای مجروحین اذن می‌داد و آنها نیز مشتاقانه در این کار شرکت می‌جستند. از جمله این زنان می‌توان از ام عطیّه، معاذه غفاریه، لیلای غفاریه و ام سنان اسلمیه نام برد. «۱»

در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیز، زنان فراوانی در قالب بسیج و غیر آن در این امر مشارکت داشته و تعدادی از آنها نیز به شرف شهادت رسیده و یا مجروح شده‌اند.

گفتنی است زنان در جنگ‌های صدر اسلام کارهایی برعهده داشته‌اند که با توجه به شرایطِ زمان ما، این امور بر عهده مردان قرار می‌گیرد. این گونه کارها عبارت بودند از:

آبرسانی به جبهه و آب دادن به رزمندگان، حمل مجروحین و شهدا به پشت جبهه، نگهداری تدارکات و رساندن مهمات به رزمندگان، آشپزی و طبخ غذا، تهیه دارو و تعمیر و ترمیم وسایل تدارکاتی رزمندگان.

ب- شرکت غیر مستقیم

اشاره

نقش زنان در جبهه و جنگ بیشتر از طریق غیر مستقیم می‌باشد. البته تأثیر این مشارکت به مراتب بیشتر از مشارکت آنان به‌طور مستقیم بوده و با توجه به توضیحاتی که خواهد آمد می‌توان گفت‌که حضور مردان در جبهه نیز مدیون همین مشارکت زنان است.
امام خمینی درباره نقش پراهمیّت زنان در انقلاب و به‌ویژه جبهه و جنگ می‌فرماید:
ما مفتخریم که بانوان و زنان، پیر و جوان، خرد و کلان، در صحنه‌های فرهنگی و اقتصادی و نظامی، حاضر و همدوش مردان، یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعّالیّت دارند و آنان که توان جنگ دارند در آموزش نظامی که برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی، از واجبات مهم است شرکت و از محرومیت‌هایی که توطئه دشمنان و ناآشنایی دوستان از احکام اسلام و قرآن بر آنها، بلکه بر اسلام و مسلمانان تحمیل نمودند، شجاعانه و متعهدانه خود را رهانیده و از قید خرافاتی که دشمنان برای منافع خود به‌دست نادانان و بعضی آخوندهای بی‌اطّلاع از مصالح

---

(۱)- الاصابهٔ، ج ۴، ص ۸۴ و ۴۰۲؛ اعلام النساء، ج ۵، ص ۶۱؛ ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۴۱۰.

جهاد در قرآن، ص: ۱۲۰

مسلمین به‌وجود آورده بودند، خارج نموده‌اند. و آنان که توان جنگ ندارند در خدمت پشت جبهه به‌نحو ارزشمندی که دل ملت را از شوق و شعف به لرزه می‌آورد و دل دشمنان و جاهلان بدتر از دشمنان را از خشم و غضب می‌لرزاند، اشتغال دارند و ما مکرّر دیدیم که زنان بزرگواری زینب گونه علیهاسلام‌الله، فریاد می‌زنند که فرزندان خود را از دست داده و در راه خدای تعالی و اسلام عزیز از همه چیز خود گذشته و مفتخرند به این امر و می‌دانند آنچه به‌دست آورده‌اند بالاتر از جنات نعیم است، چه رسد به متاع ناچیز دنیا «۱»!
اقسام حضور و نقش‌های زنان در پشت جبهه را می‌توان چنین ترسیم نمود.

۱- رزمنده پروری و تشویق شوهران و فرزندان به شرکت در جهاد

از نقش‌های بسیار سازنده زنان در امر جهاد، تشویق مردان به شرکت در جنگ‌هاست. با توجه به بُعد عاطفی قوی‌ای که در زنان وجود دارد، تأثیر کلام و تشویق آنان اثر فراوانی در تهییج و تحریک مردان به مقاومت و دفاع دارد. امام خمینی قدس سره در این مورد می‌فرماید:
زن‌ها هستند که ملّت‌ها را تقویت می‌کنند، شجاع می‌کنند، بانوان در صدراسلام با مردان در جنگ‌ها هم شرکت داشته‌اند. «۲»
تاریخ صدر اسلام نیز گواه آن است که در مواردی تشویق زنان باعث حرکت شوهرانشان به‌سوی میدان جهاد و دفاع بوده است. در حرکت تاریخی امام حسین علیه السلام نیز برخی از یاران آن حضرت به تشویقِ همسران خود به نهضت امام پیوسته و با آن حضرت تا پای جان همراهی کرده‌اند. به‌عنوان مثال وقتی نامه امام به زهیر بن قین رسید، وی در ابتدا تمایلی به پیوستن به سپاه امام نداشت. امّا با شنیدن سخنان حماسی و مشوقانه

---

(۱)- وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی (ره).

(۲)- صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۲۵۳.

جهاد در قرآن، ص: ۱۲۱

همسرش، عزم خویش را بر یاری امام علیه السلام جزم نمود و به سپاه آن حضرت پیوست. «۱»
اصولًا وجود همفکری و همیاری زنان نه‌تنها باعث تشویق و حرکت بستگان درجه اوّل آنها می‌شود که سبب تشویق و حساسیّت دیگر مردان نیز نسبت به امر دفاع می‌گردد. امام خمینی قدس سره در این باره می‌فرماید:
اگر چنانچه یک عده زن در محلی وارد بشوند که محل جنگ است علاوه بر این که خودشان جنگ می‌کنند مردها که یک احساسی دارند نسبت به زن‌ها، حساسیّت نسبت به زن‌ها دارند، مردان قوه‌شان را دو چندان می‌کنند، این‌طور نیست که اگر اینها فرض کنید بروند دفاع کنند، خودشان دفاع کرده‌اند، دیگران را هم به دفاع وادار کرده‌اند. مرد حساس است نسبت به زن، مرد اگر صد نفر را ببیند که می‌کشند ممکن است خیلی ناراحت نشود؛ امّا اگر یک زن را ببیند که بی‌احترامی می‌کنند حساسیت دارد ولو آنکه آن زن اجنبی باشد و هیچ کاری هم به او نداشته باشد. این یک حساسیتی است که مردها دارند.
بنابراین پیش قدم شدن شما در همه مسائل، مِن جمله مسائل دفاع، مسائل جهاد، مسائل کمک کردن به جبهه‌ها، مسائل وارد شدن در هر طریقه‌ای، اسباب این می‌شود که مردها هم بیشتر وارد بشوند و مردها هم قوی‌تر بشوند. «۲»

۲- ایجاد آرامش روانی برای رزمندگان نسبت به اداره زندگی و تربیت فرزندان

رزمندگان اسلام برای اینکه بتوانند با روحیّه‌ای آرام و بدون دغدغه به جنگ و دفاع بیندیشند و تمام فکر و قوای خود را بر آن متمرکز کنند، باید فکرشان از ناحیه خانه و فرزندان خود آسوده بوده، اطمینان داشته باشند که در غیاب آنان، زندگی‌شان به‌طور طبیعی جریان دارد و فرزندانشان با آرامش کامل به امور تعلیمی و تربیتی خود خواهند رسید. تأمین این خواسته بحق رزمندگان، در سایه زحمات و الطاف همسران آنان میسّر

---

(۱)- رجال مامقانی، ج ۱، ص ۴۲۵؛ اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۳۸۱.
(۲)- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۸۰.

جهاد در قرآن، ص: ۱۲۲
است؛ زیرا همسران رزمندگان در غیاب آنها از کیان خانواده حفاظت نموده و تمام توان خود را برای اداره صحیح زندگی خود و فرزندانشان به‌کار می‌برند.
این جنبه از تلاش زنان، از جمله نقش‌های بسیار مثبت و سازنده زنان در تحکیم موقعیت رزمندگان اسلام است که نقش برجسته زنان نسبت به مسأله دفاع را روشن می‌سازد.

۳- استقبال از شهادت جوانان

یکی از مسائل مهم در جهاد و دفاع، روحیه مقاومت و نحوه برخورد با مشکلات و مصائب جنگ است. ملّتی که تحمل بالایی از خود نشان دهد قطعاً پیروز از میدان به‌در آمده شاهد موفّقیت خود خواهد شد. و اگر ملّتی تحمل مصائب و آثار خسارت‌بار جنگ را نداشته باشد روحیه خود را از دست می‌دهد، در نتیجه روحیه رزمندگان را نیز ضعیف و آنان را در اجرای مقاصد خود سست می‌کند. یکی از مسائلی که در این راستا باید مورد توجه قرار گیرد نحوه برخورد با تلفات جانی جنگ است. این مسأله نیز ارتباط تنگاتنگی با روحیه مقاومت و ایمان زنان یک جامعه دارد. زیرا اگر زنان از شهادت فرزندان و عزیزان خود استقبال کنند و با آغوش باز آن را پذیرا باشند، از ورود ضعف و سستی به اردوی مدافعان نظام جلوگیری خواهد شد و گرنه ممکن است دشمن از همین ناحیه، نقطه ضعف را شناسایی کرده و با القای وسوسه‌های شیطانی خود، اختلاف و شکست را در میان مدافعان نفوذ دهد.

خوشبختانه زنان مسلمانان با توجه به روحیه ایمانی و درس‌هایی که از قرآن و عملکرد پیشوایان دین گرفته‌اند، به استقبال از شهادت جوانان و عزیزانشان رفته و بدین وسیله نقش مهمی را در ایفای وظیفه خود در قبال جهاد و دفاع عملی ساخته‌اند.

نمونه‌های فراوانی از این زنانِ مؤمن و ایثارگر در صدر اسلام و همچنین در ایران، از آغاز نهضت اسلامی تاکنون وجود داشته‌اند.

۴- پرستاری و امدادگری

در زمان‌های گذشته به دلیلِ نبودِ امکانات برای حمل سریع مجروحان، مداوای آنان غالباً در میدان رزم انجام می‌شد و به همین جهت زنانی نیز که برای کمک در این امر

جهاد در قرآن، ص: ۱۲۳

داوطلب می‌شدند به جبهه اعزام شده و در همانجا به پرستاری و مداوای مجروحین اقدام می‌کردند. امّا در زمان کنونی اقدامات ضروری و اولیّه در جبهه انجام می‌شود و اکثر معالجات در بیمارستان‌ها و مناطق پشت جبهه صورت می‌گیرد. زنان در این مورد نیز نقش ممتازی را در ارائه خدمات پزشکی به مجروحان داشته و در حقیقت یکی از نقش‌های حساس خود برای امردفاع و جهاد را ایفامی‌کنند.

۵- کمک‌های مالی و تدارکاتی

در قرآن مجید و سخنان پیشوایان دین، از مؤمنان خواسته شده که در راه دفاع از اسلام و جامعه اسلامی علاوه بر جهاد با جان خویش، به جهاد مالی نیز اقدام کنند. این دستور نیز همه مؤمنان اعم از زن و مرد را در برمی‌گیرد. در صدر اسلام، و به هنگام اعزام سپاهیان به جبهه نبرد، زنان مسلمان به حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شرفیاب شده و به اهدای زیورآلات خود و سایر وسائلی که رزمندگان اسلام بدان محتاج بودند، می‌پرداختند. «۱»

در طول جنگ تحمیلی نیز زنان کشورمان بطور مرتّب به اهدای اموال و وسایل لازم جهت جبهه اقدام می‌کردند که این امر بارها مورد تقدیر و سپاس رهبر کبیر انقلاب قرار گرفت. به‌طوری که امام قدس سره درباره آنها فرمود:

زنان در عصر ما ثابت کردند که در مجاهده همدوش مردان بلکه مقدم بر آنانند. زنان ایران هم مجاهدات انسانی عظیم کرده‌اند و هم مجاهدات مالی. «۲»

۶- فعالیت‌های تبلیغاتی

در زمان‌های گذشته و در صدر اسلام، یکی از عملکردهای زنان، تشویق و تهییج مردان به جنگ به‌وسیله ایراد خطابه، شعر، سرود و ... بود. این کار در میدان جنگ صورت می‌گرفت. برای نمونه می‌توان به عکرشه دختر اطرش، بکاره هلالیه و زرقاء دختر عدی کوفی اشاره کرد که در جنگ صفین با خواندن اشعار و خطابه به تشویق

---

(۱)- المغازی، ج ۳، ص ۹۹۲.

(۲)- سیمای زن در کلام امام خمینی، ص ۱۰۹، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

جهاد در قرآن، ص: ۱۲۴

مردان مبادرت می‌کردند. «۱»

در زمان معاصر به دلیل گسترش وسایل ارتباط جمعی، به حضور مستقیم زنان در جبهه برای انجام این امر نیازی نمی‌باشد و در

حقیقت از اموری است که زنان می‌توانند در پشت جبهه نقش ایفا کنند. در طول جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران نیز عده‌ای از زنان، با سرودن اشعار حماسی و دینی، و پخش آنها از رادیو و مطبوعات، به تهییج دلاور مردان جبهه و جنگ همت گماردند و با تبلیغات خویش، وظیفه خود در دفاع از اسلام و سرزمین اسلامی را به انجام رساندند.

---

(۱)- ر. ک. بلاغات النساء، ص ۵۰، ۵۳، ۱۰۳ و ۱۱۰.

جهاد در قرآن، ص: ۱۲۵

فصل هشتم وظایف مردم در پشت جبهه

اشاره

نظام اسلامی، نظامی مردمی است، از این رو همه مسلمانان خود را ملزم و موظف به حمایت از آن می‌دانند و در امور مهمی که پیش می‌آید با یکدلی و صمیمیت به میدان شتافته و از نظام الهی، حمایت می‌کنند. از جمله این حوادث، جنگ و جهاد است. در مواقعی که جنگی میان مسلمانان و دشمنان آنان پدید می‌آید، گروهی به‌طور مستقیم در میدان نبرد حضور می‌یابند. مسلمانان دیگری نیز که در پشت جبهه قرار دارند، بنابرتکلیف خود، به حمایت از رزمندگان خواهند پرداخت. اهم مواردی که در این راستا برعهده آنان قرار می‌گیرد موارد ذیل است.

الف- پشتیبانی معنوی و فرهنگی از رزمندگان

۱- تجلیل و تأیید رزمندگان و ایثارگران

یکی از وظایف اصلی مردم در پشت جبهه حمایت و تشویق رزمندگان و درخواست یاری و نصرت از خدا برای آنها می‌باشد. از این رو با انجام اموری چون دعا، نذر و پرداخت صدقه، سلامتی و پیروزی رزمندگان را از درگاه خداوند طلب می‌کنند. علاوه بر این امور باید جو جامعه را به‌گونه‌ای جهت داد که همه ارگان‌ها و نهادهای جامعه، توجه به رزمندگان و اهداف آنان را مد نظر قرار داده و از اموری که توجه جامعه را از امر مهم جهاد و رزمندگان غافل می‌کند، برحذر داشت. درک عظمت مقام و موقعیت رزمندگان و ارزش‌گذاری امور جامعه بر مبنای جهاد و نیز بسیج همگانی در جهت توجه داشتن به کسانی که به دفاع از مکتب، نظام و آب و خاک حکومت اسلامی پرداخته‌اند،

جهاد در قرآن، ص: ۱۲۶

عزم مجاهدان را در سرکوبی دشمن راسخ‌تر و صبر و مقاومت آنان را افزونتر خواهد کرد.

امام صادق علیه السلام در مقام تجلیل از رزمندگان فرمود:

«مَنْ قالَ لِغازٍ مَرْحَباً وَ اهْلًا حَیَّاهُ اللَّهُ یَوْمَ الْقِیامَةِ وَاسْتَقْبَلَهُ الْمَلائِکَةُ بِالتَّرْهیبِ وَالتَّسْلیمِ» «۱»

کسی که به رزمنده‌ای آفرین و خوش‌آمد گوید، خداوند در روز قیامت به او تحیت خواهد گفت و فرشتگان، او را با خوش آمد و درود، استقبال خواهند کرد.

۲- تجلیل از شهدا، جانبازان و مجروحان

از دیگر امور لازم، گرامیداشت شهدای جهاد و کسانی است که در این راه متحمل نقص عضو و جراحت شده‌اند. تجلیل معنوی از

شهید و جانباز و مجروح سبب دمیده شدن روح امید در کسانی می‌شود که به جبهه رفته‌اند و یا عزم رفتن دارند. علاوه بر آن، توجه به شهیدان و وصایای آنان، فرهنگ جامعه را تضمین کرده و روح جهاد را در پیکر اجتماع باقی نگه می‌دارد.

بزرگداشت خانواده‌های شهدا و جانبازان نیز از دیگر وظایف مؤمنانی است که در پشت جبهه به خدمت مشغولند.

۳- رسیدگی به خانواده‌های رزمندگان

توجه به خانواده‌های رزمندگان و سعی دربرآوردن نیازهای آنان موجب دلگرمی و آرامش خاطر مجاهدان شده، آنان با تمام توان، همتشان صرف جنگ با دشمن و آسودگی فکرشان از اشتغال به پشت جبهه می گردد. در روایات نیز به این مسأله توجه شده و سرکشی به خانواده‌های رزمندگان و رفع حوائج آنان از اقدام‌های ارزشمند شمرده شده است.

---

(۱)- مستدرک الوسایل، ج ۲، ص ۲۴۵.

جهاد در قرآن، ص: ۱۲۷

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَنْ جَهَّزَ غازِیاً فی سَبیلِ اللَّهِ فَقَدْ غَزا، وَ مَنْ خَلَفَ غازِیاً فی اهْلِهِ بِخَیْرٍ فَقَدْ غَزا» «۱»

کسی که جنگجوی راه خدا را تجهیز کند، مثل این است که خود در جنگ شرکت کرده و همچنین است کسی که رسیدگی به امور خانواده رزمنده‌ای را در غیاب او به‌عهده گیرد.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

«ثَلاثَةٌ دَعْوَتُهُمْ مُسْتَجابَةٌ؛ احَدُهُمُ الْغازِیُ فی سَبیلِ اللَّهِ فَانْظُرُوا کَیْفَ تَخْلُفُونَهُ» «۲»

دعای سه کس مستجاب می‌شود؛ یکی از آنان جنگجوی راه خداست. توجه داشته باشید که در غیاب او چگونه جانشینی هستید.

در حدیثی نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کسانی را که به جهاد نرفته و یا در رسیدگی به خانواده‌های رزمندگان به نیکی رفتار نکرده‌اند مورد عذاب الهی دانسته است. «۳»

البته حمایت معنوی از رزمندگان با توجه به شرایط و مقاطع مختلف، به شکل‌های متفاوتی صورت می‌پذیرد، گاهی به صورت تظاهرات و اعلام پشتیبانی رسمی و دادن پیام‌های مناسب و حماسی است و گاهی با سرودن اشعار و راه انداختن تبلیغات در تأیید رزمندگان ... و از همه مهمّ‌تر، داشتن وحدت کلمه و اعلام حمایت کامل از رهبر.

ب- مقابله با توطئه‌های دشمن و ستون پنجم

اشاره

وظیفه دیگر مسلمانانی که در پشت جبهه به فعالیت روزمره مشغولند آن است که اوضاع پشت جبهه را به گونه‌ای سامان دهند که رزمندگان در جبهه، مطمئن باشند که خطری از پشت سر آنها را تهدید نمی‌کند و همچنین اهدافی که به خاطر آن سلاح برگرفته و در میدان نبرد جانبازی می‌کنند، در پشت جبهه به بازی گرفته نشده و مردم با

---

(۱)- الترغیب والترهیب، ج ۲، ص ۲۵۴.

(۲)- وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۳.

(۳)- ر. ک. سنن ابی‌داود، ج ۳، ص ۱۰.

جهاد در قرآن، ص: ۱۲۸

حفظ همبستگی و علاقه به آرمان و نبرد مقدسشان، توطئه‌ها و ترفندهای دشمن را نقش بر آب می‌کنند. در غیر این صورت، ذهن آنان از مسائل جنگ و دفاع به مسائل پشت جبهه منصرف شده و در رویارویی با متجاوزان کارآیی لازم را نخواهند داشت. در این قسمت ازبحث به اهم مسائلی که برای مقابله با توطئه‌های دشمن در نفوذ به پشت جبهه ضروری است، اشاره می‌کنیم:

۱- پرهیز از تفرقه

همان‌گونه که اتحاد و هماهنگی رزمندگان سبب پیروزی در میدان نبرد خواهد شد، وحدت نیروهای مستقر در پشت جبهه نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در پیروزی رزمندگان خواهد داشت؛ زیرا وحدت یک ملت سبب ایجاد رعب و هراس در دل دشمنانش شده، امید دشمن را در رخنه به صفوف آنان به یأس بدل خواهد کرد. به همین دلیل وظیفه مؤمنان آن است که از درگیری‌های داخلی و نزاع و کشمکش‌هایی که فرصت را برای دشمنان فراهم می‌آورد پرهیز نمایند و اگر اختلاف سلیقه‌ای نیز در بین آنان وجود دارد از راه گفتگو و برخورد مسالمت‌آمیز به تفاهم و توافق برسند تا بتوانند همچون ید واحده‌ای در برابر دشمن قیام نموده و به تجهیز لشکر اسلام همت گمارند.

دشمن هر چند گاهی، با ایجاد شایعه و جعل نسبت‌های ناروا به مسؤولان، درصدد ایجاد تفرقه در میان صفوف به هم فشرده مؤمنان در جبهه و پشت جبهه برمی‌آید. در این مواقع با هشیاری باید به شناخت ریشه‌های شایعه‌افکن پرداخت و با انعکاس اخبار صحیح و واقعی به مردم، آنها را از واقعیات با خبر ساخت. صمیمیت و یکرنگی مسؤولین کشور و فرماندهان نظامی با مردم نیز سبب ایجاد رابطه بیشتر و در نتیجه وحدت عمومی در جامعه خواهد شد.

تبیین اهداف جنگ و انگیزه متجاوزان نیز از مسائل لازمی است که برای پدید آمدن روح وحدت در جامعه ضروری است زیرا با مشخص نشدن آن، عزم همگانی برای ادامه نبرد تا رسیدن به پیروزی نهایی و دفع شر متجاوزان حاصل نمی‌شود و گروه‌های مختلف در مقاطع گوناگون به گمان اینکه دیگر نیازی به ادامه جنگ نیست و دشمن از رسیدن به

جهاد در قرآن، ص: ۱۲۹

مقصد خود مأیوس شده، از ادامه نبرد دست نگه می‌دارند. بدین جهت ضروری است که توجیه کافی در مورد نیروهای رزمنده و ملت پشتیبانی کننده صورت گیرد.

تقویت معنویات و روحیات متعالی در فضای جامعه از عوامل مهم در ایجاد وحدت در جامعه است؛ زیرا روآوردن به مسائل مادی و هوا و هوس ها، عامل اصلی پدید آمدن نزاع و کشمکش‌هاست. امّا انتشار روحیه معنویت‌خواهی، سبب می‌شود که توجه به منافع شخصی کمرنگ شده و دل‌ها به هم نزدیک گردند.

هماهنگی و وحدت رویه مسؤولان و توجه به اقشار پایین جامعه نیز در ایجاد وحدت تأثیر بسزایی دارد، زیرا غالب مدافعان دین و ملت، از طبقات متوسط و پایین جامعه هستند و توجه به این اقشار، آنها را دلگرم ساخته و راه نفوذ دشمن را سد می‌کند.

۲- حفظ امنیت داخلی

رزمندگان زمانی در عملیات خود بر ضد دشمن موفق می‌شوند که با فکری آسوده به نقشه‌کشی بر علیه دشمن پرداخته و تضمین لازم را برای دریافت کمک و پشتیبانی از پشت جبهه داشته باشند و هر دوی این امور در گرو تضمین امنیت داخلی کشور است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به هنگام نبرد احزاب، توجه به امنیت داخلی شهر مدینه نیز داشت و به همین جهت قسمتی از نیروها

را برای حفاظت از شهر در مقابل توطئه منافقان و کسانی که ممکن بود امنیت شهر را بر هم زده و سبب آسیب‌پذیر شدن نیروهای رزمنده گردند، به‌کار گرفت.

هر چند وظیفه حفظ امنیت داخلی کشور، برعهده نیروهای نظامی و انتظامی مستقر در پشت جبهه‌ها و در داخل شهرهاست امّا نباید نقش عموم مردم را در این مهم فراموش کرد. افراد جامعه وظیفه دارند با مراجعه به بسیج و تشکیل ارتش مردمی به حفاظت از شهر و منطقه خود بپردازند. قطع دست افراد شرور و کسانی که با بر هم زدن امنیت اجتماعی سبب آلوده شدن جو سالم اجتماع می‌شوند از اهم وظایف مؤمنان است.

۳- مقابله با جنگ روانی دشمن

جهاد در قرآن، ص: ۱۳۰

امروزه جنگ روانی یکی از عوامل عمده و حسّاس دستیابی به موفقیت در کلیه نبردها اعم از نظامی، اقتصادی، تبلیغاتی و سیاسی است. به‌طور کلی دشمن برای پیروزی خود، گذشته از عوامل گوناگون، از دو عامل بیشترین استفاده را می‌برد: یکی مجهز بودن به انواع وسایل رزم و دیگری به‌کارگیری فنونی که موجب شکست روحیه نیروهای طرف مقابل خود بشود که از آن به جنگ روانی تعبیر می‌کنیم؛ در مواردی تأثیر جنگ روانی اگر بیشتر از وسایل مجهز جنگی نباشد، از آنها نیز کمتر نیست. از این جهت یکی از وظایف مردم در پشت جبهه مقابله با جنگ روانی دشمن است. البته چون در این جنگ، دشمن از فنون و شیوه‌های مختلف بهره می‌گیرد، مردم نیز متناسب با ابزار و روش‌های به‌کار گرفته شده توسط دشمن باید واکنش نشان داده و مقابله نمایند. به‌عنوان مثال گاهی دشمن در قالب تبلیغات فراوان و راه انداختن سر و صدای زیاد در رسانه‌ها و مطبوعاتِ، به بزرگ‌نمایی خود می‌پردازد تا بدین وسیله روحیه نیروهای مدافع و مردم پشتیبانی کننده را تضعیف کند. در این مورد ارائه آمار صحیح و واقعی از نیروهای دشمن و تبلیغات متقابل و ارائه نقاط ضعف دشمن می‌تواند از موفقیت دشمن در این زمینه بکاهد. شرکت مردم در مانورهایی که توسط فرماندهان اسلام برگزار می‌گردد از دیگر پاسخ هایی است که تیر رها شده از کمان نبرد روانی دشمن را به‌سوی خود آنها بازخواهد گرداند و دلهره و اضطراب را به اردوی دشمن منتقل خواهد کرد.

همچنین دشمن در پی کسب اسرار و خبرهای سرّی از درون نیروهای رزمنده اسلام و امکانات آنان است تا هم بتواند براحتی با آنان مقابله نماید و هم بتواند با افشای برخی از آنها، سبب ضربه روانی به آنان گردد. در این مورد نیز وظیفه مردم سنگین است؛ زیرا دشمن با وجود ستون پنجمی که دارد به جمع‌آوری این اخبار و اطلاعات می‌پردازد.

از این رو بر همه مردم است که در نقل اخبار و وقایع مواظبت نمایند تا آنچه که سرّی است و یا جنبه نظامی دارد و دشمن می‌تواند از آن سوء استفاده کند، به دست دشمن نرسد. مقابله با شایعات، دروغ‌افکنی‌ها، بزرگ‌نمایی‌ها و سایر مواردی که از سوی دشمن پخش می‌شود از دیگر وظایف عموم مردم در جنگ روانی است.

جهاد در قرآن، ص: ۱۳۱

ج- پشتیبانی مالی و تدارکاتی از جبهه

تدارکات، اعم از اینکه قبل از حمله به دشمن، صورت گیرد یا به هنگام حمله، نقش بسزایی در تحقق و حفظ پیروزی دارد و یکی از ضروریات سازماندهی نیروهای رزمی به‌شمار می‌رود، چرا که تدارکاتِ بموقع و مناسب، مانع کاستی نیرو و قدرت رزمندگان می‌شود. برای مثال، سوخت رسانی صحیح و بموقع برای خود روها، آبرسانی، رساندن مواد غذایی برای پیکار گران، رساندن سلاح و مهمّات برای گرم نگه داشتن جبهه‌ها و رفع دیگر نیازمندی‌ها از این مقوله است که چنانچه در وقت خود فراهم نشود، اداره جنگ

با مشکل مواجه خواهد شد و سبب تضعیف روحیه نیروها شده و از قدرت و توان رزمی‌شان می‌کاهد. به‌عنوان مثال، نیرویی که در حال پیشروی است، چنانچه از نظر سوخت، مهمّات، مواد غذایی و ... به‌وسیله غنایم یا نیروهای پشتیبانی، تدارک نشوند، از ادامه پیشروی باز می‌مانند و حتّی مجبور می‌شوند به عقب برگردند که در هر دو صورت زیان دیده و خساراتی را متحمل خواهند شد، بدون اینکه نتیجه‌ای به‌دست بیاورند.

امروزه، در کشورهای دارای اقتصاد صحیح و برنامه‌ریزی شده، بودجه مورد نیاز نیروهای نظامی از منابع ملی و مالیات تأمین می‌شود و در واقع، تأمین کننده آن خود مردم هستند، چنانکه امیر مؤمنان علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر می‌فرماید:

«ثُمَّ لا قِوامَ لِلْجُنُودِ الَّا بِما یُخْرِجُ اللَّهُ لَهُمْ مِنَ الْخَراجِ الَّذی یَقْوُوْنَ بِهِ عَلی جِهادِ عَدُوِّهِمْ وَ یَعْتَمِدُونَ عَلَیْهِ فیما یُصْلِحُهُمْ وَ یَکُونُ مِنْ وَراءِ حاجَتِهِمْ» «۱»

ولی بنیه سپاهیان بستگی به جیره‌ای دارد که خداوند از محل خراج و مالیات برای آنان تعیین کرده تا با دلگرمی بتوانند با دشمن به جهاد بپردازند و زندگی خود و خانواده‌هایشان را تأمین و نیازمندیهایشان را فراهم سازند.

ممکن است این مقدار در زمان جنگ که هزینه‌های نظامی به‌شدت افزایش می‌یابد، کافی نباشد؛ در این صورت دولت‌ها طبق معمول، مالیات‌ها را افزایش می‌دهند و اگر حکومت مردمی و یا دینی باشد، مردم با میل و رغبت این افزایش را می‌پذیرند. راه

---

(۱)- نهج‌البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۳۲.

جهاد در قرآن، ص: ۱۳۲

دیگری که برای تأمین بودجه‌های جنگی وجود دارد، کمک‌های داوطلبانه مردمی است که علاوه بر اثرات مثبت مادی، اثر معنوی و عاطفی مطلوبی در جبهه‌ها دارد.

از دیدگاه وحی و احادیث معصومین علیهم السلام، در کنار وظیفه حضور در جبهه و جهاد با جان، وظیفه دیگری به‌عنوان جهاد مالی نیز مطرح است. قرآن مجید در این زمینه می‌فرماید:

«وَ جاهِدُوا بِامْوالِکُمْ وَ انْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ» «۱»

در راه خدا با مال و جانتان جهاد کنید.

در سفارش‌های امیر مؤمنان علیه السلام نیز چنین آمده است:

«اللَّهَ اللَّهَ فِی الْجِهادِ بِامْوالِکُمْ وَ انْفُسِکُمْ وَ الْسِنَتِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ» «۲»

خدا را! خدا را! (در نظر بگیرید، پیرامون) جهاد با اموال و جانهایتان و زبانتان در راه خدا.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: پاداش کسی که برای خدا، مجاهد در راه خدا را تجهیز کند و وسایل لازم را در اختیار او بگذارد، مانند پاداش همان مجاهدی است که در راه خداوند جهاد می‌کند. «۳» پشتیبانی و همکاری مردم همچنان که در تجهیز و تقویت بنیه نظامی- دفاعی رزمندگان مؤثر است، از نظر معنوی نیز بسیار ارزشمند می‌باشد، زیرا وقتی که رزمندگان اسلام کمک‌های مردمی را دریافت می‌کنند، یک نوع ارتباط عاطفی بین آنها و مردم برقرار می‌شود و درمی‌یابند که در نبرد مقدس خود تنها نیستند، بلکه از پشتیبانی ملتی فداکار برخوردارند.

نکته دیگر این که، چون رزمندگان علاقه ملت را نسبت به خودشان درک کرده و متوجه شدند که حتی ضعیف‌ترین افراد کشور با ایثار و از خودگذشتگی به آنها کمک

---

(۱)- توبه (۹)، آیه ۴۱.

(۲)– میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۲۹.

(۳)– سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۲۲.

جهاد در قرآن، ص: ۱۳۳

می کننـد، در اسـتفاده از وسـایلی کـه در اختیارشـان است صـرفه‌جویی خواهنـد کرد و در حفـظ و نگهـداری ابزار و مهمـات و غیره کوشش خواهند نمود؛ زیرا می‌دانند همه آن امکانات چه از طریق دولت تأمین شود و چه از طریق کمک‌های مردمی، متعلق به امتی فداکار است که از جان و دل پشتیبان رزمندگان خود هستند.

جهاد در قرآن، ص: ۱۳۵

فهرست منابع

قرآن مجید

نهج‌البلاغه، صبحی صالح.

اعیان الشیعه، محسن امین، دارالتعارف للمطبوعات.

بحارالانوار، علامه مجلسی، بیروت.

تاریخ پیامبر اسلام، عبدالحمید آیتی، دانشگاه تهران.

تفسیر عیاشی، مسعود بن عیاش قندی، انتشارات علمیه اسلامیه.

تفسیر کنز الدقایق، میرزا محمد مشهدی قمی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

جواهر الکلام، شیخ محمدحسن نجفی، دار احیاء التراث العربی.

جهاد، آیت‌الله حسین نوری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

جهاد، شهید مرتضی مطهری، صدرا.

دادگستر جهان، ابراهیم امینی، دارالفکر قم.

در مکتب جمعه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

سنن ترمذی، ترمذی، دارالاتحاد العربی.

سنن ابی داود، ابی داود، بیروت.

جهاد در قرآن، ص: ۱۳۶

السیرة النبویه، ابن هشام، بیروت.

الصحیح من سیرة النبی الاعظم صلی الله علیه و آله، جعفر مرتضی عاملی، دفتر انتشارات اسلامی.

صحیفه نور، وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی.

عبرتهای عاشورا، مقام معظم رهبری.

الکافی، شیخ کلینی، دارالتعاریف بیروت.

مجمع البیان، شیخ طبرسی، دار احیاء التراث العربی.

مستدرک الوسایل، میرزا حسین نوری، مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث.

مغازی، واقدی، بیروت.

المغنی، ابن قدامه، دارالکتب العربی.

المفردات، راغب اصفهانی، دارالمعرفه بیروت.

المهدی، آیت‌الله صدر، بیروت.

المهدی الموعود المنتظر، علامه عسکری، مؤسسه امام المهدی.

المیزان، علامه طباطبایی قدس سره، اعلمی بیروت.

میزان الحکمه، محمدی ری شهری، دفتر تبلیغات اسلامی.

المبسوط، سرخسی، دارالمعرفه.

وسایل الشیعه، شیخ حر عاملی، دار احیاء التراث العربی.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
اصفهان
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹